

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



---

---

# درسنامه فرهنگ

---

---



## فهرست کلی

---

- ۷ | بخش اول: قالبهای کار فرهنگی
- ۹ | مقدمه
- ۱۱ | فصل اول: قالبهای تبلیغی و ترویجی
- ۷۳ | فصل دوم: قالبهای تفریحی
- ۱۱۲ | خلاصه
- ۱۱۲ | سوالات
- ۱۱۵ | بخش دوم: بسترها و موقعیتهای ویژه برای کار فرهنگی
- ۱۱۷ | مقدمه
- ۱۱۹ | فصل اول: بسترهای مکانی (پایگاهها و مراکز فرهنگی)
- ۱۴۹ | فصل دوم: بسترهای زمانی (مناسبتها و موقعیتهای ویژه برای کار فرهنگی)
- ۱۷۰ | خلاصه
- ۱۷۱ | سوالات
- ۱۷۳ | فهرست تفصیلی

شناسنامه

اطلاعات



بخش اول

قالبهای کار فرهنگی





## مقدمه

یکی دیگر از وظایف مسئولان فرهنگی و افرادی که دغدغه‌ی کار فرهنگی دارند، شناخت قالبهای کار فرهنگی است. قالبهای فرهنگی را به چهار قسمت کلی می‌توان تقسیم کرد: ۱. قالبهای تبلیغی و ترویجی: این قالب به پنج زیرشاخه تقسیم می‌شود که عبارتند از: فعالیتهای قرآنی، خطابه، برگزاری مراسم، ترویج احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) و جلسات پاسخگویی به شبهات؛ ۲. قالبهای مکتوب که شامل کتاب و مطبوعات است؛ ۳. قالبهای تفریحی که شامل ورزش و برگزاری اردوها است؛ ۴. رسانه‌های نوپدید که شامل رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت است.



## فصل اول: قالبهای تبلیغی و ترویجی

### ۱. فعالیتهای قرآنی

الان شما برای حرکت دادن یک جامعه‌ی مسلمان، بهترین ابزارتان آیات قرآن است. این، چیز خیلی عجیبی است؛ کهنه نشده و کهنه نمی‌شود. با توجه به اینها، هر جا هستید، برای صیقل زدن به این سلاح و کامل کردن و در دست گرفتن آن تلاش کنید.<sup>۱</sup>

مشکلات هر جامعه‌ای با قرآن حل خواهد شد. با معارف قرآنی، مشکلات حل میشود. قرآن راه‌حل معضلات زندگی بشر را به فرزندان آدم هدیه میکند؛ این وعده‌ی قرآنی است و تجربه‌ی دوران اسلام هم این را نشان داده. هر چه ما به قرآن نزدیکتر شویم، هر چه عمل قرآنی در میان ما - چه در روح ما، چه در

---

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با اعضای کنگره‌ی شعر حوزه، ۱۳۷۰/۷/۱۵.

اعمال جسمانی ما، چه در فرد ما، چه در اجتماع ما - بیشتر شود، به سعادت، به حل مشکلات و معضلات نزدیکتر میشویم.<sup>۱</sup>

قرآن، خودش را به زبانهای مختلف تعریف می‌کند؛ از جمله این که می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»<sup>۲</sup> این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ یعنی قرآن، انسان را به بهترین راه، بهترین کار، بهترین نظام، بهترین شیوه، بهترین اخلاق و بهترین روشهای عمل فرد و جامعه هدایت می‌کند. امروز همه‌ی بشر محتاج قرآنند؛ اما ما مسلمانان اگر به قرآن عمل نکنیم، خسارت‌مان، بیشتر از دیگران است؛ چون ما این نسخه و این دستورالعمل را داریم، تجربه‌ی تاریخی آن را هم داریم. بشریت در صدر اول به برکت عمل به قرآن، در علم، در اخلاق، در عمل و در پیشرفتهای گوناگون مادی و معنوی، اوج پیدا کرد. قرآن، همیشه زنده است. قرآن، نیازهای انسان را مورد توجه قرار می‌دهد. قرآن در هر عصری می‌تواند بهترین نسخه‌ی سعادت انسانها باشد.<sup>۳</sup>

## ۱-۱. ایجاد انس عمومی با قرآن

خوشبختانه کشور ما، ملت ما، جوانان ما، در مرحله‌ی انس با قرآن، امتحان خوبی دارند می‌دهند. این آشنائی‌ها و خبرویتها و آگاهی‌ها و قرآن‌فهمی‌ها که انسان کاملاً در این جلسات و در این تلاوتها می‌بیند، و آنچه که خارج از این جلسه هم میشنویم یا می‌بینیم، اینها خیلی تفاوت دارد با آنچه که در سالهای قبل، در اوائل انقلاب، در این کشور وجود داشت. بحمدالله جوانان ما، نوجوانان

۱.؟؟؟

۲. سوره اسراء، آیه ۹.

۳. رهبر معظم انقلاب، مراسم اختتامیه‌ی پانزدهمین دوره‌ی مسابقات قرآن، ۱۳۷۷/۹/۱.

ما، مردان ما، زنان ما در انس با قرآن پیشرفت کردند؛ این خیلی مزدهی بزرگی است؛ ما یک روزی از اینها محروم بودیم.<sup>۱</sup>

انس با قرآن، آشنائی با قرآن، ما را نزدیک میکند. این جلسات قرآنی، این دوره‌های قرآنی، این مسابقات قرآنی، اینی که ما به تربیت قراء و حفاظ دل بستیم، به خاطر این است؛ اینها همه‌اش مقدمه است؛ ولی مقدمات لازمی است.

من باز هم به جوانان عزیزمان توصیه میکنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. «وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ زِيَادَةٌ أَوْ نُقْصَانٌ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٌ مِنْ عَمَى»<sup>۲</sup>؛ هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته میشود؛ یک چشمه از چشمه‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا میکند و جاری میشود. انس با قرآن، مجالست با قرآن، تفهیم قرآن، تدبر در قرآن، اینها لازم است.<sup>۳</sup>

ما اگر بخواهیم کل امت با قرآن انس بگیرند، باید تلاوت قرآن را در جامعه باب کنیم. اگر من این قدر به خواندن شما قاریان عزیز تکیه می‌کنم و به آن اهمیت می‌دهم، برای همین است. شما یک نفر آدمید، می‌خوانید، هرچه هم خوب بخوانید یا نخوانید، از یک جهت به خودتان مربوط است؛ اما آن چیزی که من را وادار می‌کند که به این مسأله این همه اهتمام بورزم، آن است که اگر تالیان کلام الله در جامعه توانستند با زمزمه‌ی ملکوتی و صحیح و پُر جاذبه، این آیات کریمه را تلاوت بکنند، دل مردم با قرآن انس می‌گیرد و به قرآن نزدیک می‌شود. مردم ما برای ارتباط با قرآن آماده هستند. مردم ما با مردم کشورهای دیگر اسلامی فرق دارند. مردم ما در راه قرآن صادقانه مجاهدت

۱. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۴/۳۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۶.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۴/۲۴.

کردند؛ شوخی نیست. این قدر ما جوان دادیم، این قدر مردم ما رنج و زحمت متحمل شدند. همه‌ی اینها در راه قرآن بوده است.<sup>۱</sup>

همه‌ی شما برادران و خواهران، باید هر روز قرآن بخوانید و سعی کنید با آن مأنوس شوید و آن را بیاموزید و دریابید. مهم، قطع رابطه نکردن با قرآن است. چه نیم صفحه و یک ورق بخوانید، چه یک «حزب» و یا یک «جزء». رابطه نباید قطع شود. به هر حال، همه، هر چقدر وقت، همت و حوصله دارند، باید قرآن بخوانند. بعضی فقط در ماه رمضان قرآن می خوانند. این، خطاست. هر روز باید قرآن بخوانید. بعد از نماز صبح، یا آخر شب که می خواهید بخوابید و یا وسط روز، خواندن مقداری از قرآن لازم است. البته خواندن قرآن، به تنهایی کافی نیست؛ باید معنای آن را بفهمید. هر کس که می تواند بفهمد، چه بهتر؛ اما کسی که نمی فهمد، باید از ترجمه‌ها ی قرآن استفاده کند و هر آیه ای را که می خواند به ترجمه آن نیز بنگرد. پرداختن به معنای قرآن در کنار الفاظ آن، انس با قرآن را بیشتر می کند. به ویژه کسی که قرآن را حفظ باشد، این کار برای او بسیار آسانتر است. وقتی از این طریق معنای قرآن را فهمیدید، می توانید تدبّر کنید و روی کلمات قرآن بیندیشید و با همین فکر، یک دنیا معرفت نصیبشان می شود.<sup>۲</sup>

اگر در همین زندگی دنیا، با قرآن مأنوس و محشور باشید، در قیامت هم با قرآن محشور خواهید شد.<sup>۳</sup>

قرآن را همیشه و هر روز بخوانید - و لو کم - با توجه به معنا بخوانید و در مفاهیم قرآنی تدبّر و تفکر کنید. به تفاسیر مختصر، در حد وسع - به قدری

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با قاریان قرآن: شعبان عبدالعزیز صیاد، محمود صدیق منشاوی، ۱۳۷۰/۱/۲۲.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار فرزندان شهید حافظ قرآن، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار با قاریان چهل کشور جهان و جمعی از روشن ضمیران، در سالروز بعثت رسول اکرم (ص)،

که مجال دارید- حتماً نگاه کنید. قرآن انسان را بصیر میکند؛ نسبت به معارف الهی، انسان را آگاه میکند؛ از اشتباه کردن انسان جلوگیری می کند و در بسیاری از موارد، راه را به انسان نشان می دهد.<sup>۱</sup>

وقتی انس با قرآن پیدا شد، مجال تدبر و تأمل و تفکر در معارف قرآن به دست خواهد آمد. قرآن را نمیشود سرسری خواند و گذشت؛ قرآن احتیاج دارد به تدبر، تکیه‌ی بر روی هر کلمه‌ای از کلمات و هر ترکیبی از ترکیبهای کلامی و لفظی. انسان هرچه بیشتر تدبر کند، تأمل کند، انس بیشتری پیدا کند، بهره‌ی بیشتری خواهد برد؛ قرآن اینجور است.<sup>۲</sup>

بحمدالله در جامعه‌ی ما، در کشور ما، نهضت انس با قرآن، نهضت خوبی شده است. این مسئله‌ی حفظ قرآن که ما قبلاً سفارش کردیم، بحمدالله دارد در میان جوانهای ما انتشار پیدا میکند؛ باید هم انتشار پیدا کند؛ باید هم با قرآن آشنا شویم، مانوس شویم. وقتی قرآن را حفظ کردید، میتوانید معانی قرآن را درست بفهمید؛ انسان وقتی معنای قرآن را فهمید، میتواند در آن تدبر کند؛ وقتی تدبر کرد، میتواند به معارف عالی دست پیدا کند و رشد پیدا کند. انسان با انس با قرآن، در درون رشد پیدا میکند.<sup>۳</sup>

من باز هم به جوانان عزیزمان توصیه میکنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. «و ما جالس هذا القرآن أحد الآ قام عنه زیاده او نقصان، زیاده فی هدی او نقصان من عمی»؛ هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته میشود؛ یک چشمه

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار شرکت کنندگان در یازدهمین دوره مسابقات قرآنی، ۱۳۸۱/۷/۱۶.

۲. بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۱/۴/۳۱.

۳. بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۱/۴/۱۳.

از چشمه‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا میکند و جاری میشود. انس با قرآن، مجالست با قرآن، تفهیم قرآن، تدبر در قرآن، اینها لازم است.<sup>۱</sup>

### ۱-۱-۱. ثمرات نزدیکتر شدن به قرآن

هرچه ما به قرآن نزدیکتر شویم، دو اتفاق می‌افتد: یک اتفاق اینکه ما قوی‌تر میشویم؛ اتفاق دوم اینکه دشمنان بین‌المللی ما، علیه ما بیشتر بسیج میشوند؛ خوب، بشوند. هرچه به سمت قرآن برویم، هرچه به قرآن نزدیکتر شویم، دشمنان بشریت بیشتر خشمگین میشوند؛ تهمت میزنند، دروغ میگویند، شایعه درست میکنند، فشار اقتصادی می‌آورند، فشار سیاسی می‌آورند، انواع و اقسام خباثتها و ملعنتها را با ملت ما میکنند - کما اینکه می‌بینید دارند میکنند - اما در مقابل، توان ما، قدرت تحمل ما، قدرت تأثیرگذاری ما روز به روز بیشتر خواهد شد، مضاعف خواهد شد؛ کما اینکه می‌بینید شده.<sup>۲</sup>

فرمود: «حبل ممدود من السماء»؛ این قرآن حبل الهی است؛ ریسمان مستحکم الهی است که اگر به آن چنگ زدیم، لغزش و افتادن و گم شدن و اینها دیگر در آن نیست.<sup>۳</sup>

### ۲-۱. آشناسازی عمومی با روخوانی قرآن

قدم اول برای عمل کامل به قرآن، آشنایی با متن قرآن است... وقتی قرآن وارد جامعه می‌شود، حضور قرآن، حلاوت خود را به کامها می‌چشاند. امروز

۱. بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴.

۲. همان.

۳. همان.



قرآن در کشور ما سیطره دارد. قدم اول، یاد گرفتن متن قرآن است و این باید روزبه‌روز زیاد شود.<sup>۱</sup>

در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی و آموختن و تدبر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دائر گردد. در این مورد، مسؤولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.<sup>۲</sup>

بایستی روحوانی قرآن، تمام ملت ما را شامل بشود. نباید یک نفر در میان ملت ما بماند که قادر نباشد قرآن را باز کند و به صورت صحیح بخواند. زن و مرد و کوچک و بزرگ و پیر و جوان، باید بتوانند قرآن را بخوانند. البته، باید برای این کار برنامه‌ریزی بشود. سازمان اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمانهای گوناگون و مؤسسات دیگری که به عشق قرآن به وجود آمده‌اند، باید این کار را در ردیف اول وظایف خودشان قرار بدهند. این کار باید انجام بگیرد. نمی‌شود در کشوری که بر مبنای اسلام اداره می‌شود، قرآن را به دست یک نفر بدهیم و بگوییم بخواند، اما نتواند این کتاب عزیز را باز کند و بخواند. بنابراین، همه باید بتوانند قرآن را بخوانند. البته، این قدم اول است.<sup>۳</sup>

### ۱-۲-۱. هدف از تلاوت قرآن

اگر بخواهیم از قرآن به معنای حقیقی کلمه بهره ببریم، باید با معارف قرآن و مفاهیم قرآن آشنا بشویم. این تلاوت هم و این حفظ قرآن هم و این انس با قرآن هم به ما در این جهت کمک میکند. اگر درس گرفتن از قرآن نمی‌بود،

۱. رهبر معظم انقلاب، مراسم اختتامیه‌ی پانزدهمین دوره‌ی مسابقات قرآن، ۱۳۷۷/۹/۱.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار با قاریان قرآن در حسینیه امام خمینی، ۱۳۷۳/۱۱/۱۸.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار با قاریان چهل کشور جهان و جمعی از روشن‌ضمیران، در سالروز بعثت رسول اکرم(ص)، ۱۳۶۸/۱۲/۴.

این همه به ما توصیه نمی‌کردند که قرآن را تلاوت کنیم. چون باید توجه داشته باشیم هدف این نیست که این امواج صوتی در فضا به وجود بیاید و پراکنده بشود؛ این که هدف نیست. یا هدف این نیست که همچنانی که یک شعری را ممکن است با آهنگ خوشی کسی بخواند و ما لذت ببریم، قرآن را هم حالا با آهنگ خوشی بخوانند که ما از صدای خوش آن لذت ببریم؛ اینها که هدف نیست. همه‌ی این مقدمات - تلاوت و آنچه که تلاوت را ترویج میکند در جامعه که همین صدای خوش و لحن خوش است و اینها جزو این مؤلفه‌هایی است که تلاوت را رواج میدهد در جامعه و دلها را به سمت آن مشتاق میکند - برای فهم معارف قرآنی است.<sup>۱</sup>

فهم معارف قرآنی هم درجاتی دارد. اولش از همین تأمل در الفاظ قرآن و ترجمه‌ی قرآن به دست می‌آید. یعنی وقتی ما می‌گوئیم معارف قرآنی، معنایش این نیست که یک هفت‌توی رازآلودِ رمزگونه‌ای است که دست هیچ کس به او نمیرسد. بله، معارف عالی‌های وجود دارد که دست امثال ماها به آن ممکن است نرسد، اما معارف بسیاری هم هست که همین ما - ما مردم معمولی و عادی - به شرط اینکه توجه کنیم به این کلام و به این بیان، آن را خواهیم فهمید و از آن استفاده خواهیم کرد.<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۲. لزوم درک معانی آیات به همراه تلاوت

اینی که ما مکرر عرض کردیم - چند سال است که این را عرض میکنیم و خوشبختانه به نتیجه هم رسیده و انسان اثرش را می‌بیند - باز عرض میکنیم: شما این آیه‌ای را که تلاوت میکنید، بدرستی معنایش را درک کنید. همین

۱. بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان، ۱۳۸۹/۵/۲۱.

۲. بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان، ۱۳۸۹/۵/۲۱.

معنایی که یک عربی‌دان میتواند بفهمد، همین معنای ظاهری را درست درک کنید. این که درک شد، آن وقت در تلاوت، فرصت و قدرت تدبر به انسان دست میدهد. یعنی انسان میتواند آن وقت تدبر کند.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۳. قرائت کامل قرآن

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ اینها همه لازم است. اگر اینها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد.<sup>۲</sup>

### ۱-۳. بها دادن به قرائت قرآن و قاریان موفق

یاد بگیریم که جلساتی داشته باشیم، فقط برای شنیدن کلام‌الله. جلسه زیاد هست، لیکن احتیاج هست در میان مردم ما - که قلباً علاقه‌مند به قرآنند - جلساتی باشد، فقط برای شنیدن. غیر از جلسه‌ای که در آن، جوان ما، نوآموز ما، روخوانی قرآن را فرا میگیرد، یا تجوید را یاد میگیرد، یا قرائت مختلف را تعلیم می‌بیند، خواننده‌ی قرآن، تالی قرآن بیاید بنشینند و همین‌طور که ما پای یک منبر جمع می‌شویم، پای یک مداحی جمع می‌شویم و به آن گوش میدهیم، پای تلاوت قرآن جمع بشویم و به آن گوش بدهیم و از آن بهره ببریم. همه‌ی این حرفهای ما، استدلالها و برهانها و خطابه‌ها و لفاظی‌ها و

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴.

حزّافی‌ها و شعرها و نثرهای ما - اگر درست باشند - فروغند. اصل، کلام خداست؛ وحی الهی است. این الفاظ پاکیزه و مقدسی است که از غیب بر قلب مقدس پیغمبر نازل شد و پیغمبر اینها را در اختیار ما گذاشت.<sup>۱</sup>

اگر بخوانید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگها و بین زن و مرد رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید. همین است که ما به ایشان احترام می‌کنیم. اینها حامل قرآنند، اینها عزیزند. زبان اینها عزیز است. لبها و دل‌های اینها عزیز است؛ چون با قرآن مأنوس است. جان ما به قربان قرآن!<sup>۲</sup> درباره‌ی قرآن هر چه تلاش کنید، زیادی نیست. سعی کنید از اساتید استفاده شود؛ همکاری میان قراء با سابقه‌ی مشهد بیشتر از پیش شود؛ به آموزش و تفهیم قرآن و تحفیظ آن نسبت به نوجوانان اهتمام ورزیده شود.<sup>۳</sup>

صدای شیخ مصطفی اسماعیل، خیلی فوق العاده بود. این را هم بگویم که الان در ایران، میل عمومی به طرف شیخ مصطفی اسماعیل است. یعنی قرّای ما، حتماً روی سبک قرائت شیخ مصطفی اسماعیل تمرین دارند و روی دیگران کمتر. اعتقاد این است که این حرکت، از مشهد و از دستگاه ما شروع شد. در تهران، هیچ‌کس غیر از عبدالباسط را نمی‌شناخت. من یک وقت که به تهران آمده بودم، فقط عبدالباسط مطرح بود. جاهای دیگر هم که می‌رفتیم، فقط عبدالباسط را می‌شناختند.

ما در مشهد، نوار شیخ مصطفی اسماعیل را داشتیم. یکی از دوستانم می‌خواست به مسافرت برود، من گفتم که هر چه توانستی، نوار شیخ مصطفی

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار قاریان قرآن در روز اول ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۷/۶/۱۲.

۲. رهبر معظم انقلاب، مراسم اختتامیه مسابقات قرائت قرآن کریم، ۱۳۷۴/۱۰/۴.

۳. رهبر معظم انقلاب، پاسخ به نامه‌ی آقای سید محمدجواد فاطمی، در خصوص تشکیل «جامعه‌ی قاریان قرآن مشهد»، ۱۳۶۸/۹/۲۸.

اسماعیل پیدا کن و بیاور. او هم رفت و چند نوار از نوارهای بسیار خوب شیخ مصطفی اسماعیل را آورد. من آنها را به آقای مرتضی فاطمی - که در آن وقت نوارهای ما را تکثیر می کرد - دادم، تا تکثیرشان کند. او هم همین کار را کرد و نوارها را به این چند نفری که از تهران آمده بودند، داد. در نتیجه، همه‌ی نوارها به طرف تهران سرازیر گردید و شیخ مصطفی اسماعیل شایع شد. انصافاً هم چیز عجیبی بود. نمی دانم شما با صدای شیخ مصطفی اسماعیل آشنا هستید؟ خیلی فوق العاده است. او سوره‌ی هود، سوره‌ی بقره و آیات داوود و جالوت را خوانده بود، که انصافاً خیلی عالی و فوق العاده بود.<sup>۱</sup>

### ۱-۳-۱. توجه به معانی هنگام قرائت

من توصیه‌ام به شما برادران عزیزى که قرآن را با صوت خوش تلاوت میکنید، این است که به این نکته توجه کنید: یعنی قرآن را با توجه به معنا بخوانید؛ جوری بخوانید که با طرف مقابل، با مخاطبی که دارد میشوند، کانه دارید با زبان قرآن حرف میزنید. این اگر شد، آن وقت شما از خواندنتان بهره بردید، مردم هم از شنیدن قرآن و شنیدن تلاوت شما بهره‌مند شدند.<sup>۲</sup>

### ۱-۳-۲. تلفظ و ترجمه و حفظ قرآن

من این توصیه را حتماً بکنم که روی ترجمه‌ی قرآن، دوستان قاری کار کنند؛ یعنی واقعاً جوری باشد که مسلط باشند به ترجمه‌ی قرآن. البته حفظ قرآن هم در این زمینه خیلی مهم است.<sup>۳</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، مراسم تودیع با قاریان قرآن: استاد شحات محمد انور و استاد محمد بسیونی، ۱۳۶۹/۱۲/۱.

۲. بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان، ۱۳۸۹/۰۵/۲۱.

۳. همان.

### ۴-۱. ترویج فهم مفاهیم قرآنی و تدبیر در قرآن

قرآن کتاب نور، کتاب معرفت، کتاب نجات، کتاب سلامت، کتاب رشد و تعالی و کتاب قرب به خداست. ما این خصوصیات را چه وقت از قرآن به دست می‌آوریم؛ برادران عزیز؟!<sup>۱</sup>

همین که قرآن را در جیبمان بگذاریم کافی است؟ این که در هنگام سفر، از زیر قرآن رد شویم کافی است؟ امروز من می‌گویم، این که ما در جلسه‌ی تلاوت قرآن شرکت کنیم کافی است؟ این که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذت ببریم کافی است؟ نه. چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبیر در قرآن است. باید در قرآن تدبیر کرد. خود قرآن در موارد متعدد از ما می‌خواهد که تدبیر کنیم. عزیزان من! اگر ما یاد گرفتیم که با قرآن به صورت تدبیر، انس پیدا کنیم، همه‌ی خصوصیات که گفتیم حاصل خواهد شد. ما هنوز خیلی فاصله داریم؛ پس باید پیش برویم.<sup>۱</sup> تلاوت قرآن با تأمل و تدبیر، اثر می‌بخشد. تلاوت قرآن مطلوب است که انسان با تدبیر بخواند و کلمات الهی را بفهمد، اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبیر کند؛ دوبار، سه بار، پنج بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آیه پیدا می‌کند که با بیان دیگری حاصل نمی‌شود؛ این را تجربه کنید.<sup>۲</sup>

بحمدالله امروز جامعه‌ی ما با قرآن مأنوس شده‌اند. البته ما به این قانع نیستیم؛ ما معتقدیم همه‌ی آحاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبیر کنند. آنچه که ما را به حقایق نورانی میرساند، تدبیر در قرآن است.<sup>۳</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، مراسم اختتامیه‌ی مسابقات قرائت قرآن، ۱۴/۱۰/۱۳۷۳.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۷/۷/۱۳۸۴.

۳. ???

### ۱-۴-۱. تفاوت تدبر با تفسیر

اصلاً تدبر برای تفسیر کردن نیست؛ برای فهمیدن مراد است. انسان هر سخن حکیمانه‌ای را دو گونه می‌تواند تلقی کند: یکی سرسری و با سهل‌انگاری؛ یکی با دقت و کنجکاوانه. این اصلاً به مرحله‌ی تفسیر کردن و تعبیر کردن نمی‌رسد. تدبری که در قرآن لازم است، پرهیز کردن از سرسری نگریستن در قرآن است؛ یعنی شما هر آیه‌ی قرآنی را که می‌خوانید، با تأمل و ژرف‌نگری باشد و دنبال فهمیدن باشید. این همان تدبر است و بدون این که نیازی به این باشد که انسان، سلايق خودش را به قرآن تحمیل کند - که همان تفسیر به رأی است - خواهید دید که بابهایی را از معرفت، به حسب محتوای آیه - هر چه که محتوای آیه است - باز می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۱-۴-۲. درک مفاهیم روز و پاسخگویی به شبهات با قرآن

آن زمانی که وقتی کسی در این کشور و این جامعه حرفی زد و مطلبی گفت، هر کسی از جوانهای این مملکت بتواند با آشنایی با قرآن، تشخیص بدهد که این حرف، غلط، یا درست است؛ آن وقت ما با قرآن، آشنا هستیم و فرهنگی قرآنی بر زندگی ما حاکم است.<sup>۲</sup>

هنوز ما آن نشده ایم، هنوز کسی که به نام قرآن، به نام اسلام و دین حرفی می‌زند، خیلپها در شبهه می‌افتند. چرا؟ چون هنوز آن طور که شاید و باید، ما با مفاهیم قرآن آشنا نشده ایم و این مفاهیم در جامعه‌ی ما گسترش پیدا نکرده است. با همین انس با قرآن، خواهد شد. این، راهش همین است که با قرآن، مانوس بشویم، قرآن را زیاد بخوانیم و به برکت تلاوتهای خوب، فرصت

۱. رهبر معظم انقلاب، گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، ۱۸ / ۷ / ۱۳۷۷.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار طلات و علمای حوزه علوم قرآن، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۸۴.

تأمل و تدبر پیدا کنیم. این تأمل و تدبر و این غوربینی در آیات قرآنی، بتدریج این فضای فرهنگی مطلوب را در جامعه‌ی ما به وجود خواهد آورد و تا آن روز، هنوز ما راهی طولانی در پیش داریم.<sup>۱</sup>

### ۱-۴-۳. آموزش زبان عربی با گرایش فهم و ترجمه قرآن

ما به نوعی خاص از آموزش زبان عربی نیاز داریم. معارف اسلامی و معارف دنیا و آخرت ما در قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه و در انواع و اقسام متون دینی قرار دارد؛ مثل روایات، دعاها و زیارتها... نسل ما چه وقت باید اینها را یاد بگیرند؟ آیا باید دائماً بنشینیم ترجمه کنیم؟ نه؛ ما باید عربی را چنان بیاموزانیم که دانش آموزان - ولو هیچ قاعده‌ای را هم ندانند - وقتی متن را می‌خوانند، معنایش را بفهمند؛ و این کاملاً ممکن است. ما کسانی را داریم که وقتی شما آیه قرآن را می‌خوانید، معنایش را می‌فهمند؛ اما اگر از آنها پرسید فاعل و مفعول جمله را تعیین کنید، اصلاً نمی‌توانید؛ ولی معنا را می‌فهمند و برای شما ترجمه می‌کنند.<sup>۲</sup>

سعی کنید در درجه اول، عبارات قرآن را بفهمید؛ چون زبانی غیر از زبان شماست. بعد از این که عبارات را فهمیدید - آن چنان که یک عرب زبان می‌فهمد - آن وقت نوبت این است که در قرآن غور و تدبر کنید. آن وقت قرآن زیباییهای خودش را به شما نشان خواهد داد و انسان را حیرت زده خواهد کرد. هدایت قرآنی، برای ما لازم است.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار وزیر آموزش پرورش و شوری تدوین کتابهای درسی، ۱۳۷۹/۱۰/۲۷.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار دسته جمعی عمومی روزهای دوشنبه، ۱۳۸۰/۴/۱۱.



### ۱-۴-۴. حک کردن برخی مفاهیم قرآنی در ذهن‌ها

در همین زمینه، بحث حک کردن برخی از مفاهیم قرآنی به صورت خود آیه در ذهنها مطرح می‌شود؛ مثلاً «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» یا «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»<sup>۲</sup> یا «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»<sup>۳</sup>. اگر مفاهیم قرآن به این شکل در ذهنها حک شود، کاربردی هم می‌شود. فرض بفرمایید، خیلی از مردم ما در جاهایی به این نکته تمسک می‌کنند که «دروغ مصلحت‌آمیز، به از راست فتنه‌انگیز» است؛ کأنه آیه‌ی قرآن نازل شده است. یا مثلاً «همنشین تو از توبه باید». لازم است که ما مثلاً دو هزار یا پنج هزار مفهوم قرآنی را که می‌تواند سرمشق زندگی و سرمشق ذهن مردم باشد و آنها را به استنتاجی برساند، جدا کنیم تا برای آنها کاربردی شود.<sup>۴</sup>

### ۱-۴-۵. بهره‌مندی از راهنمایی دانایان به معارف قرآن

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ اینها همه لازم است. اگر اینها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد.<sup>۵</sup>

۱. نیکی‌های هر شخصی به سود خود او و بدیهایش نیز به زیان خود او است. (سوره بقره، آیه ۲۸۶).

۲. هر کسی در گرو عملی است که انجام داده است. (سوره مدثر، آیه ۳۸).

۳. جز این نیست که اموال و اولاد شما فتنه و مایه آزمایش شمایند. (سوره تغابن، آیه ۱۵)

۴. رهبر معظم انقلاب، دیدار شرکت کنندگان یازدهمین دوره مسابقات قرآن، ۱۳۸۱/۷/۱۶.

۵. رهبر معظم انقلاب، دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴.

انس با قرآن، باید به این صورت باشد که در کلمات قرآن تعمق کنید و بکوشید مفاهیم قرآن را دریابید. البته برای غوطه ور شدن در اعماق این اقیانوس، بی شک راهنمایی کسانی لازم است که قرآن، خود را به آنها داده و گوهرهای خود را در اختیار آنها گذاشته است. یعنی در درجه اول ائمه معصومین و پس از آنها، عارفان به معارف قرآنی. کسانی که همین کاری را که ما به شما توصیه می‌کنیم، در طول سالهای متمادی انجام داده‌اند و بیست سال، سی سال، پنجاه سال، با قرآن مانوس شده‌اند، می‌توانند راهنمایان خوبی باشند. با راهنمایی آنها، خیلی می‌شود از قرآن استفاده کرد.<sup>۱</sup>

### ۱-۵. نزدیک کردن دلها به قرآن؛ از جنبه عاطفی و عقلانی

اگر ملتی عقیده‌ی به حق را، عقیده‌ی به قرآن و معارف اسلامی را همراه کرد با محبت، رنگ و بوی لطیف گل محبت است که میتواند اعتقادات عمیق را در عرصه‌ی زندگی انسان بارور کند. اگر این عقاید، این پایبندی‌های عقلانی، با محبت و با عواطف عجین و همراه شد، آن وقت عرصه، عرصه‌ی عمل قرآنی خواهد شد؛ توفیقات، روزافزون خواهد شد؛ پی‌درپی خواهد شد؛ ما دنبال این هستیم. اگر این محافل قرآنی بتواند دل‌های ما را فراتر از جنبه‌ی عقلانی، از جنبه‌ی عاطفی و علقه‌ی عشق و محبت، به قرآن نزدیک کند، مشکلاتی که بر سر راه جامعه‌ی اسلامی است، برطرف خواهد شد؛ این اعتقاد ماست البته ما به احساسات و عواطف تنها مطلقاً اکتفاء نمی‌کنیم، اما این را لازم میدانیم. و خوشبختانه در جامعه‌ی ما، در معارف اسلامی‌ای که ما از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) یاد گرفتیم، این معنا وجود دارد؛ عقل و عاطفه، هر دو همراه یکدیگر.<sup>۲</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار قاریان شرکت کننده در بیستویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۸۲/۸/۶.

۲. بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۱/۴/۳۱.

### ۱-۶. تخلق به اخلاق قرآن

مسئله‌ی احترام ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئله‌ی بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن. هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «آئی تارک فیکم الثَّقَلین» یا «آئی تارک فیکم الثَّقَلین»؛ دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم. این جلسه‌ی قرآن، این آموزش قرآن، این تجوید قرآن، این حُسن تلاوت قرآن با نغمه‌های خوب، با صدای خوب، همه مقدمه برای این است. این را به چشم ذی‌المقدمه نگاه نکنیم، این مقدمه است؛ از اینجا باید وارد شد و با قرآن انس گرفت.

عمل خودمان را باید قرآنی کنیم، الهی کنیم. به گفتن نیست، به زبان نیست، به ادعا کردن نیست؛ باید در عمل، در این راه حرکت کنیم و قدم برداریم. با قرآن که انس میگیرید، قرآن را که تلاوت میکنید، هر جایی دستوری است، هدایتی است، نصیحتی است، در درجه‌ی اول سعی کنید آن را در وجود خودتان، در باطن خودتان، در دل خودتان پایدار کنید و آن را به عمل خودتان نزدیک کنید. هر کدام از ما اگر در عمل این را متعهد شدیم، جامعه پیش خواهد رفت، جامعه قرآنی خواهد شد.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۰۴/۳۱.

## ۱-۷. مسابقات و جلسات قرآن

خدای متعال را از اعماق دل و همه‌ی زوایای جان سپاسگزاریم که توفیق انس با قرآن و لذت از تلاوت قرآن را به ما، به ملت ما، به مردم ما عنایت کرده است. یقیناً هر یک از این جلساتی که برای قرآن و تلاوت قرآن تشکیل میشود و عندلیبان قرآنی در آن نغمه‌سرائی میکنند، تأثیر بسزائی در تعمیق ایمان و عشق و محبت ما به قرآن دارد؛ و همه چیز در گرو همین است.<sup>۱</sup>

آنچه که در این مسابقات بین‌المللی جلو چشم انسان قرار میگیرد، این است که قرآن مایه‌ی جمع است، مایه‌ی وحدت است. ما مسلمانها عوامل اتحاد زیادی داریم، یکی‌اش و شاید اهمش قرآن است. همه‌ی مسلمین، همه‌ی ملت‌های مسلمان در مقابل قرآن خاضعند؛ از قرآن میخواهند درس بگیرند؛ میخواهند خود را به قرآن نزدیک کنند. این خیلی فرصت مهمی است. دشمنان اسلام و دشمنان قرآن سعی کرده‌اند بین ملت‌های مسلمان فاصله بیندازند، آنها را از هم جدا کنند، گاهی حتی آنها را روبه‌روی هم قرار بدهند و دشمن هم وانمود کنند. این ناشی است از غفلت از قرآن. وقتی ملت‌های مسلمان، همه این کتاب آسمانی، این پیام آسمانی، این هدیه‌ی عظیم الهی را قبول دارند، چه چیزی بهتر از این وسیله‌ی اجتماع و اتحاد؟ همه بنشینیم سر این سفره‌ی معنوی؛ همه استفاده کنیم از این مایه‌ی عزت و قدرت اسلامی و الهی.<sup>۲</sup>

این مسابقات و این جلسات بهانه است برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت قرآن و روح قرآن. تلاوت هم یک وسیله‌ای است برای رسیدن به حقیقت قرآن، فرا گرفتن معارف قرآن، شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی در سایه‌ی قرآن؛ هدف اینهاست.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن، ۱۴/۴/۱۳۹۰.

۳. ???

اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت راه، راه امنیت راه، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز میکند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله‌ی خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است.<sup>۱</sup>

### ۸-۱. ترویج حفظ قرآن

این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوانها، در بین جوانهای کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، یک مقدمه‌ی خوبی است برای تدبیر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه‌ی قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب میشود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند. آنچه من حالا در این جلسه می‌خواهم به طور خاص به قرآنی‌های عزیز کشورمان بگویم این است که به سمت حفظ قرآن بیشتر بروید. حفظ، وسیله است البته؛ حفظ وسیله است. حفظ، هدف نیست. حفظ قرآن، وسیله است؛ وسیله است برای این که انسان، آسان بخواند، آسان تکرار کند و امکان تدبیر پیدا کند. جوانها بروند از استعدادشان، از حافظه‌شان استفاده کنند؛ بچه‌ها راه، جوانها را بکشانیید به سمت حفظ قرآن. البته امروز با گذشته‌ی ما قابل مقایسه نیست، خیلی جلو هستیم؛ اما کم است. آنچه که الان در کشور ما وجود دارد، کم است. بروند به سمت حفظ قرآن. وقتی که حفظ شد، حفظ حاصل شد،

آن وقت توان و فرصت برای تدبر بیشتر پیدا خواهد شد و همین تدبر است که کلید است. کلید اصلی، همین تدبر در قرآن و فکر کردن در قرآن است.<sup>۱</sup> حفظ قرآن خیلی مؤثر است. جوانها، دوره‌ی جوانی را، قدرت حفظ را قدر بدانند. خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آنها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی باارزش است. حفظ قرآن این فرصت را به حافظ خواهد داد که با تکرار آیات، در قرآن قدرت تدبر پیدا کند. این فرصت است، این توفیق است؛ این را از دست ندهید. آنهایی که حافظند، این نعمت بسیار بزرگ الهی را قدر بدانند؛ نگذارند حفظشان ضعیف بشود یا خدای نکرده از دست برود.<sup>۲</sup>

امروز را که انسان با بیست سال قبل، بیست و پنج سال قبل مقایسه میکند، می‌بیند زمین تا آسمان تفاوت کرده. حساب دست خیلی‌ها نیست. بنده چون به این مسئله اهتمام داشتم، حساب دستم هست؛ میدانم در امر آشنائی و انس با قرآن چه اتفاقی افتاده و دارد می‌افتد. قبلها قاری ما که قرآن می‌خواند، خیلی اوقات معنای آیات را نمی‌فهمید؛ جایی که باید وصل کند، قطع میکرد؛ جایی که باید قطع کند، وصل میکرد. امروز اصلاً این‌جور نیست؛ همه آشنایند.<sup>۳</sup> بنده واقعاً این نعمت بزرگ را که در واقع نعمت رشد روزافزونِ علاقه‌ی به قرآن در جامعه‌ی ماست، به قدری نعمت بزرگی میدانم که شاید هیچ نعمتی با آن معادل نیست.<sup>۴</sup>

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن، ۱۴/۴/۱۳۹۰.

۲. بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۲۴/۴/۱۳۸۹.

۳. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (علیه‌السلام)، ۳/۳/۱۳۹۰.

۴. بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان، ۲۱/۵/۱۳۸۹.

## ۱-۸-۱. حفظ قرآن در خردسالی

خواهش می‌کنم پدر و مادرها به فرزندان کوچکشان، قرآن را یاد بدهند؛ اهتمام بورزند. نمی‌گوییم که حتماً خودتان بنشینید یاد بدهید؛ ممکن است پدر و مادر، خودشان قرآن را درست بلد نباشند، معلم یاد خواهد داد؛ اما شما اهتمام کنید. شما برای این درس قرآن، اهمیت ویژه قایل بشوید، تا این نوجوانان - چه دختر و چه پسر - به قرآن گرایش پیدا کند؛ بخصوص در سن کودکی - حفظ، حفظ، حفظ قرآن - باید قرآن را حفظ کنند، باید قرآن در سینه‌ها باشد، تا در دلها نفوذ کند، تا در محیط جامعه تحقق پیدا کند.<sup>۱</sup> خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آنها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی با ارزش است. حفظ قرآن این فرصت را به حافظ خواهد داد که با تکرار آیات، در قرآن قدرت تدبر پیدا کند. این فرصت است، این توفیق است؛ این را از دست ندهید.<sup>۲</sup>

البته من یک تذکر هم بدهم: ذهن این بچه‌ها را با اعداد رایانه‌ای پر نکنید. ما چه کار داریم که فلان سوره چند حرف دارد؟ روزگاری این‌گونه مسائل لازم بود. روزگاری که خوف تحریف وجود داشت، لازم بود عدد کلمات و عدد حروف، محفوظ باشد. امروز قرآن، هزاران چاپ شده است. چه کسی جرأت دارد یک حرف از قرآن کم یا زیاد کند؟ این کارها امروز لازم نیست. به جای این کارها، بگویید حفظ کنند که در خواتیم آیات، تعبیرات مثلاً «وَهُوَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» چند جا در فلان سوره آمده است. سمیع یا علیم یا قدیر؛ چند تا از اینها با هم آمده است. کدام یک با هم آمده است. اینها خوب است. اینها را حفظ کنند. اینها در فهم معانی آیات تأثیر می‌گذارد. ببینند در آیات مثلاً اول این سوره تا آخر سوره، چند بار کلمه وحی آمده است. مثلاً در چند آیه

۱. رهبر معظم انقلاب، پایان مراسم قرائت قرآن، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴.

به پیامبر اشاره شده است که این قرآن به سوی تو وحی می‌شود. مثلاً نکات مکرر در سوره - هر سوره‌ای را که می‌خواهد بخواند - استخراج شود. فرض بفرمایید این آیات مربوط به سوره‌ی «فُصِّلَتْ» است. در این سوره راجع به وحی، مکرراً صحبت شده است. نوجوان این نکات را استخراج و حفظ کند؛ اینها مهم است. این که چند حرف است یا صفحه‌ی چندم است، مهم نیست. ما که قرآن با چاپ واحد نداریم؛ صدها چاپ قرآن داریم. آغاز یک سوره در این قرآن، صفحه‌ی ۳۲۵ است، اما در قرآن دیگر ممکن است صفحه‌ی ۱۰۰ باشد. لذا باید به بچه‌ها نکات لازم و مفید که آنها را به فهم مفاهیم قرآن نزدیک می‌کند، یاد دهید تا مثل نقشی که در سنگ می‌ماند، تا آخر عمر در ذهنشان بماند و مایه‌ی برکت شود.<sup>۱</sup>

### ۱-۸-۲. حفظ قرآن در دورهٔ دبستان تا دبیرستان

بایستی در اوقاف و جاهای دیگر، واقعاً برنامه‌ریزی وسیعی برای حفظ قرآن بشود؛ بخصوص که آن شب هم ایشان حرف درستی زد و گفت: بچه‌ها را از سنین کم وادار به حفظ قرآن کنید. اصلاً جلسه بگذارید و ترتیبی بدهید که بشود بچه‌ها را از کوچکی در دبستان وادار به حفظ قرآن کنند - البته مجبورشان نکنند - جایزه قرار بدهند و مثلاً بگویند هر بچه‌یی که در دوره‌ی دبستان، این قدر از قرآن را حفظ بکند، این مقدار امتیاز خواهد گرفت؛ یا اگر کسی در دبیرستان، این مقدار قرآن را حفظ کند، به قدر این واحدها یا این درسها، نمره یا امتیاز مادی می‌دهیم. من حاضرم در این مورد کمک کنم و هر چه که بخواهید پشتیبانی بکنید، من آماده‌ام.<sup>۲</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، مراسم اختتامیه‌ی مسابقات قرائت قرآن، ۱۳۷۰/۱۲/۲۷.

۲. رهبر معظم انقلاب، مراسم تودیع با قاریان قرآن: استاد شحات محمد انور و استاد محمد بسیونی، ۱۳۶۹/۱۲/۱۰.



اگر ممکن باشد، در این سنین قدری بیشتر بر قرآن در مدرسه تأکید شود، شاید دستاورد بزرگی را فراهم بکند. مثلاً حفظ قرآن اگر به شکل امتیاز مطرح شود و فرضاً کسی که بخشی از قرآن را حفظ کرد، امتیازی را در قالب نمره و یا موارد مشابه آن بگیرد، با چنین روشی شاید بتوانیم در این گونه مدارس، این گروه از جوانهای تازه‌سالمان را رشد بدهیم. البته حفظ قرآن نه به صورت برنامه‌ی مدون؛ چون شما در حقیقت بیش از برنامه، درس دارید و چه بسا در حال حاضر حفظ قرآن به شکل یک برنامه، مشکلاتی را ایجاد کند.<sup>۱</sup>

### ۱-۸-۳. حفظ قرآن برای همه جوانان

یک جنبه‌ی مهمتر دیگر، حفظ قرآن است. برادران! شماها چرا قرآن را حفظ نمی‌کنید؟ شماها جوانید. والله مکرر اتفاق افتاده که با خودم فکر کرده‌ام و گفته‌ام که اگر ممکن باشد، هرچه دارم، بدهم و حفظ قرآن را بگیرم؛ ولی افسوس که ممکن نیست. در این سن، من دیگر نمی‌توانم قرآن را حفظ کنم؛ اما شما جوانید، شما بچه‌اید و می‌توانید حفظ کنید. حافظه‌ی شما، حافظه‌ی جوانی است. سنین بیست و پنج‌ساله و سی‌ساله و زیر سی سال - که غالب قرآء ما بحمدالله در این سن هستند - سنین حفظ قرآن است. کلام خدا و آیات کریمه‌ی الهیه را حفظ کنید و از حفظ بخوانید.<sup>۲</sup>

### ۱-۸-۴. حفظ قرآن برای قاریان

قرآء محترم هم باید توجه کنند که قاری حافظ، امتیاز زیادی بر قاری غیرحافظ دارد. این جوانان و نوجوانانی که تازه شروع به تلاوت قرآن کرده‌اند

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با مدرسان و مسؤولان دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری، ۱۳۶۸/۱۲/۲۷.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار با قاریان قرآن: شعبان عبدالعزیز صیاد، محمود صدیق منشاوی، ۱۳۷۰/۱/۲۲.

- مثل همین نوجوان عزیزمان، یا بعضی دیگر که صداشان خوب است و آینده‌ی خوبی هم خواهند داشت؛ البته اگر زحمت بکشند - اینها باید از حالا برنامه‌ریزی کنند و حافظ قرآن باشند.<sup>۱</sup>

اگر فهمیدید که چه دارید می‌خوانید، مستمع شما، فهم شما را حس خواهد کرد. نه این اجمالاً بدانیم که این آیه در باب مثلاً بنی اسرائیل است؛ نه، این کافی نیست؛ باید تفصیلاً بدانیم که این آیه‌ی شریفه به ما دارد چه می‌گوید. وقتی قرآن را با توجه خواندید، در مستمع نفوذ می‌کنید؛ قلب مستمع شما تکان می‌خورد. او حس می‌کند که شما دارید از ته دل می‌خوانید این کجا و این که انسان الفاظی را بخواند کجا. پس ترجمه و حفظ هم جزو چیزهای بسیار لازم برای قاری است.<sup>۲</sup>

## ۲. تبلیغ چهره به چهره و خطابه

ما مسلمانها و بخصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیتها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره به چهره، نفس به نفس تشکیل میشود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر میشود پیدا کرد. هست؛ نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تأثیرگذاری و محتواهای راقی. فرض بفرمائید برای کسانی که با زبان قرآن آشنا هستند، آیات کریمه‌ی قرآن با صوت خوشی روبه‌رو تلاوت شود. این تأثیرش تأثیر بسیار بالائی است.<sup>۳</sup>

این که انسانی روبه‌رو با مؤمنین در اجتماعات هر روزه یا هر شبهه‌ی پیاپی بنشیند و برای آنها با روشهایی که باید مورد توجه قرار گیرد به بیان معارف الهی را

۱. رهبر معظم انقلاب، پایان مراسم قرائت قاریان قرآن، در ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۰/۱۲/۲۷.

۲. رهبر معظم انقلاب، پایان مراسم قرائت قرآن، ۱۳۷۲/۱۲/۴.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار جمعی از مداحان و ستایشگران اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۷/۴/۴.

بپردازد، نصیحت کند، اخلاق فاضله را برای آنها بشکافد، صراط مستقیم را در مقابلشان قرار دهد و آن را برایشان تبیین کند و میان گوینده و مخاطب، نفسها و نگاهها و دلها بر هم گره بخورد، این چیز بسیار با اهمیتی است.<sup>۱</sup> آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی (علیه السلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (علیها السلام) و مجاهدت امام سجاد (علیه السلام) و بقیه‌ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه‌ی نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته‌ها باید توجه کنیم.<sup>۲</sup>

شما فرض کنید اگر در یک جامعه، امکان حرف زدن - همین سخنرانی کردن و همین گفتگوی با مردم - را از صاحبان فضایل و افکار صحیح بگیرند و اجازه ندهند حرف بزنند، ببینید چه خسارت بزرگی پیش خواهد آمد.<sup>۳</sup> توجه کنید که به امور تکراری و سطحی و برای مردم عادی شده، اکتفا نکنید. خیر، از توحید و نبوت و حکومت و اعتقادات و جهاد اسلام، از تعلیم و تربیت در اسلام، از رشد استعدادها در مسلمین، از سابقه‌ی اسلام که چه حکومتی در دنیا داشت، برای مردم بگویید و آنها را نسبت به اسلام حالت اعتزاز ببخشید تا هر کسی - بخصوص جوان - احساس اعتزاز کند که مسلمان است.<sup>۴</sup> اگر مردم متحول شدند، دنیا متحول خواهد شد. اگر مردم از تحول عمیق برخوردار شدند، این حرکت تا ابد ادامه پیدا خواهد کرد. اگر اخلاق مردم،

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۳

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم اصفهان، ۱۳۶۸/۰۶/۲۹.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسؤولان ادارات و سازمانهای شهرهای تهران، شهداد کرمان، قم، و مسؤولان و دانشجویان دانشگاه هنر، ۱۳۷۰/۸/۱.

۴. رهبر معظم انقلاب، دیدار با گروهی از روحانیون، ائمه‌ی جمعه و اساتید حوزه‌های علمیه‌ی اهل سنت استانیهای سیستان و بلوچستان، خراسان و مازندران، ۱۳۶۸/۱۰/۵.

اخلاق اسلامی و قرآنی شد، تمام وعده‌های قرآن درباره‌ی این ملت تحقق پیدا خواهد کرد. ما می‌خواهیم این راه ادامه پیدا کند و این حرکت تا اهداف نهایی و غایی پیش برود. با چه وسیله‌یی؟ با مردم مؤمن.

پس، باید این ایمان و این اخلاق اسلامی را به اعماق روح مردم رساند و آن تحول واقعی که دین برای آن می‌آید - دین برای ایجاد تحول واقعی در نفوس انسانها و تطهیر و تزکیه‌ی این نفوس می‌آید - انجام بگیرد. تلاش ما باید این باشد. باید از انذار غفلت نکنیم. باید از ترساندن مردم از عذاب خدا و آنچه که خداوند متعال در دنیا و آخرت برای بدکاران وعده کرده است، غفلت نکنیم؛ همان طریقه و روشی که در گذشته انبیا و اولیا و بزرگان ما، برای مؤمن کردن و مؤمن نگهداشتن مردم انجام می‌دادند.<sup>۱</sup>

### ۳. تعظیم شعائر و برگزاری مراسمات

مراسم یک اصل، و شعائر نیز یکی از اصول در روش تربیت اسلامی است. شعائر حج و اقامه نماز جمعه مراسمی است که در منزل هم ممکن است انجام گیرد؛ ولی اسلام تأکید دارد که این مراسم با آن کیفیت خاص انجام پذیرد و خود این مسئله فلسفهای دارد... [در] مجموعه روح و دستگاه تشکیل‌دهنده شخصیت معنوی انسان، غیر از فکر و نیروی استدلال، وسائل اشباع‌کننده و تغذیه‌کننده دیگری برای ارضای جوانب عاطفی، احساسی و احساس هماهنگی در مردم وجود دارد. و لذاست که همراه بودن فعالان و تلاشگران، یکی از رازهای این مراسم است.<sup>۲</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور، در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲.

۲. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۳۰؛ دیدار با مسئولان دهه فجر مراکز استان ها، ۱۳۶۳/۸/۲۰.

ائمه (علیهم السلام) در هر مناسبتی از انواع مراسم استفاده کرده‌اند و ما هم برکات آن را تا به حال مشاهده کرده‌ایم...

شعائرالله یعنی، آن جریانهایی که میتواند احساسات پاک، صمیمانه و صادقانه ملت‌ها را مورد بهترین استفاده‌ها در جهت منافع آنها قرار دهد.<sup>۱</sup>

شما جوانان عزیز بدانید، در هر جایی که یک تظاهرات<sup>۲</sup> اسلامی یا انقلابی یا دینی از خودتان نشان می‌دهید - وقتی در مجالس دعا شرکت می‌کنید، وقتی در مجامع اعتکاف شرکت می‌کنید، وقتی در تظاهرات بیست و دوم بهمن شرکت می‌کنید، وقتی در روز قدس شرکت می‌کنید، وقتی مسؤولان کشور مثل رئیس جمهور و دیگران را مورد احترام قرار می‌دهید - از هر حرکتتان که نشان دهنده‌ی دینداری و علاقه‌مندی شما به انقلاب باشد، منافقین به خودشان می‌لرزند و ناراحت می‌شوند.<sup>۳</sup>

دو چیز بایستی در کنار هم، روز به روز قوی‌تر در کشور تحقق پیدا کند: اول، حفظ آثار و شعایر و ظواهر و نمای اسلامی جامعه است. این، خیلی مهم است. دشمنان سعی می‌کنند که این حرف‌ها را بمباردمان تبلیغاتی کنند؛ لیکن گوش به حرف دشمن ندهید. دشمن، دشمن است. ظواهر اسلامی جامعه باید حفظ بشود. این جامعه، جامعه‌ی اسلامی نمونه است. زنان باید مواظب باشند. مردان باید مواظب باشند. کسانی که مأموریت دارند، بیشتر باید مواظب باشند. کسانی که در لباس انقلابند - مثل روحانیون و دیگر کسانی که لباسهای وابسته به انقلاب را دارند - بیشتر از دیگران باید مواظب باشند. همه‌ی آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند.

۱. همان.

۲. فعالیت‌های بارز و آشکار.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۲/۱.

من همین‌جا، خلأ اذان در جامعه‌مان را یادآور بشوم. در این تهران، صدای اذان به گوش انسان نمی‌رسد. چرا؟ اذان، یک شعار اسلامی است. ما با این که پشت بلندگو، تا دیر وقتی از شب، شعر یا قرآن یا نوحه بخوانند و مزاحم همسایه‌ها بشوند، مخالفیم. با چنین چیزی، مقابله هم می‌کنیم؛ اما با این که صدای اذان، اول ظهر و مغرب و صبح، بخصوص از حنجره‌ها خارج بشود، صددرصد موافقیم.

اذان، چیز خیلی خوبی است؛ «حَتَّىٰ عَلَى الصَّلَاةِ»، «حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ»، «اللَّهِ أَكْبَرُ». چرا در جامعه اذان نیست؟ اذان با توجه، به دلها امید می‌دهد. بانگ اذان، دل‌های افسرده را روشن می‌کند. البته در سحرها، برای اذان صبح، از بلندگو استفاده نکنند؛ با حنجره اشکالی ندارد. هر چند وقت بیداری است، اما بلندگو ممکن است اسباب زحمت بشود. همه‌ی ظواهر جامعه، این‌طور باشد. مسجدها در وقت نماز، سرشار و مالمال از انسانهای ذاکر و ساجد و راکع باشد.

چشمها، ظواهر را می‌بینند و پشت چشمها، دلها قرار دارند. خیال نکنید چشمها، شیشه‌یی هستند که در این‌جا گذاشته‌اند. نخیر، پشت چشم، دل و جان و ذهن انسانی است. این چشمها و نیز دل‌هایی که پشت آنهاست، باید از نشانه‌های اسلام پُر بشوند...<sup>۱</sup>

### ۳-۱. توجه توأم به ظاهر و باطن مراسم

در مراسم مذهبی به روح مراسم توجه کنید؛ فقط صورت‌سازی نباشد؛ انسان شعری بخواند، اشکی بگیرد یا بریزد. روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با

۱. در دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، ۱۳۶۹/۰۳/۰۲.

خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها.<sup>۱</sup>

این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد، ظاهر مهم نیست؛ نخیر، همین ظاهر، انسان را به وادی‌های گوناگونی می‌کشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پابندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه (علیهم‌السلام) لازم است؛ منتها همه‌ی اینها را با دانایی همراه کنید.<sup>۲</sup>

### ۲-۳. مجالس روضه و توسل

من توصیه می‌کنم که این توسلات را - که مردم ما بحمدالله داشته‌اند و دارند و در سالهای بعد از انقلاب، به فضل پروردگار چندین برابر شده است - هر چه با کیفیت‌تر ادامه بدهند و توجهات و الطاف آن بزرگوار (امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف)) را به سمت خود جلب کنند. آن بزرگوار، حاضر است و از ملت و شیعه خود، جدا و غافل نیست. او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توجه و توسل به او، ان شاء الله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد.<sup>۳</sup>

مردم باید مخلصانه و برای استفاده، در مجالس عزاداری حسینی شرکت کنند؛ نه برای وقت گذراندن، یا به صورت عامیانه‌ای، فقط به عنوان ثواب اخروی که نمی‌دانند هم، این ثواب اخروی از کجا می‌آید؟

مسئلاً شرکت در مجالس مذکور، ثواب اخروی دارد؛ اما ثواب اخروی مجالس عزاء، از چه ناحیه و به چه جهت است؟ مسلماً مربوط به جهتی است که اگر

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۹.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵.

۳. رهبر معظم انقلاب، در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

آن جهت نباشد، ثواب هم نیست. بعضی از مردم متوجه این نکته نیستند. همه باید در این مجالس شرکت کنند، قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنند و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هرچه محکم‌تر میان خودشان و حسین بن علی علیه‌السلام، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند. این از وظایفی که در این خصوص مربوط به مردم است.<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی ایران ریشه در خون شهیدان عاشورا دارد و نخستین جوانه‌های آن در فضای روحانی مساجد و در مجالس عزاداری حسین (علیه‌السلام) بردمیده است.<sup>۲</sup>

#### ۴. ترویج احادیث ائمه اطهار

قرآن بدون حدیث، مفسر و مبین ندارد و حدیث بدون قرآن، جهت ندارد. لذا اگر بخواهیم ایمان آگاهانه و عمیق در جامعه داشته باشیم، باید قرآن و حدیث جایگاهی مقتضی در جامعه داشته باشند.<sup>۳</sup>

#### ۵. جلسات پرسش و پاسخ و پاسخگویی به شبهات

امروز شبهات عظیم در تمام زمینه‌های کلامی وجود دارد. از اصل توحید و لزوم دین بگیریید تا به وجود صانع و نبوت عامه و نبوت خاصه و بعد مسأله ولایت و مسائل گوناگونی که در زمینه‌های دینی و اسلامی وجود دارد.<sup>۴</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع روحانیون، ۱۳۷۳/۲/۱۷.

۲. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۴۳؛ دیدار با روحانیون و مبلغان، ۱۳۶۱/۷/۲۰.

۳. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۲۳؛ سخنرانی در سمینار بزرگداشت دومین سالگرد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۵/۹/۱۷.

۴. رهبر معظم انقلاب، دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴/۹/۱۳.



آنچه مربوط به ایمان مردم است، آنچه مربوط به حقانیت اسلام و قرآن و احکام الهی است، آنچه مربوط به درآمیختگی و وحدت دین و سیاست است، آنچه مربوط به مبانی خاص جمهوری اسلامی است؛ همه‌ی اینها مورد چالش است و این چالش به شکل بسیار جدی دارد دنبال می‌شود.<sup>۱</sup>

دشمنان شبهه القا می‌کنند. دشمنان هم نه، منکرینِ فکر من و شما به القای شبهه می‌پردازند. مگر می‌شود گفت هر کس فکر ما را قبول ندارد، لال شود، حرف نزند، و هیچ شبهه‌ای القا نکند؟ مگر می‌شود این طور گفت؟ به هر حال حرف می‌زنند، مطلب می‌پراکنند، به ایجاد تردید می‌پردازند و شبهه درست می‌کنند.<sup>۲</sup>

شما اگر در میان جوانان بروید، می‌بینید جوان خوب ما هم گاهی در ذهنش شبهه وجود دارد.<sup>۳</sup>

علمای بزرگ ما را ملاحظه کنید؛ یکی از مسؤولیتهای خودشان را این می‌دانستند که با شبهات مقابله کنند... اگر شبهه‌یی پیش می‌آمد، مجالس کلامی و بحث و پاسخ به سؤالات تشکیل دهند و کتاب بنویسند تا شبهه‌ها را برطرف کنند. برای این کار، فقه و فلسفه و کلام و تفسیر و علوم مقدماتی می‌خواندند؛ از تاریخ مطلع می‌شدند و بسیاری از علوم عصر خود را فرا می‌گرفتند تا بتوانند دین را تبلیغ کنند.<sup>۴</sup>

نباید به جوان ایراد گرفت که تو چرا شبهه داری. وقتی ذهن فعال و کارگر شد، شبهه به ذهن می‌آید. بر عهده‌ی ما طلبه‌هاست که این شبهه‌ها را با پیشگیری یا با درمان برطرف کنیم.<sup>۵</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۴/۶/۱۷.

۲. رهبر معظم انقلاب، در جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویراحمد» در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۳/۳/۱۷.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۵.

۴. همان.

۵. همان.

ابهام آفرینی یکی از سیاستهای اصلی کانونهای مبارزه با جمهوری اسلامی است. ابهام آفرینی و ایجاد نقطه‌ی کور برای ذهنها، خودش یک سیاست است.<sup>۱</sup>

یکی از شیرین‌ترین رخدادهای برای انسان این است که جوانانی که مظهر معرفت‌جویی و استفهام و طالب دانستن و آگاهی هستند، چیزی را بپرسند که انسان می‌تواند در محدوده‌ی اطلاعاتش به آن جواب دهد و درعین حال به همین اندازه می‌تواند در رفع سؤال و ابهام در ذهن جوان - که مظهر شادابی و نشاط و میل به پیشرفت است - کمک کند.<sup>۲</sup>

... نکته‌ی سوم، تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و استفهامهای نسل جوان است؛ که این عمدتاً متوجه به روحانیت و حوزه‌های علمیه است. دائماً شبیه‌القاء میکنند؛ باید به طور دائم و به‌روز پاسخ شبهه‌ها را داد.<sup>۳</sup> در گذشته، این همه شبهه نبود و این قدر شبهه‌ها سیلوار، وارد جوامع انسانی مسلمین نمیشد؛ عرضة شبهه، غالباً کمتر از علاج آن بود؛ همانموقع هم، علمای بزرگ، این وظیفه را به عهده خودشان میدانستند.<sup>۴</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

۲. همان.

۳. رهبر معظم انقلاب، در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۴. رهبر معظم انقلاب، دیدار علما و روحانیون استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۱، به نقل از کتاب حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، ص ۵۱۰.

## فصل دوم: قالب مکتوب

### ۱. کتاب و مطالعه

#### ۱-۱. اهمیت و جایگاه کتاب

حقیقت آن است که کتاب یکی از ارزشمندترین فرآورده‌های بشری و گنجینه‌ی بزرگترین ثروت‌های بشر یعنی دانش و تحقیق است. دین و دنیای بشر و جسم و جان انسان، به برکت کتاب تأمین و تغذیه می‌شود و فرآیند کمال بشری به وسیله‌ی کتاب تحقق می‌یابد. کتاب، مادر تمدنها و نیز عصاره‌ی آنها است، و بشر با پدید آوردن کتاب، درس‌های بی‌شماری را که در کتاب تکوین بدو آموخته شده، گرد می‌آورد و در محیط بشری، منتشر می‌سازد و بدین‌گونه روزبه‌روز گنجینه‌ی ثروت بشری، غنای بیشتر می‌یابد.<sup>۱</sup> کتاب، مقوله‌ی بسیار مهمی است. من البته به کارهای هنری و تصویری، تلویزیون یا سینما یا از این قبیل مقولات، خیلی اعتقاد دارم؛ اما کتاب، نقش و جایگاه مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیز پر نمی‌کند و باید کتاب را

۱. پیام به مناسبت گردهمایی کتاب و کتابخانه، ۱۳۷۴/۶/۲۱.

ترویج کرد. این توصیه برای کسانی است که مربوط به وزارت ارشادند و امور کتاب، از لحاظ مقررات کشور به آنها ارتباط پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

ما به عنوان ملت ایران و به عنوان یک ملت مسلمان، ارتباطمان با کتاب، ارتباط بنیانی و عمیق و کهن است. ما امروز و دیروز با مقوله‌ی کتاب آشنا نشده‌ایم. در کشور ما، بخصوص بعد از انتشار اسلام، کتابخانه‌های عظیم، مجموعه‌های علمی، مکتوبات با ارزش، یک سابقه‌ی کهن تاریخی دارد. ما ملتی هستیم که با کتاب خیلی سابقه داریم؛ در طول قرنهای متمادی با کتاب انس داشته‌ایم. البته آن روزها دسترسی به کتاب آسان نبود. استنساخ کتابهای خطی دشوار بود، اما در عین حال کسانی که اهل بودند، شایسته برای استفاده‌ی از کتاب بودند، چه مجاهدتها میکردند. خوانده‌ایم و مکرر شنیده‌ایم که کسانی به یک کتاب احتیاج داشتند، دارنده‌ی کتاب بخل میورزیده و نمیداده است؛ بعد با التماس، با زحمت، یک شب، دو شب این کتاب را امانت گرفتند، شب و روز نخوابیدند، استراحت نکردند، برای اینکه این کتاب را استنساخ کنند و یک نسخه‌ی آن را در اختیار خودشان داشته باشند. از این قبیل فراوان است. امروز این موانع برطرف شده است. پیشرفت علم، تولید کتاب، تکثیر کتاب، انتشار کتاب را آسان کرده. ما امروز بایستی با توجه به این سابقه‌ی کهن، جایگاه خودمان را در نشر کتاب، در استفاده‌ی از کتاب، بالا ببریم<sup>۲</sup>

هرچه ما پیش برویم، احتیاج ما به کتاب بیشتر خواهد شد. این که کسی تصور کند با پدید آمدن وسائل ارتباط جمعی جدید و نوظهور، کتاب منزوی خواهد شد، خطاست. کتاب روزبه‌روز در جامعه‌ی بشری اهمیت بیشتری پیدا میکند. ابزارهای نوظهور مهمترین هنرشان این است که مضمون کتابها و محتوای کتابها و خود کتابها را راحت و آسان منتقل کنند. جای کتاب را

۱. بیانات در مصاحبه‌ی صدا و سیما، در ششمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب»، ۱۳۷۲/۰۲/۲۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران، ۱۳۹۰/۰۴/۲۹.

هیچ چیزی نمیگیرد.<sup>۱</sup>

کتاب مجموعه‌ای است از محصولات یک فکر، یک اندیشه، یک ذوق، یک هنر؛ مجموعه‌ای است از یافته‌های یک یا چند انسان. ما خیلی باید مغتنم بشمریم که از محصول فکر آحاد گوناگون بشر استفاده کنیم؛ این کاری است که کتاب به ما تقدیم میکند، هدیه میکند؛ این هدیه‌ی کتاب به ماست. لذا کتاب یک پدیده و یک موجود ذی‌قیمت است؛<sup>۲</sup>

با این دیدگاه، به روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این است که: بخوان! و در اولین سوره‌ی که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشأن خداوند فرود آمده، نام قلم به تجلیل یاد شده است: «اقرأ و ربّک الأکرم، الذی علّم بالقلم».

## ۱-۲. وظایف ما در قبال کتاب و کتابخوانی

من فکر می‌کنم اگر ما بتوانیم فرهنگ کتابخوانی را در کشور رایج بکنیم و در کنار او البته تولید کتاب خوب را هم گسترش بدهیم، بخش عمده‌ی از وظایف فرهنگی دولت جمهوری اسلامی بدینوسیله انجام خواهد گرفت.<sup>۳</sup>

ما در زمینه‌ی کتاب، چند تکلیف مهم بر عهده داریم:

یک تکلیف این است که در عرصه‌های فکری مختلف، کتاب تولید کنیم؛... تکلیف بعدی این است که کتابخوانی به عنوان یک سنت رایج در آید... تکلیف سومی که ما در زمینه‌ی کتاب بر عهده داریم، نقد و بررسی کتاب است.<sup>۴</sup>

۱. بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران، ۱۳۹۰/۴/۲۹.

۲. همان.

۳. در مصاحبه با صدا و سیما در ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، ۱۳۷۲/۲/۲۱.

۴. مصاحبه در پایان بازدید از هفتمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۳/۲/۲۰.

### ۱-۲-۱. تولید کتب مفید و مورد نیاز جامعه

این است که ما در زمینه‌ی کتاب چند تکلیف مهم برعهده داریم. یک تکلیف این است که کتاب تولید کنیم؛ کتاب خوب و در صحنه‌های مختلف و عرصه‌های فکری مختلف کتاب به وجود بیاوریم. ما البته نه به منظور مسؤولین کشور هست، یعنی کل کشور و طبقه اهل فرهنگ کشور چنین تکلیفی را دارند.<sup>۱</sup>

برای همه افراد، در سطوح مختلف کتاب لازم است. من الآن اگر از شما که با کتاب و معارف اسلامی آشنا هستید بخواهم چند کتاب مناسب معرفی کنید، شاید به تعداد انگشتان هم افراد پیدا نشوند که بتوانند این همه کتاب معرفی کنند. اصلاً شاید این مقدار کتاب لازم و خوب وجود نداشته باشد. علاوه بر این‌ها ما احتیاج به بحث‌های موضوعی داریم. مثلاً فرض کنید کسی تنها راجع به حجاب، حقوق زوجین یا حقوق بشر که در دنیا این قدر مورد جنجال است، یا سیاست خارجی اسلام و حقوق کارگر، می‌خواهد ببیند نظر اسلام به طور ساده و خلاصه چیست؟ آیا ما برای همه اینها کتاب داریم معرفی کنیم؟ حالا ممکن است یک نفر از نویسندگانی کتابی را ترجمه کرده باشد، ولی ترجمه کافی نیست. درباره‌ی این مسائل باید کتاب نوشت و تألیف و تحقیق کرد.<sup>۲</sup>

تولیدکنندگان کتاب هم بایستی به این معنا توجه کنند. در تولید کتاب - چه تولید به معنای ایجاد کتاب، چه تولید به معنای ترجمه‌ی کتاب، چه تولید به معنای نشر کتاب و در اختیار این و آن قرار دادن - به نیازها و خلأهای جامعه نگاه کنند؛ خلأهای فکری را، نیازهای فکری را بشناسند، انتخاب کنند، سراغ آنها بروند.<sup>۳</sup>

۱. مصاحبه با رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایان بازدید از هفتمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۳/۲/۲۰.

۲. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری ص ۳۶۱؛ شروع مجدد درس خارج، ۱۳۷۰/۱۲/۱.

۳. بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹.

مجموعه‌ی دست‌اندرکاران امر کتاب - چه شما که کتابدارید، چه مدیریت کتابخانه‌ها، چه آن کسانی که در وزارت ارشاد مسئول این کارند، چه خود ناشران محترم - باید توجه کنند که مواد تغذیه‌ی معنوی سالم، مفید و مقوی بایستی در سطح جامعه منتشر شود. امروز خوشبختانه سطح سواد و امکان استفاده از کتاب، وسیع و گسترده است؛ از این امکان باید استفاده کرد.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۲. ترویج فرهنگ کتابخوانی

تکلیف بعدی، این است که کتابخوانی به عنوان یک سنت رایجی در بیاید. همه در کشور، کتابخوان بشوند. بچه‌ها در خانه‌ها؛ پدر، مادرها در خانواده‌ها، جوانها و همه قشرها اهل کتاب بشوند، کتاب مخصوص نماند به یک عده‌یی از افراد جامعه ما، کما این‌که در گذشته‌ی زمان این‌جور بوده است که یک عده‌یی کتابخوان و اهل کتاب و اهل مراجعه به کتاب بودند، اکثریت هم دور از کتاب و فارغ از هم کتاب. این درست نیست. امروز البته بهتر شده است وضع، انسان می‌تواند این را حس کند. بعضی از ناشرین به من می‌گفتند که ما تشکر می‌کنیم از این‌که می‌بینیم فرهنگ کتابخوانی توسعه پیدا کرده است و مردم به کتاب تمایل بیشتری نشان می‌دهند. خوب پس این کار هم در حال پیشرفت است. البته، اگر ما به آن حدی برسیم که مورد نظر من هست در صحبت الانم، آن وقت بایستی تعداد کتابهایی که هر بار چاپ می‌شود، از دو هزار و پنج هزار و ده‌هزار برسد به دویست‌هزار و سیصد هزار. یعنی این‌جور بایستی کتاب پخش بشود در جامعه. ما خوب از این شصت میلیون یا پنجاه و چند میلیون جمعیتی که امروز هستیم، تعداد کثیری هستند که اینها اهل کتابند، اهل سوادند و بیشتر هم خواهند شد، رو به تزاید است. بایستی ما

کتاب زیاد در دسترس اینها داشته باشیم، اگر همه کتابخوان بشوند. پس این هم مطلب دوم.<sup>۱</sup>

به هر حال من، هم تشکر میکنم از مجموعه‌ی مسئولان امر کتاب، و هم خواهش میکنم که به مسئله‌ی کتاب به شکل جدی‌تری نگاه شود. کاری کنیم که کتابخوانی یک امر رایج بشود و کتاب از دست جوان ما نیفتد. این که گفته میشود در شبانه‌روز سرانه‌ی مطالعه‌ی کتاب فلان مقدار است، اینها آمارهای راضی‌کننده‌ای نیست؛ خیلی بیشتر از این باید باشد. هیچ وقت انسان از کتاب مستغنی نیست. از دوران نوجوانی، از اول سوادآموزی تا آخر عمر، انسان احتیاج دارد به کتاب؛ احتیاج دارد به درک مسائل و جذب مواد تغذیه‌ی معنوی و روحی و فکری؛ این بایستی در سطح عموم جامعه فهمیده شود و دنبال شود و اقدام شود.<sup>۲</sup>

بالقوه و بالطبع جامعه دینی یک جامعه فرهنگی است، ولیکن بالفعل فرهنگی نیست. یعنی از جنبه بینشها و روشن‌بینی‌ها و آگاهیها و فعلیت‌های فرهنگی نقص دارد، به این معنا که اولاً مردم ما مثلاً کتابخوان نیستند و این نخواندن کتاب خیلی نقص بزرگی است. بسیاری از مردم ما حتی روزنامه‌خوان نیستند. بسیاری از مردم اگر به روزنامه نگاه کنند، از روزنامه به همان تیتراهای درشتش اکتفا می‌کنند، رادیو را فقط برای سرگرمی گوش می‌کنند، نه برای آموزش و خبر و آگاهی‌های زندگی و مسائل فرهنگی.<sup>۳</sup>

در کشور ما روی کتاب کم کار شده و حقیقتاً ما بیش از آنچه که از لحاظ عرضه کتاب عقبیم، از لحاظ کتابخوانی عقب هستیم. متأسفانه در کشور ما کتابخوانی یک کار اختصاصی و مخصوص بخشی از مردم است. در حالی که

۱. مصاحبه با رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایان بازدید از هفتمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۳/۲/۲۰.

۲. بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹/۴/۲۹.

۳. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری ص ۳۷۸؛ دیدار با وزیر و معاونین وزارت ارشاد، ۱۳۷۱/۹/۴.



معارف و علوم و هنر و ذوق و آنچه که در حیطه کار فرهنگ است، متعلق به همهٔ مردم می‌باشد و همه به مفاد و محتوای کتاب احتیاج دارند، مال بخشی از مردم نیست، همه احتیاج دارند؛ در حالی که همه از کتاب استفاده نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

کتابخوانی باید مثل خوردن و خوابیدن و سایر کارهای روزانه، در زندگی مردم وارد بشود... بایستی جوانان، پیران، مردان، زنان، شهریها، روستاییها و هر کسی که با کتاب می‌تواند ارتباط برقرار کند، باید کتاب را در جیبش داشته باشد و تا یک جا بیکار نشست - مثل اتوبوس، تاکسی، مطب پزشکی، اداره، در دکان وقتی که مشتری نیست، در خانه به هنگام اوقات فراغت - کتاب را در بیاورد و بخواند.<sup>۲</sup>

کتابخوانی باید یک سیره و سنت رایج بین مردم ما بشود. کتاب بخوانند و به فرزندانشان هم یاد بدهند. خانمها در خانه کتاب بخوانند و معلومات ببندوزند. البته در کنار این مسائل، باید به فکر باشیم و دغدغهی نوع کتابهایی که تولید می‌شود نیز در ما باشد. باید کتاب خوب تولید شود.<sup>۳</sup>

همگانی کردن کتاب از راه گسترش زنجیره‌ی کتابخانه‌های عمومی در هر گوشه و کنار کشور همراه با فراهم سازی زمینه‌ی لازم برای همگانی کردن کتابخوانی و معرفی کتابهای خوب و پدید آوردن نوشته‌های فراوان در همه‌ی موضوع‌های مورد نیاز و مورد علاقه و وظیفه‌ی بزرگ دیگری است که امید است بیش از آنچه که تاکنون شده، به گونه‌ی پیگیری انجام گیرد.<sup>۴</sup>

برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن، با کتاب سر و کاری نداشته

۱. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری ص ۳۶۲؛ مصاحبه صداوسیما در نمایشگاه بین المللی کتاب ۱۳۶۶/۸/۱۷.

۲. مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما، پس از بازدید از سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، ۱۳۶۹/۲/۱۹.

۳. بیانات در مصاحبه‌ی صدا و سیما، در ششمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب»، ۱۳۷۲/۰۲/۲۱.

۴. پیام به مناسبت گردهمایی کتاب و کتابخانه، ۱۳۷۴/۰۶/۲۱.

باشند، و برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب، مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن یعنی آموختن چیزهای تازه باشد.<sup>۱</sup>

برخی کتاب را اصلاً جزو ضروریات زندگی نمی‌دانند. خوب؛ چطور شما اگر در جایی نشسته باشید و بغل دستتان اتاقی باشد و در آن جا رویدادی بگذرد و یا خبر تازه‌ای باشد، طاقت نمی‌آورید بنشینید و برمی‌خیزید ببینید در آن اتاق چه می‌گذرد! به هر حال اطراف ما را خبرهای تازه، پر کرده است. آن قدر معلومات و آن قدر معارف در همه‌ی زمینه‌ها وجود دارد. پس، چطور حاضر نیستیم سرک بکشیم و نگاهی بیندازیم و ببینیم چه خبر است؟! اگر بخواهیم بدانیم که در دنیای معارف چه می‌گذرد، راهش این است که کتاب بخوانیم. هر کس کتاب بخواند، به بخشی از معارف موجود عالم دست خواهد یافت و از خبرهایی که در دنیا هست از خبرهایی که بوده است و حتی از آنچه که در همه‌ی زمینه‌ها خواهد بود مطلع خواهد شد. لذا، کتابخوانی را باید جزو عادات خودمان قرار دهیم. به فرزندانمان هم از کودکی عادت بدهیم کتاب بخوانند. مثلاً وقتی می‌خواهند بخوابند، کتاب بخوانند. یا وقتی ایام فراغتی هست؛ روز جمعه‌ای هست که تفریح می‌کنند، حتماً بخشی از آن روز را به کتاب خواندن اختصاص دهند. در تابستانها که نوجوانان و جوانان محصل، تعطیلند حتماً کتاب بخوانند. یعنی کتابهایی را معین کنند، بخوانند و تمام کنند. افرادی که کار روزانه دارند مثلاً کارمند اداری، کارگر، کاسب و یا کشاورز هستند وقتی به خانه می‌آیند، بخشی از زمان را ولو نیم ساعت برای کتاب خواندن بگذارند.<sup>۲</sup>

این ایامی است که نمایشگاه کتاب تشکیل می‌شود در تهران، به نظر بنده، «بهار کتاب» باید نامیده بشود؛ زیرا که کتاب حقیقتاً مطرح می‌شود و

۱. پیام به مناسبت آغاز هفته‌ی کتاب، ۱۳۷۲/۱۰/۰۴.

۲. بیانات در مصاحبه‌ی صدا و سیما، در ششمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب»، ۱۳۷۲/۰۲/۲۱.

گروههای زیادی از مردم، جوانها، می آیند سراغ کتابفروشها و فروش خوبی کتاب فروشها می کنند و کتاب واقعاً می رسد به دست مردم. البته سلیقهی من و توقع من این است که ما در طول سیصدوشصت روز - یا شصتوپنج روز - سال، هر روز، به قدر یک روز این نمایشگاه، فروش کتاب داشته باشیم در کشور؛ دل من این را می خواهد. و اگر این جور هم بشود، زیاد نیست. چون کشور ما یک کشور متمدنی است، کشور دارای تاریخی است، کشور دارای فرهنگی است. ما مثل یک کشوری مثل - فرض بفرمایید که - کشورهای بعضی از نقاط دنیا نیستیم که تاریخی نداشته باشیم، گذشته‌یی نداشته باشیم، فرهنگی نداشته باشیم. لذاست که در کشور ما اگر مردم بیش از این، ده برابر این هم کتاب بخوانند، خیلی زیادی نخواهد بود و خیلی دور از توقع نیست. لکن حالا که آن جور نیست، این ایام نمایشگاه را بنده خیلی مغتنم می شمارم.<sup>۱</sup>

اکنون ملت ایران باید عقب‌افتادگی‌ها را جبران کند. اینک فرصت بی نظیری از حکومت دین و دانش بر ایران، پدید آمده است که باید از آن در جهت اعتلای فکر و فرهنگ این کشور بهره جست. امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان، باید احساس وظیفه کنند، اگرچه آنگاه که انس با کتاب رواج یابد، کتابخوانی نه یک تکلیف، که یک کار شیرین و یک نیاز تعلل‌ناپذیر و یک وسیله برای آراستن شخصیت خویشتن، تلقی خواهد شد، و نه تنها جوانان، که همه‌ی نسلها و قشرها از سر دلخواه و شوق بدان رو خواهند آورد.

من توقعم این است که مردم ما کتابخوانی را جدی بگیرد. البته جمععی از مردم

۱. مصاحبه با رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایان بازدید از نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران،

این جورند، اما همه این جور نیستند. من حالا می‌خواهم یک خواهشی بکنم و آن این است که کسانی که یک وقت‌های ضایع شونده‌یی دارند، مثل این که تو اتوبوس سوار می‌شوند، مثلاً فرض کنید، یا توی تاکسی سوار می‌شوند، یا توی ماشین خودشان هستند، دیگری ماشین را می‌راند - فرض بفرمایید - یا یک جایی می‌نشینند مثل مطب دکتر یا یک جای دیگر در حال انتظار یک کاری، یک چیزی هستند، که بیکار می‌گذرانند، در تمام این ساعات، کتاب بخوانند. یک کتاب در دست داشته باشید، تو کیف داشته باشند، توی جیب داشته باشند، تو اتوبوس که نشستند، باز کنند، این کتاب را بخوانند. به یک جایی رسیدند، وقتی رسیدند به مقصد، نشانی بگذارند، کتاب را ببندند، باز در فرصت بعدی باز کنند از همان جا بخوانند. بنده خودم چند جلد کتاب قطور را - در همین تهران، چند سال قبل از این البته، قبل از انقلاب، چند روزی تهران بودم من - یک کتاب قطوری را که چند جلد قطور دارد، همه را تو اتوبوس خواندم! نمی‌خواهم اسم کتاب را بگویم - به جهتی - لکن تو اتوبوس خواندم. علت هم این بود که اتوبوس آن وقت جوری بود که وضع، فضای اتوبوس هم جوری بود که برای ما خیلی آزار دهنده بود، توانستیم تحمل بکنیم، دلم می‌خواست سرم پایین باشد و کتاب بهترین چیز بود و وقت یکساعتی را که می‌گذراندیم، من احساس نمی‌کردم که ضایع می‌شود - چون اتوبوس آن وقتها یک ساعت طول کشید تقریباً، از یک جابه یک جا آدم می‌رفت؛ یک ساعت طول می‌کشید یا پنجاه دقیقه مثلاً طول می‌کشید - این پنجاه دقیقه، یک ساعت را من اصلاً احساس نمی‌کردم که ضایع می‌شود، چون کتاب می‌خواندم. این جور بایستی ما عمل بکنیم و همه باید این جور عمل بکنند. گاهی می‌بینید یک نفری نشسته پای تلویزیون، منتظر یک فیلم، بعد

تلویزیون دارد تبلیغات می‌کند. بیست دقیقه گاهی تبلیغات طول می‌کشد. حالا کسانی به آن تبلیغات احتیاج دارند، اما کسی هم هست احتیاجی هم ندارد، گوش هم نمی‌کند؛ خب، این بیست دقیقه را چرا بیکار بنشینند! یک کتاب دم دستش باشد، بردارد بیست دقیقه مطالعه کند. ببینید این جور است. اگر این وقت‌های ضایع شونده را مردم ما عادت بکنند که ازش استفاده کنند برای کتاب، خیلی جامعه پیش خواهد رفت و فرهنگ کشور که شما گفتید، خیلی ترقی خواهد کرد.<sup>۱</sup>

یکی از کارهای بزرگ و مهم در سطح جامعه این است که تبلیغات کتابخوانی همه‌گیر شود. ما امروز می‌بینیم برای کالاهای کم‌اهمیت که تأثیری هم در زندگی انسانها ندارند، صاحبانش تبلیغات رنگین عجیب و غریبی را متصدی میشوند، مباشر میشوند؛ دستگاه‌های ارتباط جمعی، مطبوعات، صدا و سیما آنها را پخش میکنند؛ در حالی که آن محصولات هیچ ضرورتی ندارند، هیچ لزومی ندارند، یک چیز اضافی در زندگی هستند؛ گاهی بودنشان مفید است، گاهی بودنشان حتی مفید هم نیست؛ شاید مضر هم هست. محصولی با عظمت کتاب، با ارزش کتاب، درخور این است که تبلیغ بشود؛ تشویق بشوند کسانی که میتوانند کتاب را بخوانند؛ این را ما باید به صورت عادت در بیاوریم.<sup>۲</sup> اهتمام به کتاب در واقع قوامش به اهتمام به کتابخوانی است. در جامعه باید سنت کتابخوانی رواج پیدا کند. فایده‌ی سوادآموزی این است. اثر حرکت و نهضتی که در کشورها برای ریشه‌کن کردن بیسوادی انجام می‌گیرد، عبارت است از همین، که بتوانند از این مجموعه‌ی عرضه‌کننده‌ی فکر و ذوق و

۱. در پایان بازدید از نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۱۳۷۵/۲/۲۲.

۲. بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران، ۱۳۹۰/۴/۲۹.

استعدادِ دیگران استفاده کنند؛ این بدون کتابخوانی امکان‌پذیر نیست. به گمان من یکی از بدترین و پرخسارت‌ترین تنبلی‌ها، تنبلی در خواندن کتاب است. هرچه هم انسان به این تنبلی میدان بدهد، بیشتر میشود. کتابخوانی باید در جامعه ترویج شود؛ و این کار بر عهده‌ی همه‌ی دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسئولند؛ از مدارس ابتدائی بگیرید - که برنامه‌هایی باید باشد که کودکان ما را از اوان کودکی به خواندن کتاب عادت بدهد؛ خواندن با تدبیر، خواندن با تحقیق و تأمل - تا دستگاه‌های ارتباط‌جمعی، تا صدا و سیما، تا وسائل تبلیغاتی گوناگون.<sup>۱</sup>

#### لزوم ایجاد سیر مطالعاتی

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیر مطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد. این هم یک نکته است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران، ۱۳۹۰/۴/۲۹.

۲. همان.

### مطالعه تاریخ (تاریخ مشروطه)

من بارها به دوستان گفته‌ام که تاریخ مشروطه را مقداری مطالعه کنید، عبرت‌های خیلی عجیبی در تاریخ مشروطیت هست.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۳. پرداختن به نقد و بررسی کتاب

مطلب سومی که در زمینه کتاب ما بعهدہ داریم، که امروز من می‌خواستم این را با جناب آقای میرسلیم وزیر محترم در میان بگذارم، حالا این جا می‌گویم که هم ایشان توجه بکنند و دوستانی که مسؤول این جور کارها هستند از لحاظ رسمی و هم اهل فرهنگ کلاً توجه کنند، و او مسأله نقد و بررسی کتاب هست. کتاب، وقتی زیاد در اختیار همه قرار می‌گیرد، یک نوع حیرتی برای بعضی بوجود می‌آید که آیا این کتاب را بخوانیم؟ نخوانیم؟ خوب است؟ مفید است؟ مضر است؟ یا بی‌فایده است؟ که کتاب بی‌فایده هم یعنی مضر. زیرا انسان یک وقتی صرف خواهد کرد، خب وقتی بیفایده شد، می‌شود مضر. البته کتابی که بکلی بی‌فایده باشد، خیلی به ندرت می‌شود پیدا کرد. بالاخره هر کتابی یک نوع فایده‌ی دارد. لکن خب وقت انسان محدود است. کسانی که اهل مراجعه‌ی به کتاب هستند احتیاج دارند که اهل نظر و اهل اطلاع، کتابها را به آنها معرفی کنند. ما متأسفانه مطبوعاتی که مخصوص اینکار باشد و شایسته این زمان باشد، از لحاظ وسعت و کیفیت، نداریم. در گذشته هم، بود البته خیلی نادر بود و خیلی سطح بالایی هم نداشت. امروز هم گوشه و کنار چیزهایی هست که البته کافی نیست. من می‌خواهم خواهش کنم از اهل فکر و نظر و قلم و کتاب و کسانی که به کتاب اهمیت می‌دهند که به مسأله‌ی نقد کتاب بپردازند. بسیاری کتابها نوشته می‌شود که اگر خواننده‌ی

درباره‌ی این کتاب آگاهی لازم را داشته باشد، این کتاب را به سرعت خواهد خرید و خواهد خواند، بلکه دوبار خواهد خواند. الان که آگاهی ندارد، سراغ این کتاب نمی‌رود. بسیاری کتابها به عکسند. اگر خواننده مشخصی، این آگاهی را داشته باشد، به این کتاب نگاه نخواهد کرد. خب چون وقتش را ندارد، چون احتیاجی به این مقوله ندارد مثلاً، یا به خاطر این یک اشکالی که در این کتاب هست. پس نقد کتاب، جزو کارهای لازم است. الان در بعضی از مجلات در قم و تهران مسأله نقد کتاب انجام می‌شود، لکن خیلی کم و ضعیف و این خیلی کمتر از آنی است که امروز لازم است. اگر من همین جور بخواهم یک حدسی بزنم، باید بگویم آنی که الان بنده می‌بینم مثلاً ۲۰ برابر این، در حال حاضر شاید لازم است. یعنی واقعاً چندین مجله مخصوص نقد ما لازم داریم، به علاوه‌ی مقالات نقد آمیزی که می‌تواند در همه‌ی مطبوعات چاپ بشود؛ چون دایره‌ی کتاب و کتابخوانی دارد گسترش پیدا می‌کند، پس مسأله نقد هم بایستی گسترش پیدا کند. علاوه بر این که بعضی‌ها می‌توانند یک سلسله کتاب را انتخاب کنند، اصلاً درباره‌ی آنها نقد بصورت منظم بنویسند. مثلاً فرض بفرمایید که سلسله کتابهای فلان نویسنده معروف یا داخلی یا خارجی این را بردارند، در یک جلد، دو جلد، سه جلد، یا سلسله‌ی کتابهای فلان گروه از نویسندگان در پنجاه جلد، نقادی کنند و این را در اختیار بگذارند. این جور کارها بسیار لازم است.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۴. برپایی نمایشگاههای کتاب ملی و استانی

چیز دیگری من در این نمایشگاه امسال مشاهده کردم، حس کردم - نه این که سالهای دیگر نبود، امسال برای من بیشتر واضح شد - این جا در

۱. مصاحبه با رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایان بازدید از هفتمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۳/۲/۲۰.



حقیقت حالت یک باشگاه فرهنگی عمومی را پیدا کرده است و این چیز خوبی است. اهل ادب، اهل علم، اهل فرهنگ، اهل ذوق، اهل شعر، اهل نویسندگی، اهل کتابخوانی، اهل نسخه‌شناسی، کسانی که با مسائل فرهنگ و ادب و معلومات، یک ارتباطی دارند، اینها این جا، هم را جستجو می‌کنند و می‌یابند. این چیز بسیار خوبی است. ملتها و محل دیدار اهل فرهنگ است این جا و کسانی که به مقوله فرهنگ علاقه دارند و این چیز خوبی است. البته امسال شنیدم سخنرانی و میزگرد و این چیزها هم گذاشتند که او این جنبه دوم را تقویت می‌کند. ان شاء الله که آقایان موفق باشند. من از وزارت ارشاد و بخصوص مسؤولین این نمایشگاه و کارهای مربوط به آن، و همچنین از کسانی که کتابها را این جا عرضه کردند - کمک کردند به نحوی از انحاء، صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم که بشود این کار نمایشگاه‌های کتاب روزبه‌روز بهتر بشود و حتی مانعی ندارد اگر چنانچه ما یک نمایشگاه دائمی کتاب، اصلاً داشته باشیم که بطور مستمر، تازه‌های کتاب، چیزهای مهم کتاب در یک محلی که در دسترس مردم باشد عرضه بشود، مردم از او مطلع بشوند، ناشرین بیایند آن جا و عرضه کنند. ان شاء الله که خداوند به همه توفیق بدهد که بتوانند از کتاب بیشتر استفاده کنند.<sup>۱</sup>

... من می‌خواهم به آقایان که در وزارت ارشاد مشغول خدمت هستند، توصیه کنم که این کار [نمایشگاه کتاب] را هم گسترش بدهند در سطح کشور، هم از لحاظ زمانی گسترش بدهند، یعنی تکثیر بکنند. مثلاً اگر چنانچه نمایشگاه‌هایی در مراکز استانها تشکیل بشود، یا این که بهانه‌هایی برای مطرح شدن مسأله کتاب مطرح بشود. مثلاً فرض کنید که همچنانی که حالا بهترین

۱. مصاحبه با رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایان بازدید از هفتمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۳/۲/۲۰.

مؤلف‌ها را جایزه می‌دهند یا بهترین نویسندگانشان را، یا مترجم‌ها را، مثلاً بهترین کتابدارها را، بهترین کتابخانه‌دارها را. بیشترین کتابخانه در کدام شهر است، در کدام محله است، مربوط به کدام قشر از قشرهای مردم است، مورد تشویق قرار بگیرند آنها. یعنی هر آنچه که مربوط به کتاب و کتابخانه و کتابخوانی و کتاب‌سازی - یعنی تولید کتاب - هست، مورد توجه و تشویق و تقدیر اینها قرار بگیرد.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۵. جلوگیری از توزیع کتب فاسد

کتاب یک غذاست؛ یک غذای روح است؛ یک نوشیدنی روح است و چنانچه مقوی باشد، روح را تقویت می‌کند. ما که سفارش می‌کنیم از این نوشیدنی بخورید، نوع نوشیدنی را معین نکرده‌ایم. باید مواظب باشیم که مبادا نوشیدنی مسموم، خطرناک، فاسد، گندیده و مضر، با رنگ‌آمیزیهای خیلی خوب، دست مردم داده شود؛ بدون این که مردم بدانند. همان‌طور که اماکن و سازمانهای ویژه، اگر ببینند غذایی فاسد به مردم فروخته می‌شود، با تولید کننده مقابله می‌کنند؛ اگر کتاب فاسدی هم به مردم داده می‌شود، باید با آن مقابله شود.<sup>۲</sup> دستگاه‌های نظام اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ناشرین، در جنجال علیه ممیزی و سانسور، باید مراقب باشند که هدف را گم نکنند. بدیهی است که نظام انقلابی و اسلامی ایران با برخی از آزادی‌های ویرانگر، نظیر آزادی جنسی و آزادی در ارتکاب گناه، مخالف است و اجازه نمی‌دهد که نسل جوان کشور در معرض آثار مخرب فرهنگی و هنری مخالفین اسلام قرار گیرد و از این طریق به گمراهی و فساد کشیده شود.

۱. ؟؟؟

۲. بیانات در مصاحبه‌ی صدا و سیما، در ششمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب»، ۱۳۷۲/۲/۲۱.

بنابراین حساسیت نظام نسبت به مسأله‌ی مطبوعات، کتاب و نشر، تنها از این جهت قابل بررسی است.

از مدت‌ها پیش یک حرکت فرهنگی و سیاسی از طرف مخالفین اسلام و نظام برای تأثیر گذاری بر ذهنیت جامعه، که در بر گیرنده‌ی فکر، اخلاق و ایمان مردم است، آغاز شده و امروز جریان تندتر و پرشتاب تری در این زمینه وجود دارد. اما به فضل الهی نظام اسلامی در برابر این حرکت ضد مردمی ایستادگی خواهد کرد.<sup>۱</sup>

نوع سوم، آن کار فرهنگی‌بی است که فرهنگی است، اما اثرش آنی است، قابل پاسخگویی نیست. مثل این که مثلاً فرض بفرمایید در یک جامعه‌بی بیایند عکسهای مستهجن را - این عکسهای کارهای جنسی و اینها را - به شکل وسیعی توی جوانها پخش کنند. شما چه طور می‌خواهید این را جواب بدهید؟ اصلاً قابل جواب دادن است؟ این اصلاً قابل جواب دادن نیست که. وقتی که یک اثر هنری، یک نوشته، یک عکس، یک تأثیر ویرانگر اخلاقی دارد، این قابل پاسخگویی نیست. این کار فرهنگی را باید جلوی پیش را گرفت، این آن ممیزی واجب است که در جنجال علیه ممیزی و سانسور و فلان و اینها، نباید هدف را گم کرد. من وظیفه‌ی نظام می‌دانم، وظیفه‌ی وزارت ارشاد می‌دانم، وظیفه‌ی شما که ناشرید می‌دانم که وقتی یک چنین چیزی مطرح می‌شود، شما اجازه ندهید و کمک نکنید. این هیچ ربطی ندارد به این که ما با فکر آزاد موافقیم یا مخالفیم. خب طبیعی است که با آزادی‌هایی ما مخالفیم، مگر کسی شک دارد؟ با بعضی از آزادیها مخالفیم. ما با آزادیهای جنسی مخالفیم، با آزادی گناه مخالفیم، و این کاری است که مردم را به این طرف سوق می‌دهد. همین الان هست توی کتابهای ما. کتابهای منشور الان وجود

دارد. من، اگر خوف این نبود که با گفتن من، نام یک اثر غلطی تکرار بشود، اسمش را می‌گفتم. کتابی که جوانها را به طور واضحی، با شیوه‌های هنری، به سمت گناه سوق می‌دهد! خب این، این یک مسأله‌ی فکری نیست که ما بگوییم حالا این منتشر بشود، ما هم جوابش را منتشر کنیم. این جواب ندارد.<sup>۱</sup>

## ۲. مطبوعات

نویسندگان و گردانندگان مطبوعات، هدایت افکار جامعه و تلاش برای اعتلا و ارتقای آن را وظیفه‌ی بزرگ خود بدانند.<sup>۲</sup>

هیچ تردیدی نداریم که بین مسؤولان و مردم یک حلقه‌ی واسط و وسیعی وجود دارد به نام «رسانه» به طور عام و «مطبوعات» به طور خاص. بی‌تردید مطبوعات ما باید در تأمین آگاهی‌های صحیح و به موقع مردم تلاش کنند. مطبوعات ما باید در تأمین ارزشها، اصالتها، آرمانهای مردم تلاش کنند، مطبوعات می‌توانند با ایجاد حرکت‌هایی معرفت‌آمیز، هم مردم را متوجه مسؤولیت خود کنند و هم مسؤولان را متوجه مسؤولیت‌های سنگین خود کنند. چنانکه عکس این اگر اتفاق بیفتد، مطبوعات با حرکت‌های جنجال‌برانگیز، با ایجاد ابهام و طوفان تشت و تفرق، می‌توانند هر دو گروه را یعنی هم مردم و هم مسؤولین را از آن وظایف اصلی خود منحرف کنند.<sup>۳</sup>

... مطلب اول، در باب جایگاه مطبوعات است. سؤالی که امروز مطرح است، این است که مطبوعات در کشور ایران و در نظام جمهوری اسلامی، کجای کارند؟ که هستند و چه هستند؟ آیا زاید و سربراری هستند؟ زینت‌المجالسی هستند؟ یا نه؛ یک عنصر حقیقی و مؤثر و اجتناب‌ناپذیر و سازنده‌اند؟ نظر ما، البته،

۱. پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه‌ی امام خمینی، ۱۳۷۸/۲/۲۸.

۲. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهارمین روز ارتحال حضرت امام خمینی، ۱۳۶۸/۴/۲۳.

۳. همان.

معطوف به نکته‌ی دوم و جمله‌ی اخیر است. ما معتقدیم که مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی، یک مقوله‌ی تجملاتی و تشریفاتی نیست. بنابراین، افزایش آن، تنوع آن، کیفیت یافتن آن، و اگر خطایی دارد، تصحیح آن، جزو کارهای اساسی در این نظام است.<sup>۱</sup>

شاید پرسیده شود: «مگر نظام جمهوری اسلامی چه خصوصیتی دارد که چنین پرداختن و رویکردی به مطبوعات، جزو کارهای اساسی آن است؟» در جواب می‌گوییم: خصوصیت این است که نظام جمهوری اسلامی یک نظام مردمی است و کسی نمی‌تواند این را منکر شود. مخالفین ما هم نمی‌توانند این را منکر شوند.<sup>۲</sup>

ما اکنون نزدیک به صد سال است که سابقه‌ی روزنامه‌نگاری داریم. به تاریخ نشر اولین روزنامه در ایران نمی‌خواهم اشاره کنم؛ ولی از وقتی که در شهرهای تبریز، رشت، اصفهان، تهران و مشهد، روزنامه‌های متعددی پدید آمد، تا امروز حدود صد سال است. عزیزان من! ما حقاً به قدر صد سال پیش نرفته‌ایم و این خسارت است. جالب است که در برخی مقولات دیگر، که آنها هم از اروپا آمده است و ما گیرنده‌ی آنها هستیم، پیشرفتهای زیادی داشته‌ایم. ما امروز وقتی بین مجلات و روزنامه‌های خودمان با مطبوعات معروف دنیا، قائل به مقایسه می‌شویم، می‌بینیم که هم از لحاظ فنی، هم از لحاظ نوع مطلب آرای، هم از لحاظ احتوای بر مطالب قوی و عمیق و تحلیلها و وسیع‌نگریها، از آنها عقب هستیم! چرا باید این طور باشد؟! گیرم که کشور ما در صنعت و فن‌آوری و دانش جدید، از غرب، عقب باشد؛ اما از نظر فرهنگ که عقب نیست! ما در گنجینه‌ی فرهنگی، از آنها عقب نیستیم. شعر ما، نثر ما، انواع ادبیات و فرهنگ ملی ما که

۱. بیانات در دیدار مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳۷۵/۲/۱۳.

۲. همان.

کمبودی ندارد! پس چرا باید عقب بمانیم؟! من از این وضع راضی نیستم.<sup>۱</sup> مطبوعاتی که طریق سلامت بپیمایند و بنا بر عناد و بدجنسی نداشته باشند. این گونه مطبوعات، در هر رشته‌ای قلم بزنند - سیاسی باشند، فرهنگی باشند، اقتصادی باشند، درباره‌ی مسائل خارجی حرف بزنند، در خصوص مسائل داخلی حرف بزنند - و هر کاری که بکنند، به نفع نظام حرکت کرده‌اند. چرا؟ چون بر مایه‌ی آگاهی مردم می‌افزایند.<sup>۲</sup>

این توقع خوبی نیست که بنده فلان روزنامه را برای شما اسم بیاورم و مثلاً بگویم بنده فلان روزنامه را به این ویژگیها نزدیک می‌بینم؛ باید خودتان انتخاب کنید... ما روزنامه‌های خوب هم داریم. البته نوشته‌اند که ویژگیهایش چیست؟ معلوم است؛ روزنامه‌ای که هدفش اطلاع‌رسانی سالم، تحلیل سالم، تحلیل خوب، ارائه‌ی مطالب قوی و پرداختن به دغدغه‌های عمومی یا اکثر مردم، همراه با روشهای هنری باشد. این روزنامه به نظرم روزنامه‌ی خوبی خواهد بود. بعضی از روزنامه‌های ما این طور هستند؛ بعضی هم نیستند؛ بعضی هم خیلی بدند!<sup>۳</sup>

به نظر من، راه برخورد با مطبوعات بد، توسعه‌ی مطبوعات خوب است. اگر زمینه‌ی مطبوعاتی در کشور، به شکل مفید و مناسب پر شود، مطبوعات بد - آن چیزی که شما اسمش را بد می‌گذارید که حالا نمی‌دانم ملاک بدی هم چیست؛ آن هم خودش یک بحث است - خیلی میدان پیدا خواهند کرد.<sup>۴</sup>

۱. بیانات در دیدار مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳/۰۲/۱۳۷۵.

۲. همان.

۳. پاسخهای رهبر معظم انقلاب اسلامی به پرسشهای دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف، ۰۹/۰۱/۱۳۷۸.

۴. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۲۲/۰۲/۱۳۷۷.

## ۱-۲. نقش و وظایف مطبوعات

مطبوعات در ایران اسلامی و انقلابی تکلیفی بزرگ بر دوش دارند که هدایت افکار و تبیین حقائق و دفاع در برابر تهاجم بیگانگان عناصر مهم آن است.<sup>۱</sup> جهتگیری عمده‌ی مطبوعات، باید اصلاح فرهنگ عمومی باشد.<sup>۲</sup> مهمترین وظیفه‌ی مطبوعات در نظام اسلامی، نقش فرهنگی آنان در معرفی و دفاع از ارزشها و آرمانهای مورد قبول این امت انقلابی و بالا بردن سطح آگاهی و معرفت آنان است.<sup>۳</sup>

برای مطبوعات سه وظیفه‌ی عمده قائلیم: وظیفه‌ی نقد و نظارت، وظیفه‌ی اطلاع رسانی صادقانه و شفاف، و وظیفه‌ی طرح و تبادل آراء و افکار در جامعه.<sup>۴</sup> بی‌تردید مطبوعات ما باید در تأمین آگاهیهای صحیح و بموقع مردم، تلاش کنند. مطبوعات ما باید در تأمین ارزشها، اصالتها و آرمانهای مردم بکوشند. مطبوعات می‌توانند با ایجاد حرکت‌های معرفت‌آمیز، هم مردم را متوجه مسؤولیت خود کنند و هم مسؤولان را متوجه مسؤولیتهای سنگین خود نمایند؛ چنان‌که اگر عکس این اتفاق بیفتد، مطبوعات با حرکت‌های جنجال‌برانگیز و با ایجاد ابهام و توفان تشنت و تفرق می‌توانند هر دو گروه - یعنی هم مردم و هم مسؤولین - را از آن وظایف اصلی خود منحرف کنند.<sup>۵</sup> ...از جمله مواردی که این‌جا یادداشت کرده‌ام، یکی هم نشر فرهنگ عمومی و دانش اجتماعی است که باید به آن عمق و کیفیت دهید. اصلاً مهمترین کار شما آقایان و خانمها که در مطبوعات کار می‌کنید، این است که به

۱. حکم انتصاب آقای شریعتمداری به سمت نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست مؤسسه‌ی کیهان، ۱۳۷۲/۱۰/۰۱.

۲. بیانات در دیدار وزیر و مسؤولان «وزارت ارشاد» و اعضای «شوراهای فرهنگ عمومی کشور» ۱۳۷۴/۴/۱۹.

۳. حکم انتصاب آقای سید محمد اصغری به سمت نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۰/۰۷/۰۲.

۴. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

۵. گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا، ۱۳۷۷/۰۷/۱۸.

کارها کیفیت دهید؛ هم به کارهای سیاسی، هم به کارهای فرهنگی و هم به کارهای ادبی. انسان گاهی اوقات در مطبوعات، صفحه‌ی شعر را می‌نگرد؛ اصلاً رغبت نمی‌کند بخواند. سرمقاله را نگاه می‌کند؛ اصلاً هیچ جاذبه‌ای ندارد. پس زیبایی در سخن چه شد؟! لطافت زبان فارسی چه شد؟! هنر نویسندگی چه شد؟! ذوق چه شد؟! مگر نه که این همه برای کیفیت بخشیدن به مطبوعات است؟! از واژه‌های سنجیده، تعبیرات زیبا و ترکیبات نو استفاده کنید. از هنر، از کاریکاتور و از عکس استفاده کنید. تحلیل‌های خوب چاپ کنید. خوب؛ اینها مواردی است که ما از همه‌ی مطبوعات قسم اول، انتظار داریم رعایت کنند. اکثریت مطبوعات هم - اعم از روزنامه و مجله - اینها هستند.<sup>۱</sup>

ای کاش که صاحب‌نظران ما برانگیخته بشوند برای طرح بحث‌های اصولی در مطبوعات. مطبوعات را از حالت کم محتوا خارج کنند، بکشاند به بحث‌های تامل برانگیز و ارشاد کننده برای مردم. همیشه ما توصیه می‌کنیم که فرهنگ انقلاب را تعمیق کنید. عمق بخشیدن لازمه‌اش همین بحث‌هاست.<sup>۲</sup>

مطبوعات در ایران اسلامی و انقلابی تکلیفی بزرگ بر دوش دارند که هدایت افکار و تبیین حقائق و دفاع در برابر تهاجم بیگانگان عناصر مهم آن است. بی‌تفاوتی در برابر نیازهای فکری ملت ایران و بی‌توجهی به آرمانهای اسلامی و انقلابی آنان که در برخی از مطبوعات کنونی کشور دیده می‌شود سیئه‌ی بی‌است که در قضاوت عمومی مردم ما در حال و آینده و در نهایت در پیشگاه دادگاه الهی در آخرت بخشوده نیست. و مقابله و عناد در برابر این آرمانها که آن نیز متأسفانه امروز با سوء استفاده از آزادی‌هایی که جمهوری اسلامی خود

۱. بیانات در دیدار مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳/۰۲/۱۳۷۵.

۲. در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲/۰۶/۱۳۷۷.



را بدان پای‌بند دانسته است، در تعدادی نشریات وجود دارد گناهی سنگین و فراموش ناشدنی است.<sup>۱</sup>

من البته راجع به زبان فارسی، سالهاست - شاید ده سال بیشتر است - که با صدا و سیما بحث و بگو مگو دارم؛ برای این که در آن زمینه پیشرفت کنند؛ کارهایی بکنند و اشکالات را بر طرف سازند. اما روزنامه‌ها، از این جهت از صدا و سیما مهمترند. چون مخاطبین آن رسانه، در زمینه‌ی زبان فارسی و نکات و ظرایف زبانی و دستوری، فقط از طریق گوش ارتباط دارند و مواردی که عنوان می‌شود، لحظه‌ای و گذراست. اما مطبوعات در خانه و کاشانه‌ی ما، برای مدت‌ها می‌مانند؛ افراد متعددی آن را می‌خوانند و در آن تعمق می‌کنند.<sup>۲</sup>

خوب؛ کاغذی را که شما در هیأت روزنامه یا مجله به دست خواننده می‌دهید، برای او «لغت امام»؛ یعنی «زبان معیار» می‌شود. این را چگونه می‌خواهید تهیه کنید؟ آن وقت ناله سر می‌دهیم که زبان فارسی چنین و چنان شد! مگر نه این که از مطبوعات باید زبان فارسی را درست کرد؟ مطبوعات، از این جهت، از صدا و سیما مهمتر است.<sup>۳</sup>

## ۲-۲. آسیب‌شناسی مطبوعات

از ما سؤال می‌شود - و این از همه کس قابل سؤال است - که شما از وضع کنونی مطبوعات ایران راضی هستید یا نه؟ من اگر بخواهم در این جلسه‌ی خصوصی و خودمانی به شما مطلبی عرض کنم، جوابم این است که نه، راضی نیستم. چرا؟ چون کیفیت مطبوعات در این کشور متناسب با تاریخ مطبوعات در این کشور نیست. ملاحظه کنید، این نکته‌ی مهمی است. ما درباره‌ی هر

۱. حکم انتصاب آقای شریعتمداری به سمت نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست مؤسسه‌ی کیهان، ۱۳۷۲/۱۰/۱.

۲. بیانات در دیدار مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳۷۵/۰۲/۱۳.

۳. ???

پدیده‌یی که سخن می‌گوییم و قضاوت می‌کنیم، باید به تاریخ آن پدیده نگاه کنیم. یک وقت هست یک پدیده‌یی است اگر چه در دنیا سوابق زیادی دارد اما این جا تازه وارد شده است؛ خب نمی‌شود انتظار داشت. یک وقت پدیده‌یی است که ضعیف وارد شده است، یا به وسیله‌ی آدمهای نالایق وارد شده است، نمی‌شود خیلی توقعی داشت. لکن یک پدیده‌یی است که سابقه‌ی زیادی دارد، خوب هم وارد شده است که مطبوعات از این قبیل است که حالا عرض خواهیم کرد. البته مطبوعات، وارداتی است. یعنی جزو بخشهای مثبت فرهنگ غرب است که ما از آنها گرفتیم. این، یک وقتی من درباره‌ی تعاطی فرهنگی - نقطه‌ی مقابل تهاجم فرهنگی - بحث مفصلی کردم، این مصداقش، یکی همین مطبوعات است. خب، ما مطبوعات را از غرب فراگرفتیم. آنها سابقه‌ی زیادی داشتند در کار روزنامه‌نگاری؛ از اواخر دوران ناصرالدین شاه هم این کار در ایران شروع شد و وارد شد و اینها. اوجش هم در دوران مشروطه بود که از دوران مظفرالدین شاه یواش یواش شروع کرد به افزایش پیدا کردن.<sup>۱</sup> من البته نکاتی را در ارتباط با مطبوعاتمان یادداشت کرده‌ام که نشانگر ضعفهای موجود این رسانه است. حضور نداشتن قوی در مسائل بین‌المللی، نبود تحلیل‌های قوی، ضعف کارهای هنری و ضعف زبان فارسی، از آن جمله است.<sup>۲</sup> ...یکی دیگر از ضعفهای مطبوعات ما، تقلید کورکورانه از کارهای غرب است. گفتیم که روزنامه‌های غرب، از ما قویتر و پخته‌ترند؛ اما معنایش این نیست که ما شکل عنوان‌گزینی خود را هم مانند آنها کنیم. فرض بفرمایید کیفیت دستور زبان انگلیسی، مثلا در عقب و جلو بودن عناصر جمله، با زبان فارسی فرق می‌کند. آنها طبق دستور و قاعده‌ی زبان خودشان، شکل عنوان

۱. در دیدار با مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳۷۵/۲/۱۲.

۲. بیانات در دیدار مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳۷۵/۰۲/۱۳.

را مشخص می‌کنند. چه لزومی دارد که ما در زبان فارسی عینا همان را تقلید کنیم؟! در بعضی از روزنامه‌ها می‌بینیم که عینا از شکل عنوان‌گزینی روزنامه‌های امریکایی و انگلیسی تقلید می‌کنند؛ که البته از ما بدتر در این زمینه، عربها هستند! چه لزومی دارد این کار را بکنیم؟! فارسی، زبانی غنی و شیرین است. هزار شیوه در کار فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی برای عنوان‌زدن وجود دارد. خوب؛ از این شیوه‌ها استفاده کنیم. البته آنها بعضی از کارهای خوب هم می‌کنند که باید یاد گرفت. مثلا خوش‌آهنگ کردن عناوین در بین مطبوعات انگلیسی، امر بسیار رایجی است. یعنی عنوانهای خوش‌آهنگ با سجعهای آغاز کلام می‌زنند. البته سجع ما، نه در آغاز که در پایان کلام و جمله است. آنها از این کارها می‌کنند، که خوب است. این کارها را اگر به طور محدود تقلید کنیم، منعی ندارد؛ گرچه تقلید یکسره، جایز نیست.<sup>۱</sup>

[مطبوعات] فضای کشور را فضای تشنج‌مطبوعاتی قرار ندهند. یعنی پیوسته این به آن و آن به این بد نگویید. در روزنامه‌ی مربوط به جشنواره‌ی مطبوعات، آقایان مسؤول با چند نفر درباره‌ی مسائل مطبوعات مصاحبه کرده بودند که آن را می‌خواندم. دیدم جوانی در طرح دیدگاه‌هایش عنوان کرده که فضای مطبوعات و روزنامه‌های کشور، فضای دعواست! راست هم گفته است. روزنامه‌ها با هم دعوا دارند. خوب؛ به هم چه کار دارید؟! کار خودتان را بکنید. یک نفر خط یک است، یکی خط دو است، یکی خط سه است. خوب؛ هر کس خط خودش را برود، کار خودش را بکند. توقع نیست که اینها از سلاقی خودشان، به خاطر دیگری دست بردارند. هر کسی مبنایی دارد، ممشایی دارد، سلیقه‌ای دارد.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳/۰۲/۱۳۷۵.

۲. همان.

اینی که بنده مکرر توصیه می‌کنم به مطبوعات، به رسانه‌ها که مسؤولانه با مسائل کشور برخورد کنند به خاطر همین است. ما نباید آن چیزی را که دشمن می‌خواهد در بین مردم به دروغ و فریب منتشر کند، ما نباید عامل دشمن بشویم، کار دشمن را آسان کنیم، تسهیل کنیم؛ همان چیزی را که دشمن می‌خواهد در فضای فکری جامعه‌ی ما به وجود بیاید، یا فضای فرهنگی، آن را ما برای دشمن کارش را آسان کنیم در داخل کشور به وسیله‌ی مطبوعات، به وسیله‌ی رسانه‌ها، به وسیله‌ی تریبون‌ها؛ این دروغ را، این فریب را { به مردم } به خورد مردم بدهیم؛ این خیلی خطای بزرگی است. اگر عمداً با توجه انجام بگیرد، خیانت بزرگی است؛ اگر از روی غفلت باشد، خطای بزرگی است؛ باید خیلی آگاه بود، خیلی باید مراقب بود.<sup>۱</sup>

خب، حالا ما صد سال تقریباً سابقه‌ی روزنامه‌نگاری داریم - حالا اولین روزنامه را نمی‌خواهم عرض بکنم - از وقتی که روزنامه رایج شد بین مردم؛ در تبریز؛ در رشت، در اصفهان، در تهران، در مشهد، روزنامه‌های متعددی پدید آمد؛ تا امروز حدود صد سال است. ما صد سال پیش نرفته‌ایم عزیزان من! ما به قدر صد سال حقاً پیش نرفته‌ایم. خب، این خسارت است. در حالی که در برخی چیزهای دیگری که آنها هم از اروپا آمده است - و ما گیرنده‌ی آنها هستیم - خیلی پیشرفتهای زیادی داشتیم. ما امروز وقتی نگاه می‌کنیم، مقایسه می‌کنیم بین مجلات خودمان و روزنامه‌های خودمان و مجلات معروف دنیا می‌بینیم که ما هم از لحاظ فنی، هم از لحاظ نوع مطلب آرایه، هم از لحاظ احتواء بر مطالب قوی و عمیق و تحلیلیها و وسیع نگرى‌ها، از آنها عقب هستیم! چرا باید این جور باشد؟ در حالی که خب، حالا کشور ایران بله، در صنعت و تکنولوژی و دانش جدید، عقب است از غرب؛ اما در فرهنگ که عقب نیست؛

۱. در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور، ۵/۵/۱۳۸۱.

در گنجینه‌ی فرهنگی که ما عقب نیستیم از آنها. ما که خب، ادیبانمان، شعرمان - عرض کنم که - نثرمان، مجموعاً در فرهنگمان، فرهنگ ملی ما که کمبودی ندارد. چرا باید ما عقب بمانیم؟ من راضی نیستم.<sup>۱</sup>

بعضی از این مطبوعات و روزنامه‌ها و آدمهای نوبه میدان رسیده‌ی بی‌خبر از همه جا - یا بی‌خبر دیگر، آن حمل بر صحبتش بی‌خبر است و الا مغرض - اینها خیال می‌کنند که این هنری است که ما کشور را بکشانیم به حالت ابتذال قبل از انقلاب. در این جهت دارند سعی می‌کنند. چه قدر این غفلت است! چه قدر تأسف آور است! جوانهای ما در دوره‌ی جوانی توانستند از آن تخدیری که فضای کشور شده بود، خودشان را خلاص کنند. یک حرکتی بکنند و ایران را نجات بدهند. ایران رفته بود؛ گم شده بودیم ما؛ زیر دست و پاها له شده بودیم. این سیل گنداب فرهنگ غربی - که مقدمه‌ی سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی و استعماریه معنای حقیقی کلمه بود - این ما را از بین برده بود در واقع. وسط زمین و هوا دست قدرتمند انقلاب و اسلام به وسیله‌ی همین جوانها کشور را نجات داد؛ همه را نجات داد یک عده‌ی می‌خواهند این دوره‌ی افتخارآمیز به فراموشی سپرده بشود، برگردند مردم به همان حال تخدیر قبلی خب، این را که می‌خواهد؟ دشمنهای این کشور می‌خواهند، دشمنهای این ملت می‌خواهند.<sup>۲</sup>

## ۲-۳. آزادی مطبوعات

معتقدم اگر جامعه‌ای مطبوعات آزاد و دارای رشد و قلمهای آزاد و فهمیده را از دست بدهد، خیلی چیزهای دیگر را هم از دست خواهد داد. وجود مطبوعات

۱. در دیدار با مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور، ۱۳/۲/۱۳۷۵.

۲. در دیدار تعدادی از جوانان به مناسبت روز جوان، ۲۷/۲/۱۳۷۷.

آزاد، یکی از نشانه‌های رشد یک ملت و حقیقتاً خودش هم مایه‌ی رشد است؛ یعنی از یک طرف رشد و آزادگی ملت، آن را به وجود می‌آورد؛ از طرف دیگر، آن هم به نوبه‌ی خود می‌تواند رشد ملت را افزایش دهد.<sup>۱</sup>

من نه با آزادی مطبوعات مخالفم، نه با تنوع مطبوعات. اگر به جای بیست عنوان روزنامه، دویست عنوان روزنامه در این کشور در بیاید، بنده خوشحالت‌تر هم خواهم بود و از این که روزنامه‌های کشور زیاد شوند، هیچ احساس بدی ندارم. اگر مطبوعات، آن طوری که در قانون اساسی هست، مایه‌ی روشنگری باشند؛ مصالح کشور را رعایت کنند، به نفع مردم قلم بزنند، به نفع دین قلم بزنند، هر چه بیشتر باشند، بهتر است.<sup>۲</sup>

آنچه که امروز واقعا به عنوان رسالت مطبوعات مطرح است - در کنار آن واژه‌ی آزادی، بسیار دستمایه‌ی کلامها و صحبتها شده - این معنا و مطلب است که رسالت مطبوعات مقصدی است که وسیله‌ای برای رفتن به آن مقصد می‌خواهد، که آن وسیله «آزادی» است. آزادی مطبوعات، باید وسیله‌ی تأمین رسالت مطبوعات گردد؛ نه آن که رسالت مطبوعات در پای آزادی همه‌جانبه و بی‌بندوبار، قربانی شود! این همان چیزی است که برنامه‌ریزان و کارگردانان غربی و غربزده - حتی در آن سوی مرزها - امروز با صراحت برای تحققش تلاش می‌کنند و در واقع شمشیرها را دیگر از رو بسته‌اند!<sup>۳</sup>

ما هم در عمل نشان دادیم که مطبوعات آزادند؛ این عملکردهایی که از نظر ما بسیار منفی است، وجود دارد؛ اما مطبوعات آزادانه دارند همان کارها را می‌کنند. این، خود رد عملی کسانی است که معتقدند آزادی بیان نیست؛

۱. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

۲. بیانات در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱.

۳. گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا، ۱۳۷۷/۰۷/۱۸.

نخیر، آزادی بیان، نشانه‌اش همین مطبوعاتی است که علیه دولت، علیه نظام و علیه سیاستهای کلی، آزادانه هر چه می‌خواهند می‌نویسند؛ کسی هم متعرض آنها نمی‌شود. البته مردم هم به اینها خیلی اعتنایی نمی‌کنند. این، فضل الهی است.<sup>۱</sup>





## فصل دوم: قالبهای تفریحی

### ۱. ورزش

اسلام معتقد است که انسان باید جسم و روح را با هم پرورش بدهد و پرورش جسم مقدمه‌های برای پرورش روح است... صبح یک مسلمان دو برنامه عمده دارد: اولین برنامه، برنامه عبادت و نماز است و برنامه بعدی برنامه ورزش و سازندگی جسم در صبحگاه است.<sup>۱</sup>

همان طور که غذا خوردن یکی از برنامه‌های روزانه است، درس خواندن، کار کردن و عبادت نمودن یکی از برنامه‌های روزانه است، ورزش هم در کنار اینها یکی از برنامه‌های روزانه است.<sup>۲</sup>

### ۱-۱. ورزش و فرهنگ اسلامی

در محیط ورزش، سعی نشده فضای فرهنگی اسلامی و سالمی حاکم باشد. نه این که ورزشکاران ما آدمهای خوبی نیستند؛ نخیر، آدمهای بسیار خوب و مؤمن و متقی و پرهیزکار در میانشان هست؛ منتهی فراتر از این باید باشد.

۱. همان

۲. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۶۴؛ مصاحبه با مجله ورزش، ۱۳۶۶/۵/۲۱.

محیط ورزشی ما باید محیط عفیفی باشد. عفت، معنای خیلی عجیب و وسیعی دارد. سلامت نفس یک انسان، در هر جایی خودش را نشان می‌دهد. محیط ورزش، باید محیط عفیف باشد. در آن بایستی هرزگی، شلختگی و هر چیز غیر عفیفانه مشاهده نشود. ما باید این فضا را در محیط ورزشمان به وجود آوریم و اگر این باشد، در دنیا خواهد درخشید و ورزش ما ستاره خواهد شد.

... برخلاف تصور خیلیها، دنیا از این بی‌بندوباری و ولنگاری و هرزه‌گری خوشش نمی‌آید؛ خسته شده است. این حالت عفت و نجابت و سلامت و حیا و این چیزی که طبیعی ایرانیها هم هست، اسلام هم همین را توصیه کرده است. این را ما هم باید در محیط ورزش و در محیطهای دیگر حاکم کنیم. این، فضای معنوی - فرهنگی ورزش خواهد شد؛ همان چیزی خواهد شد که شما می‌گویید برای رفتن به مصاف تهاجم فرهنگی، بایستی متمسک به فرهنگ خودی شویم و کاملاً درست است.<sup>۱</sup>

مادیات انسان از معنویات تغذیه می‌شود. امکان ندارد بتوانید نقش معنویات را از زندگی بشر حذف کنید؛ چون عوامل معنوی، در زندگی بسیار اثر گذارند. البته ممکن است مثلاً در عرصه‌ی ورزش، در کنار این عوامل معنوی، عوامل دیگری از جمله حس رقابت، پول، نام و نشان و این چیزها نقش داشته باشد؛ اما عوامل معنوی، از تمام اینها برتر و بالاتر و مؤثرتر است. چرا خودمان را از این عوامل معنوی محروم کنیم؟! ما که این همه ورزشکار مؤمن، خوب، حزب‌اللهی و جبهه رفته در عرصه‌ی ورزشمان داریم، باید از آنها به کمال استفاده کنیم. یقیناً در کارها و پیشرفتهای شما و این افتخاری که به خواست خدا کسب کرده‌اید، معنویات، نقش اصلی را داشته است.<sup>۲</sup>

۱. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

۲. بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز، ۱۳۷۴/۰۶/۲۳.

مسئولان ورزش کشور، محیط ورزش را با یادآوری و اقامه‌ی نماز روح بخشند و در تعیین وقت مسابقات ورزشی، ساعت نماز را فارغ و زمین و زمان را آماده‌ی برگزاری نماز کنند.<sup>۱</sup>

### ۱-۲. ورزش همگانی

همه‌ی آحاد مردم، باید ورزش را جدی بگیرند. همه باید برای سلامتی خودشان، ورزش را یک ضرورت و کار لازم به حساب آورند. جامعه‌ی ورزشکار، جامعه‌ی بانشاط و پرتلاش و زنده و کارآمد خواهد بود. عادت ورزش را به فرزندان خودتان هم منتقل کنید. کودکان و نوجوانان - بخصوص جوانان - را به ورزش کردن وادار کنید. حتی افراد مسن و پیر هم باید ورزش کنند - هر کسی ورزش متناسب با حال خود - ورزش، یک کار لازم و یک وظیفه است که برای نشاط و طراوت دائمی جامعه‌ی لازم است. امروز جامعه‌ی ما به این طراوت و این نشاط احتیاج دارد.<sup>۲</sup>

عقیده‌ام در باب ورزش همین است که بارها گفتم. من ورزش را برای عموم مردم لازم می‌دانم. برای جوانها لازم می‌دانم، برای غیرجوانها - میانسال هم، پیرمردها - واجب می‌دانم و پیرزنها. واجب یعنی اگر برای جوانها لازم است، برای ماها واجب است. چون مسأله‌ی مرگ و زندگی است برای افراد میانسال واقعاً این جور است. اگر ورزش نکنند زندگی سالمی را خواهند داشت. خواهند گذراند. اگر ورزش نکنند دچار بیماری و اینها خواهند شد. البته برای جوانها هم لازم است. چون آنها هم اگر به ورزش روی بیاورند سلامت و نشاط و شادابی و زیبایی و همه چی در ورزش با هم هست؛ بنابراین من

۱. پیام به اجلاس نماز، ۱۳۷۶/۷/۷.

۲. بیانات در مراسم افتتاحیه‌ی مانور فرهنگی، ورزشی جانبازان و معلولان کشور، ۱۳۷۶/۶/۱۵.

برای عموم مردم - از زن و مرد - ورزش متناسب با خودشان را لازم می‌دانم. لزوماً منظورم ورزشهای قهرمانی و شرکت در مسابقات نیست. نه، بعضی خیال می‌کنند ورزشکار بودن یعنی حتماً در مسابقات شرکت کنند. زن ورزش کند، یعنی حتماً باید در مسابقات شرکت کند. نه، ورزش کنند، مثل این که غذا می‌خورند؛ مثل این که کارهای روزانه‌شان را انجام می‌دهند؛ مثل این که درس می‌خوانند؛ ورزش هم همین جور یکی از برنامه‌های حتمی زندگیشان باید باشد.<sup>۱</sup>

به ورزش اهمیت بدهید؛ من روی ورزش بخصوص تأکید می‌کنم. من ورزش را به عنوان یک کار بین‌المللی، یک کار نمایشی، یک کار هیجانی، در درجه‌ی دوم می‌دانم؛ در درجه‌ی اول، ورزش برای تقویت جسم و سلامت جسم است که این را برای همه‌ی جوانهای کشورمان از زن و مرد لازم می‌دانم.<sup>۲</sup> توصیه این است که جوانها ورزش کنند. من هر وقت چشمم به ارتفاعات شمال تهران می‌افتد و می‌بینم که در این منطقه‌ی ضلع شمالی تهران - یعنی از منتهای شرق تا منتهای غرب - شاید حدود ده معبر وجود دارد که مردم را به این سلسله کوههای با عظمت و بسیار مصفا متصل می‌کند؛ اما مردم استفاده نمی‌کنند، تأسف می‌خورم. هر وقت به کوه می‌آیم، وقتی می‌بینم خلوت است، تأسف می‌خورم که چرا جوانها و حتی غیر جوانها از این نعمت الهی و این فرصت کمیاب استفاده نمی‌کنند. خود من از حدود عید نوروز، کوه‌پیمایی را شروع می‌کنم تا اواسط پاییز؛ یعنی وقتی که یخ می‌بندد و در کوهستان خطر لغزیدن هست. بعد از آن دیگر به کوه نمی‌آیم. در واقع در هر سال، چهار پنج ماه این کار را تعطیل می‌کنم. اما در آن هفت، هشت ماه

۱. بیانات در دیدار با جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.

۲. بیانات در دیدار جوانان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲.

دیگر، تا اواسط پاییز، بنایم بر این است که هفته‌ای سه مرتبه بیایم. البته اغلب اوقات پیش نمی‌آید که بتوانم هفته‌ای سه بار بیایم. یعنی هفته‌ای دوبار یا هفته‌ای یک بار می‌شود؛ لکن کمتر از هفته‌ای یک بار نمی‌شود. البته این جا را که ملاحظه می‌کنید، راه طولانی است. برای من، مسیر «کلک چال» مقداری زیاد است. از این رو همیشه به «کلک چال» نمی‌آیم. هر سال یک یا دو بار این طور راههای طولانی را می‌آیم و در غیر این یکی دو بار، معمولاً راه می‌افتم از طرفی - یکی از همین راههایی که معمول هست و مردم می‌روند، یا بعضی راههای خلوت‌تر - حدود یک ساعت می‌روم بالا و برمی‌گردم. خوب؛ شما سن مرا هم ملاحظه کنید. جوانهایی که در کوهستان راه می‌روند، در حدود سنین سی سال و سی و دو سه سال و کم‌ترند. اینها همه جای فرزندان من محسوب می‌شوند. وقتی که من با این سن و با این همه اشتغالات - واقعا وقت گذاشتن من برای ورزش یک مجاهدت است - بتوانم از لابلای کارهای فراوان و متراکم، وقتی برای ورزش باز کنم و با وجود بالا رفتن سن و انحطاط مزاجی، مقیدم به کوهستان بیایم، شما ببینید که جوانها چه وظیفه‌ای دارند! توصیه‌ی من این است که جوانها به من نگاه کنند. من وقتی به کوه می‌آیم و گاهی می‌بینم حتی از من مسن‌تر هم کسانی می‌آیند که با استحکام و استقرار جسمانی و قرص و محکم این راه را طی می‌کنند، واقعا لذت می‌برم. البته این نکته را تأکید کنم که وقتی می‌گوییم جوانها، معنایش این نیست که ورزش مخصوص جوانهاست. نخیر؛ همان طور که ورزش برای جوانها لازم است، برای مسن‌ترها هم لازم است. بلکه می‌شود گفت برای جوانها لازم است، برای مسن‌ها واجب مؤکد است. توجه کردید؟ چون اگر کسانی که پا به سن گذاشته‌اند، ورزش نکنند، پیری زودرس به سراغشان خواهد آمد و قطعا دچار عوارض پیری خواهند شد و از کار خواهند افتاد. چرا کسی که می‌تواند کار

و تلاش کند و عمر خود را ده، بیست سال با ورزش، بر حسب روال طبیعی استمرار بخشد، این کار را نکند؟ من حرفم این است. از این رو توصیه می‌کنم همه ورزش کنند؛ هم جوانها، هم پیرها، هم میان سالها، هم مردها و هم زنها. زنها هم باید ورزش کنند. گاهی من در همین راه «کلک چال» که از پایین به بالا می‌آیم، یا بعکس به طرف پایین می‌روم، خانمهایی را می‌بینم که با چادر مشکی این راه را طی می‌کنند. با این که قسمتی از این راه، بسیار ناهموار و یا به قول ما مشهدیها قلب است، در عین حال خانمها این راه ناهموار را تحمل می‌کنند و با چادر مشکی می‌آیند. خوب؛ این همت است دیگر. من این طور زنها و همچنین افراد مسنی که این راههای طولانی را طی می‌کنند و می‌روند، بسیار تحسین می‌کنم.

بنابراین توصیه‌ی ما به همه‌ی مردم این است که ورزش کنند. البته از میان همه‌ی ورزشها توصیه‌ی ورزش خاصی را نمی‌کنیم. هر کس به هر ورزشی که دوست دارد و با وضع و طبیعت و امکانات او متناسب است، بپردازد. منتها بی‌خرجترین ورزشها کوهنوردی است. این را که ما امتحان کرده‌ایم، هیچ خرجی ندارد؛ حتی یک توپ کوچک هم لازم ندارد. آدم کفشش را پایش می‌کند و می‌زند به کوه و راه می‌رود و ورزش می‌کند و از این هوای خوب و مناظر طبیعی استفاده می‌کند. توصیه می‌کنم که حتما ورزش را فراموش نکنید.<sup>۱</sup>

### ۱-۳. ورزش پهلوانی

این برنامه‌ی ورزش محلی یقیناً بر بسیاری از کارهای تقلیدی ترجیح دارد؛ ورزش پهلوانی است و سرشار از سنتهای ایرانی و اسلامی است. این نکات را

۱. مصاحبه در هنگام کوهپیمایی، ۱۳۷۵/۰۶/۰۲.

باید همیشه به یاد داشته باشیم که آنچه متعلق به ما و مربوط به خود ماست، با عقاید ما، با ایمان ما آمیخته است؛ آنچه وارداتی است، اگر بخواهیم شکل ایمانی و اسلامی و ایرانی به آن بدهیم، باید این عناصر را در آن تزریق کنیم. آنچه مربوط به خود ماست، به طور طبیعی پیکره‌ی آن، پیکره‌ی دینی و ایمانی است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۴. ورزش قهرمانی

من اعتقاد دارم که ورزش قهرمانی هم لازم است. اگر ورزش قهرمانی نباشد، این ورزش همگانی اصلاً تحقق پیدا نخواهد کرد. همیشه بایستی یک قله داشته باشیم، تا در دامنه‌ها افراد زیادی حرکت کنند؛ لذا ورزش قهرمانی به این دلیل واجب و لازم است. البته ورزش قهرمانی و شرکت در میدانهای بین‌المللی، منافع دیگری هم دارد و آن، سربلندی و اشتها ملت است. نشان دادن این است که ملت ما با عزم و اراده است؛ چنین جوانانی دارد، چنین کارهایی می‌کند، چنین برنامه‌ریزی‌ای می‌کند. این در واقع بروز ملی در یک میدان جهانی است. ورزشهای قهرمانی و شرکت در میدانهای بین‌المللی، این فواید را هم دارد.<sup>۲</sup>

نمی‌خواهیم همه قهرمان شوند و نمی‌شوند هم؛ اما می‌خواهیم همه به این نقطه‌های اوج بنگرند تا انگیزه پیدا کنند و به دنبال آن بروند؛ به حدی که هیچ‌کس نباشد که ورزش نکند. بنده مایل‌م که جامعه و کشور ما این‌گونه باشد.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۲. بیانات در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.

۳. بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز ۱۳۷۴/۶/۲۳.

ایران نباید در میدانهای بین‌المللی ورزشی، جزو آن رده‌های آخر باشد؛ باید یکی از سه کشور اول در مجموعه ورزشهای جهانی باشد. نمی‌گوییم حتما اول یا دوم باشد؛ نه، طبعا در صدر باید قرار گیرد. علتش این است که ما سابقه‌ی زیاد ورزشی داریم؛ ما جوانان سالمی داریم؛ ما آب و هوای مناسب رشد بدنی داریم؛ انسانهای با استعدادی داریم و باید در دنیا پیشرفت داشته باشیم. البته ورزشهای بومی ما - ورزشهایی که مربوط به سابقه و فرهنگ گذشته‌ی ماست - متأسفانه مهجور است و دست خود ما نیست. خیلی از ورزشها در کشور ما مهجور است و من در آن دیدار از آنها اسم آوردم. چوگان که جزو ورزشهای قدیمی ماست؛ بعضی از این ورزشهای زورخانه‌ای هم، ورزشهای خیلی خوبی است. اینها می‌تواند در دنیا مطرح شود. اصلا ما می‌توانیم ورزشهایی را در دنیا ابداع کنیم. یک روز فوتبال در دنیا نبود؛ اما آن را به وجود آوردند. یک روز بسکتبال در دنیا نبود؛ اما آن را به وجود آوردند. بنابراین چرا ورزشکاران ایرانی و صاحب‌نظران ایرانی در ورزش، نوآوری نکنند؟ الان صحبت نوآوری بود؛ یکی از میدانهای نوآوری، ورزش است. نوآوری کنند، کارهای جدید بکنند؛ هم در مسائل ورزشی، هم در خود ورزش.

... من همه را به ورزش توصیه می‌کنم. پهلوانان و قهرمانان و متخصصان و فنانون ورزش را به نوآوری، به جدیت و کوشش در کسب مهارتهای بیشتر و قدرت بدنی بیشتر، برای این که در میدانهای بین‌المللی پیش بروند، توصیه می‌کنم. کسانی را هم که مسؤولان این مجموعه‌های ورزشی هستند، توصیه می‌کنم به این که هر چه می‌توانند، برای ورزشکاران امکان فراهم کنند که این کارها انجام گیرد.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳/۱۱/۱۳۷۷.



صهیونیست‌ها در این صد سال اخیر و بخصوص در این دهها سال اخیر چه خرجی کرده‌اند تا انسانها را بدون هویت معنوی بار بیآورند و به بی‌بندوباری و بی‌اعتقادی و لابلالیگری در عقیده و ایمان دینی بکشانند؟ شما وقتی بعد از پیروزی روی تشک کشتی یا محل وزنه‌برداری یا در هر نقطه‌ی دیگری، دست‌تان را بلند می‌کنید، خدا را شکر می‌کنید، به سجده می‌افتید یا نام بزرگان دین را بر زبان می‌آورید، در واقع دارید همه‌ی سرمایه‌ی را که آنها خرج کرده‌اند، با یک حرکت ساده دور می‌کنید؛ خدای متعال به شماها کمک و الهام می‌کند که این کار را انجام بدهید.<sup>۱</sup>

ان‌شاءالله که موفق باشید. خیلی خوب؛ شما که نمی‌دانید من چه می‌خواهم بگویم که از حالا خواستید بنویسم. آقای جدیدی ماشاءالله با یال و کوپال پهلوانی و قهرمانی شعر و اینها، اهل شعر و اینها هم هستی. خیلی خوب، خیلی خوب است... ان‌شاءالله که موفق باشید. عرض کنم که حالا این که گفتید که با این جاده سنگلاخ نمی‌دانم قهرمانی ممکن نیست. شما که نشان دادید ممکن است. چطور می‌گویید ممکن نیست؟ شما خودتان با همین جاده‌ی سنگلاخ و با این مشکلات امسال شما و خادمها و خیلی از این بچه‌ها کشتی گیر خوب الحمدلله توانستید به قهرمانی برسید. در رشته‌های دیگر ورزشی ما بچه‌های خیلی خوبی داشتیم بسیار خوب درخشیدند و کارهای خوبی را انجام دادند همین جاده سنگلاخ هم بوده. پس معلوم می‌شود که با تلاش و کوشش و اراده و عزمی که بخصوص در ورزشکاران برجسته این اراده و عزم محسوس است و دیده می‌شود می‌توان از جاده‌های سنگلاخ هم گذشت و با مشکلات می‌توان دست و پنجه نرم کرد.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار با ورزشکاران شرکت‌کننده در المپیک و پارالمپیک، ۱۴/۰۷/۱۳۸۳.

۲. همان.

البته ورزش قهرمانی و شرکت در میدانهای بین المللی، منافع دیگری هم دارد و آن سربلندی ملت است، اشتها ملت است، نشان دادن این است که این ملت با عزم و اراده است، چنین جوانهایی دارد، چنین کارهایی می کند. چنین برنامه ریزی می کند، این در واقع بروز ملی است در یک میدان جهانی. این فواید را هم ورزشهای قهرمانی و شرکت در میدانهای بین المللی دارد؛ به این دلیل من با همه ی اینها موافقم. البته از وضع بودجه ی امسال ورزش من اطلاعی ندارم. یعنی بودجه به دولت ارتباط پیدا می کند و به مجلس. من دقیقاً الان نمی دانم، البته بودجه را من گوش می کردم از تلویزیون گاهی و کتابچه ی بودجه را هم می آورند پیش ما، لیکن من بطور مشخص نمی دانم وضع بودجه ی ورزش چگونه است که شما را به نگرانی انداخته و مسؤولین ورزش هم علاقه مندند به این که این کار را انجام بدهند و لیکن من نه، از وضع کنونی ورزش در کشورمان رضایت کامل ندارم؛ نخیر. یعنی خب، یک حرکتی است، اما نه ورزش همگانی، خیلی همگانی است؛ نه ورزش در میدانهای بین المللی آن چنان که باید موفق است. من گفتم همان طور که شما نقل کردید به مجموعه ی فدراسیونها و - عرض کنم که - مسؤولین ورزشی و عده یی از ورزشکاران که چندی پیش آمده بودند این جا گفتم، گفتم من اعتقادم این است که ایران نباید در میدانهای بین المللی جزء آن رده های آخر باشد. یکی از سه مجموعه ی، سه کشور اول در مجموعه ی ورزشهای جهانی باید باشد. نمی گویم اول باشد حتماً، یا دوم باشد نه، طبعاً در صدد باید قرار بگیرد و این علتش این است که ما سابقه ی زیاد ورزشی داریم، ما جوانهای سالمی داریم، ما آب و هواهای مناسب رشد بدنی داریم. انسانهای با استعدادی داریم و بایست در دنیا ما پیشرفت داشته باشیم.<sup>۱</sup>

من آقای استیلی را بعد بوسیدم، ایشان که آمد پیش من گفتم به پاداش آن گل پیشانی شما را می‌بوسم و بوسیدم. عرض کنم که تماشای ورزش از تلویزیون نه، متأسفانه خیلی فرصت نمی‌کنم. گاهی چرا. خیلی به ندرت. لکن مجال این که بنشینم پای برنامه‌های تلویزیون و تماشا بکنم ندارم، از طرفی هم چون بیشتر ورزشهایی پخش می‌شود فوتبال است، من هم در فوتبال خیلی سررشته‌یی ندارم، یعنی در واقع هیچ سررشته‌یی ندارم و در جوانی هم فوتبال بازی نمی‌کردم - والیبال چرا، اما فوتبال بازی نمی‌کردم در بچگی و جوانی - این است که خیلی فرصت پیدا نمی‌کنم. لکن آن شبی که آن به اصطلاح بازی ایران و امریکا بود، آن شب من نگاه کردم. البته حقیقتش این است که آن شب هم نمی‌خواستم نگاه کنم، تصمیم نداشتم؛ چون دیر وقت بود - وقت خواب من بود - لکن همین‌طور که نشسته بودم، روشن کردم و ناگهان مواجه شدیم با گل ایشان و دیگر خواب از سرم رفت و نشستم تا آخر بازی را تماشا کردم. اما این که آن پیام را من دادم. ببینید، من به این آقایان وقتی که آمدند پیش من مفصل صحبت کردم و گفتم، البته آن دیدار پخش نشد و مردم از محتوای آن ملاقاتی که با این جوانها داشتم مطلع نشدند، حالا یک جمله‌اش را به شما می‌گویم. قبل از آن دیدار، شاید چند هفته - یک ماه یا بیشتر - رسانه‌های حالا وابسته به امپراطوری رسانه‌یی خبری - این‌جوری بگویم من - تبلیغ می‌کردند روی این که این بازی، بازی سیاسی است. با این که همه می‌گویند فوتبال و ورزش سیاسی نیست، اما همه تبلیغ می‌کردند که این یک بازی سیاسی است و دو هدف مورد نظر بود. یکی مسأله‌ی تعامل ایرانی، امریکایی در این بازی، یعنی واقعاً این را تبلیغ می‌کردند. من نمی‌دانم شماها چه قدر مطلع بودید، اما ما که در جریان خبرهای خارجی و گفتارهای

رادیه‌های گوناگون دنیا قرار می‌گیریم من می‌دیدم پر است از این مسأله یکی این بود. دوم این که پیش‌بینی‌های عمده بخصوص از طرف خود امریکاییها - ولو صریحاً هم اظهار نمی‌کردند از بیاناتشان معلوم بود - این بود که ایران گل خواهد خورد نه این که گل خواهد زد و در یک موقعیت ویژه‌ی رئیس جمهور امریکا هم می‌آید و از موضع اقتدار و بزرگ‌منشی و بزرگواری یک پیام هم می‌دهد که بله حالا گل را به شما زدیم اما بالاخره بیایید دست دوستی به هم بدهیم و اینها و بنا بود آن شب از تلویزیون سراسری پخش بشود پیام رئیس جمهور امریکا. این گل و بعد دنباله‌ی بازی که بچه‌های عزیزمان ادامه دادند. قضایا را صدو هشتاد درجه تغییر جهت داد و حقیقتاً مظهری شد از وضعیت ملت ایران در مقابل امریکا. اینی که آن جا من تو آن پیام گفتم که مظهر، نخواستیم بگویم این آقا که گل زده، برای خاطر جنبه‌ی سیاسی گل زده، نه؛ ایشان بازی فوتبال می‌کند. ماهر است، با تکنیک آشناست، از حریش قویتر است، گل را زده. هر کس بود این گل را می‌زد. یعنی هر کس هم جای ایشان بود این گل را می‌زد، هر کسی هم جای او بود آن گل را می‌خورد، بحث این نبود که این گل به خاطر مسأله‌ی سیاسی زده شده. اما این گل هویت سیاسی‌یی را که در دنیا داده بودند به کلی به عکس خواست آنها عوض کرد و من از این موقعیت حداکثر استفاده را کردم، آنها هم خیلی عصبانی شدند، بعد هم همه در دنیا - همان امپراطوری خبری - گفتند فلانی فوتبال را سیاسی کرد. خب، گفتند که ما چند هفته است که داریم خودمان سیاسی می‌کنیم و این بود که آن پیام هم به این شکل صادر شد.<sup>۱</sup>

### ۵-۱. ورزش بانوان

زنها هم باید ورزش کنند. گاهی من در همین راه «کلک چال» که از پایین به بالا می‌آیم، یا بعکس به طرف پایین می‌روم، خانمهایی را می‌بینم که با چادر مشکی این راه را طی می‌کنند. با این که قسمتی از این راه، بسیار ناهموار و یا به قول ما مشهدیها قلب است، درعین حال خانمها این راه ناهموار را تحمل می‌کنند و با چادر مشکی می‌آیند. خوب؛ این همت است دیگر. من این طور زنها و همچنین افراد مسنی که این راههای طولانی را طی می‌کنند و می‌روند، بسیار تحسین می‌کنم.<sup>۱</sup>

### ۶-۱. مدیریت ورزش

اگر در عالم ورزش، مسؤولان ورزش به این دو کار بپردازند - یعنی از یک طرف، رسیدن علمی، برنامه‌ریزی دقیق برای ورزش از همه جهت؛ گزینش، تکنیک، کار، تربیت، تمرین و از طرف دیگر، رسیدن به فضای فرهنگی ورزش - من خیال می‌کنم که محیط ورزشی ما پیش خواهد رفت و خیلی هم خوب خواهد شد.<sup>۲</sup>

... اول، برنامه‌ریزی کلان و تصمیم‌گیری اساسی در مورد گزینش ورزشی که باید برای آن سرمایه‌گذاری کرد. بالاخره جامعه‌ی ایرانی اقتضایی دارد، استعدادی دارد. کدام ورزشها باید مورد توجه قرار گیرد؟ و با چه روحیه و پیگیری‌ای؟ در همین خصوص، من یکی، دو سال پیش، با ورزشکاران و مسؤولان ورزش کشور مفصل صحبت کردم. من عقیده‌ام بر این است که اگر ما در این بخش سرمایه‌گذاری کنیم و درست بیندیشیم و تدبیر نماییم،

۱. همان

۲. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.

بلاشک در میدانهای ورزشی دنیا همان اتفاقی خواهد افتاد که در جنگ به وسیلهی بسیجیها و سازمانهای نظامی ما - که از همه‌ی تجهیزات مدرن دنیا تقریباً منقطع بودند - اتفاق افتاد. دیدید که در جنگ چه کردند و چه افتخاری آفریدند! همین الان در ورزش والیبال جانبازان و معلولان، همین اتفاق افتاده است و این برادران مرتب افتخار می‌آفرینند. یا مثلاً در کشتی، خود شما و برادرتان و بعضی از برادران دیگر، واقعا افتخارات بزرگی را به کشور دادید. ما در همه‌ی میداین ورزشی می‌توانیم این‌گونه باشیم. هیچ دلیلی ندارد که ما در فوتبال، یا در والیبال، یا در اسب سواری، یا در بعضی از ورزشهای سنتی خودمان - مثل چوگان - یا در ورزشهای انفرادی رزمی، یا در شنا، نتوانیم به مصاف ورزشکاران برجسته‌ی دنیا برویم. علت این‌که این وضعیت نابسامان فعلی وجود دارد، آن است که بر روی تربیت و پیشرفت و استفاده از تکنیک، برنامه‌ریزی نشده است. این یک اشکال است.<sup>۱</sup>

من به مسؤولین ورزشی توصیه کردم، باز هم توصیه می‌کنم. چندین رشته‌ی ورزشی مناسب را که از نظر منطق ما و فرهنگ ما معنا دارد، مضمون دارد، اینها را انتخاب کنید، روی آن سرمایه‌گذاری کنید. منظورم فقط سرمایه‌گذاری مادی نیست. سرمایه‌گذاری معنوی، یعنی همت به خرج بدهید، تلاش لازم را بکنید، گزینشهای خوب را بکنید تا جوانان ما میدان پیدا کنند در این رشته‌های ورزشی، در دنیا سرآمد بشوند. بعضی از این ورزشها، ورزشهای اصالتاً ایرانی است که از تاریخ ما برای ما به یادگار مانده است، مثل سوارکاری یا چوگان بازی، یا بعضی از همین شاخه‌های ورزش باستانی، بعضی هم

۱. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

ورزشهایی است که از دیگران آموختیم، ولی آنها را می‌پسندیم. مثل این ورزشهای دسته جمعی، یا ورزش‌های رزمی. اینها را گزینش کنند، روی اینها برنامه‌ریزی کنند، همت کنند.<sup>۱</sup>

البته ورزشهای بومی ما، ورزشهایی که مربوط به سابقه و فرهنگ گذشته‌ی ماست متأسفانه مهجور است، و دست خود ما نیست. خیلی هست و من آن‌جا اسم آوردم. چوگان را که خب جزء ورزشهای قدیمی ما است. بعضی از این ورزشهای زورخانه‌یی، ورزشهای خیلی خوبی است؛ می‌تواند اینها در دنیا مطرح بشود. اصلاً می‌توانیم ورزشهایی ابداع بکنیم. خب، یک روز فوتبال در دنیا نبود، به وجود آوردنش. یک روزی بسکتبال نبود، به وجود آوردند. خب، چرا ورزشکاران ایرانی، صاحب نظران ایرانی در ورزش نوآوری نکنند - همان‌طور که الان صحبت نوآوری بود - یکی از میدانهای نوآوری ورزش است. نوآوری کنند، کارهای جدید بکنند. هم در مسائل ورزشی، هم در خود ورزش و در ورزش همگانی... پهلوانها و قهرمانها و متخصصین و فنانین ورزش را توصیه می‌کنم به نوآوری. به جدیت و کوشش در کسب مهارتهای بیشتر و قدرت بدنی بیشتر برای این که در میدانهای بین‌المللی پیش بروند و کسانی را که مسؤولین این مجموعه‌های ورزشی و اینها هستند اینها را هم توصیه می‌کنم به این که هر چه می‌توانند برای ورزشکاران امکان فراهم کنند که این کارها انجام بگیرد.<sup>۲</sup>

۱. در مراسم افتتاحیه مانور فرهنگی ورزشی جانبازان و معلولان کشور، ۱۳۷۶/۶/۱۵.

۲. همان.

## ۲. سفر و برگزاری اردوها

### ۲-۱. سفرهای زیارتی (حج، عتبات، مشهد مقدس و...)

شروع سال جدید در زیر سایه نورانی مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه (علیه آلاف التحية والثناء)، توفیقی برای همه ماست؛ چه مردم عزیز مشهد که در طول سال هم از این نعمت بزرگ برخوردارند و چه زوار مشتاق و علاقه‌مندی که از شهرها و مناطق دیگر عاشقانه تشریف آورده‌اند. حضور در این مرقد مطهر و زیر سایه این پایگاه نورانی، معنوی و الهی، فرصتی است که همه ما بتوانیم به وظایفی که به طور معمول، مخصوص شروع سال است، توجه کنیم. وظایفی که مربوط به مقاطع است و از جمله مقاطع برای همه ملت‌ها و کشورها، مقطع سال است که شمارش تاریخ، زندگی و عمر خود را با حساب آن مقطع انجام می‌دهند.<sup>۱</sup>

خدا را شکرگزارم که این توفیق را نصیب فرمود، تا در این ایام شروع سال جدید هجری شمسی، در سایه‌ی مرقد منور حضرت ثامن الحجج (علیه آلاف التحية والثناء) و در کنار شما مردم مؤمن و مبارز و پیشگام و انقلابی شهر مشهد باشم و در زمره‌ی زوار مشتاق این بزرگوار قرار گیرم. از خداوند متعال خواستارم که ما را همواره در سایه‌ی ولایت و رهبری و محبت این بزرگوار قرار بدهد و کشور ایران عزیز را - که کشور حضرت صاحب‌الزمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) و متعلق به این خاندان عزیز خدا و محبوب نبی‌اکرم می‌باشد - همواره از برکات این بزرگواران مستفیض بفرماید.<sup>۲</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در سخن حضرت امام خمینی .۱۳۷۵/۱/۴

۲. رهبر معظم انقلاب، در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (ع)، ۱۳۶۹/۱/۲.



## ۲-۲. اردوهای راهیان نور

مردم کشور، این سنت بسیار ستودنی را از چند سال پیش در پیش گرفتند که بیابند این مناطق را سالیانه - بخصوص در چنین ایامی در اول سال - زیارت کنند. اینجا زیارتگاه است.<sup>۱</sup>

آنچه مهم است این است که ملت ایران این مقطع تاریخی حساس - مقطع دفاع مقدس - را هرگز فراموش نکند و سالهای پرمحت، ولی پرافتخار دوران جنگ تحمیلی را هرگز از یاد نبرد. این آمدنها، این اظهار ارادتها، این یادبود گرفتنها، کمک میکند به اینکه این یادها در ذهنها زنده بماند. من از این حرکت راهیان نور - که چند سال است بحمدالله روزبه روز هم در کشور توسعه پیدا کرده - بسیار خرسندم و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی میدانم. و معتقدم این مقطع حساس برای ما یک تجربه است. شما جوانهای امروز اگر آن روز هم بودید، توی این میدان، با عزم راسخ حاضر میشدید.<sup>۲</sup> برای من مایه‌ی افتخار و سربلندی است که در این نقطه، در جمع شما راهیان نور و مجموعه‌ی عشاق دل‌باخته‌ی یاد شهیدان حضور داشته باشم. به همه‌ی برادران و خواهران عزیز که در این منطقه سکونت دارند و همین‌طور به شما برادران و خواهران عزیز که از نقاط مختلف کشور برای تکریم شهیدان به این نقطه آمده‌اید، سلام عرض می‌کنم.<sup>۳</sup>

اجتماع عظیمی که در این نقطه‌ی برجسته‌ی تاریخی [ادوکوه] تشکیل شده است، نشانه‌ی بزرگی از قدرشناسی ملت ایران است. از اطراف کشور، مردان، زنان، پیران و جوانان به این نقطه و دیگر نقاطی که در تاریخ جنگ

۱. بیانات در منطقه عملیاتی فتح‌المبین، ۱۳۸۹/۰۱/۱۱.

۲. همان.

۳. رهبر معظم انقلاب، در اجتماع مردم دشت آزادگان، سوسنگرد، بستان، حمیدیه، هویزه و کاروانهای راهیان نور، در دهلاویه، ۱۳۸۵/۱/۵.

تحمیلی، نقاط برجسته و فراموش نشدنی بوده‌اند، شتافته‌اند و در حقیقت، یاد آن جوانان، رزمندگان، دلاوران و مؤمنانی را که کشور و تاریخ و ملت ما همواره مدیون آنهاست، گرامی داشته‌اند. البته لازم است با قلب و زبان از مردم عزیزی که امروز از شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش در این جلسه‌ی بزرگ شرکت کرده‌اند و همچنین از بقیه‌ی هم‌میهنان ایرانی‌مان که از سرتاسر نقاط کشور به این جا آمده‌اند، سپاسگزاری کنم.<sup>۱</sup>

امروز شرکت من در مجموعه‌ی زائران خاک خونین شلمچه، برای بزرگداشت یاد و نام شهیدان عزیز و مردان بزرگی است که با خون خود، با جهاد و همت خود، با عزم و اراده‌ی خود، نام شلمچه و خرمشهر و خوزستان و ایران را در تاریخ، بلند کردند.

ملت ایران در دوره‌ی معاصر، هر چه عظمت و عزت در دنیا دارد، به برکت خون رزمندگانی است که در این سرزمینهای خونین حضور یافتند و جان و سلامت و جوانی خود را برای اسلام، برای ملت و برای میهنشان در طبق اخلاص گذاشتند و تقدیم کردند. ایران، امروز هرچه دارد و در آینده هرچه به دست آورد، به برکت خون این شهیدان است. اگر این شهادتی که شلمچه، یادگار آنها و این بیابانهای خونین، حامل نشانه‌های آنهاست، نبودند، امروز در این کشور، از استقلال ملی، از شرف ملت، از اسلام و از هیچ چیز ایرانی، نشان برجسته‌ای نبود. اینها در مقابل دشمن مهاجمی که بدون کمترین ملاحظه‌ای به مرزهای جغرافیایی و مرزهای ملی و مرزهای اعتقادی حمله کرده بود، ایستادند. من این سرزمین را یک سرزمین مقدس می‌دانم. این جا نقطه‌ای است که ملائکه‌ی الهی که شاهد فداکاری مخلصانه‌ی این شهدای عزیز بودند، به آن تبرک می‌جویند. این جا متعلق به هر کسی است که دلش برای اسلام و برای

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع دهه‌هازار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در یادگان دوکوهه، ۱۳۸۱/۱/۹.

قرآن می‌تپد. این‌جا متعلق به همه‌ی ملت ایران است. دل‌های همه‌ی ملت ایران، متوجه این نقطه، این بیابان و همه‌ی این مناطقی است که شاهد فداکاریهای جوانان بوده است. شما که این‌جا را گرامی می‌دارید، خوب می‌کنید. آمدن شما و احترام به این نقطه، بسیار بجا و بسیار کار صحیحی است. بنده هم خواستم به ارواح طیبه‌ی شهیدان و به نفَس‌های معطر جوانان مؤمن، تبرک بجویم و به این عزیزان احترام کنم؛ لذا آمدم در جمع شما شرکت کردم.<sup>۱</sup>

### ۲-۳. اردوهای جهادی

... سال گذشته ما تجربه‌ی کوچکی کردیم. قبل از تابستان، من از سازمان بسیج سپاه پاسداران و از جهاد سازندگی مشترکاً خواستم برای تابستان جوانان یک برنامه‌ریزی فوری بکنند. خیلی هم نخواستیم به تبلیغات پردازیم و سر و صدای آن را مطرح کنیم. بعد از تابستان، گزارشی که به من دادند، شگفت‌آور بود. نیروهای بسیج با نیروهای جهاد سازندگی - که امسال با وزارت کشاورزی ادغام شدند و وزارت جهاد کشاورزی را به وجود آوردند- همکاری کردند و عنوان آن را «بسیج سازندگی» گذاشتند. از چندی پیش سفارش کردم و الآن هم به این دو سازمان - یعنی جهاد کشاورزی و بسیج- و نیز به آموزش و پرورش از همین‌جا توصیه می‌کنم که برنامه‌ریزی کنند. می‌توانند برای جوانها به میزان زیادی کارهای موقت- حتی در دوره‌ی تابستان- پیدا کنند. زمینه‌ی اشتغال در این کشور زیاد است. همت و تلاش پیگیر مسئولان لازم است تا بتوانند این خیل عظیم جوانان را به کارهای مولد و پیش‌برنده سرگرم و مشغول کند. زندگی مادی و معنوی یک ملت به کار و عمل وابسته است. برنامه‌های خوبی در سال ۷۹- بخصوص در این یکی دو ماه آخر سال-

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار مردم خوزستان و زائران راهیان نور در شلمچه، ۱۳۷۸/۱/۸.

طرّاحی شده و نشستهای خوبی داشته‌اند. بنده هم مؤکداً توصیه کرده‌ام که این مسئله به طور جدّی دنبال شود.<sup>۱</sup>

حرکت عظیم بسیج سازندگی و اردوهای هجرت که به طور رسمی، ده سال است آغاز شده. البته این را من باید اقرار کنم که این کار، اول از خود جوانها شروع شد؛ خود جوانهای دانشجو و دانش‌آموز در بخشهای مختلف، این حرکت را شروع کردند؛ در سال ۷۹ گزارش این حرکت زیبا و پرشکوه به ما رسید و منجر شد به اینکه پیام بسیج سازندگی به قاطبه‌ی جوانان کشور داده شود. یعنی این یک حرکت خودجوش مردمی است؛ درست مثل جهاد سازندگی در آغاز انقلاب. جهاد سازندگی هم همین جور بود؛ اول، خود جوانها شروع کردند، خودشان رفتند توی روستاها مشغول خدمتگزاری شدند در آن اوضاع بسیار دشوار و پیچیده. این حرکت، امام بزرگوار را به فرمان جهاد سازندگی تشویق کرد. کار مردم، الهام‌بخش اقدام مدیران و مسئولان است.<sup>۲</sup> این اردوهای هجرت را قدر بدانید. شما که خودتان محورهای اصلی این حرکت عظیم هستید، این را قدر بدانید؛ از خدای متعال شاکر باشید. مسئولین، دیگران، مدیران و کسانی که دست‌اندرکار امور هستند، آنها هم این حرکت عظیم را قدر بدانند. سال تحصیلی، درس را خوب بخوانید، با تحقیق بخوانید، قصد رسیدن به قله‌های علمی را پیدا کنید. در دوره‌ی فراغت هم ساعات را، روز و شب را، با این حرکت زیبا و باشکوه خدمت به مردم غنی کنید.

این کارِ اردوهای هجرت و حرکت عظیم بسیج سازندگی یکی از برکاتش خدمت‌رسانی است که میلیونها نفر از این خدمت شما به صورت مستقیم بهره‌مند میشوند. از لحاظ مادی، از لحاظ امور روزمره‌ی زندگی، از لحاظ

۱. رهبر معظم انقلاب، در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا (ع)، ۱۳۸۰/۱/۱.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار جهادگران بسیج سازندگی، ۱۳۸۹/۶/۳۱.

معنوی و هدایت، بهره‌مند میشوند. شما اگر درس قرآن هم آنجا ندهید، خود حضور یک جوان مؤمن و متدین و متشرع در یک مجموعه‌ی روستائی، در بین جوانان، در بین مردم، مظهر مجسم آیه‌ی قرآن است؛ آنها را به دین، به انقلاب، به معنویت، سوق میدهد. «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اُلْسِنَتِكُمْ»<sup>۱</sup> شما با عمل خودتان مردم را به ایمان، به اسلام، به دین دعوت میکنید. این خدمت‌رسانی است؛ خدمت‌رسانی مادی و خدمت‌رسانی معنوی.

از این مهم‌تر، خدمتی است که شما به خودتان میکنید؛ استعدادهای درونی خودتان را فعال میکنید؛ به بالقوه‌هایی که در وجود شما هست، فعلیت میبخشید؛ تجربه پیدا میکنید؛ با زندگی مردم آشنا میشوید؛ این حصارهای طبقاتی شکسته میشود؛ واقعیت‌های زندگی را لمس میکنید؛ در خودتان شعف و بهجت خدمت‌رسانی را احساس میکنید و این احساس را در وجود خودتان زنده میکنید. کسی که لذت خدمت و کار را بچشد، از کار خسته نمیشود. همان طور که در گزارشها برادران عزیز گفتند، من هم قبلاً در گزارشها خوانده‌ام؛ جوانی که این لذت را در وجود خودش کشف کرد، از خدمت خسته نمیشود؛ این هم فایده‌ی دوم که فایده‌ی بسیار بزرگی است.

فایده‌ی سوم این است که شما سفیران کار و تلاش خواهید شد. وقتی شما در یک محیطی حاضر میشوید؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار میشوید، جوانی که در آنجاست، از شما الهام میگیرد و شما میشوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»<sup>۲</sup> شما دلها را زنده میکنید؛ فایده‌ی بزرگی است. فواید فراوانی در این کار هست. این جریان عظیم را حفظ کنید.<sup>۳</sup>

۱ شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸.

۲. هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. (مانده، ۳۲).

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار جهادگران بسیج سازندگی، ۱۳۸۹/۶/۳۱.



### ۱. جایگاه رسانه در دنیای امروز

امروز مهمترین ابزار جنگ بین قدرتها در دنیا رسانه است و امروز حتی قدرتهای بزرگ هم با رسانهها دارند کار می کنند. امروز تأثیر رسانهها و تلویزیونها و هنرها و این شبکه های عظیم اطلاع رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است.<sup>۱</sup>

امروز رسانهها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسانها را القاء می کنند و تعیین کننده هستند. رسانهها می توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسانها مؤثر باشند و می توانند انسانها را خوشبخت تر کنند؛ متقابلاً می توانند وسیله ی برافروختن جنگهای خانمان سوز باشند؛ می توانند عادات و آداب و رفتارهای مضر را در میان مردم رایج کنند؛ می توانند ملت هایی را از هویت انسانی خودشان و هویت ملی شان تهی کنند و می توانند احساس تبعیض را در انسانها زنده کنند. رسانهها امروز نقش شان خیلی زیاد است. اگر در سطح بین المللی مدیریت و

۱. بیانات در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸.

برنامه‌سازی رسانه‌ای بر اساس معیارهای اخلاق، فضیلت، برابری و تکیه‌ی بر مفاهیم واقعی انسانی باشد، ملتها سود خواهند برد. اگر رسانه‌ها برنامه‌سازی و مدیریتهشان بر اساس منافع کمپانیهای اقتصادی، ثروتمندان بین‌المللی، قدرتمندان تمامیت‌خواه و انحصارطلب باشد، یقیناً بشر زیان خواهد کرد.<sup>۱</sup>

رسانه‌های جمعی در همه جای دنیا، یکی از حساسترین مراکز است؛ مخصوص ایران نیست. دلیل آن هم واضح است؛ زیرا همه چیز یک دستگاه تبلیغاتی و یک وسیله‌ی عمومی مثل صدا و سیما - خوبی و بدی آن، کاری که در آن انجام گرفته باشد و تلاشی که شما انجام می‌دهید - هر لحظه جلوی چشم مردم است. این طور نیست که شما امروز کاری را در صدا و سیما انجام بدهید و اثرش مشهود نباشد. نه، هر کاری که در صدا و سیما انجام بگیرد، آثارش خیلی زود مشاهده می‌شود. البته برنامه‌های بلندمدت هم هست؛ مثل همین تربیت عناصر کارآمد که نتایج آن را بعدها انسان می‌بیند؛ لیکن آن خارج از اداره‌ی روزمره‌ی این تشکیلات است.<sup>۲</sup>

رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گفتگوی آزاد و دوجانبه و چندجانبه‌ی بین ملتها باشند. این یکی از بزرگ‌ترین امتیازات رسانه‌های عمومی و فراگیر است. رسانه‌ها می‌توانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملتها را میان یکدیگر تبادل کنند و دادوستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ این مسئله‌ی بسیار ارزشمندی است. می‌توانند سطح آگاهی و معرفت مردم را ارتقاء دهند. اگر رسانه‌ها در دنیا عادلانه اداره شوند، جاده‌ی رسانه‌ای، یک جاده‌ی یک‌طرفه نباشد، ملتها به معنای حقیقی کلمه، حرف یکدیگر را گوش کنند و مفاهیم محترم در نزد یکدیگر را بشناسند، این به نزدیکی ملتها کمک خواهد کرد.<sup>۳</sup>

۱. دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ی کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۰۲/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با مسؤولان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۵/۷.

۳. دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ی کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۰۲/۲۶.



دانشی که این رسانه‌های روان و آسان و سریع را در اختیار بشر گذاشته، باید بتواند بشر را خوشبخت کند. این خوشبختی به این صورت انجام می‌گیرد که ملتها بتوانند به‌روشنی از مفاهیم موردنظر یکدیگر مطلع شوند؛ بتوانند حرف و درد یکدیگر را بفهمند؛ انگیزه‌های یکدیگر را بفهمند و تشخیص دهند. شما ببینید اگر امروز مثلاً ملت امریکا نظر ملت ایران را در مورد مسائل مهم مطرح امروز جهانی بدانند، چه اتفاقی می‌افتد؛ در مورد مسئله‌ی حقوق بشر، مسئله‌ی مردم‌سالاری دینی - که شعار ماست - حرف ایران در زمینه‌ی مردم‌سالاری دینی، حرف ملت ایران در زمینه‌ی نقش دین در زندگی مردم و تأثیری که دین می‌تواند بگذارد، نقش زن در زندگی اجتماعی و نگاه اسلام به زن؛ فرض کنید ملت امریکا یا ملتهای اروپایی، اینها را از زبان خود ملت ایران بشنوند - که اینها را گمان می‌کنم شماها هم که اصحاب رسانه هستید، نشنیده‌اید، چه برسد شهروندان معمولی کشورهای غربی - در آن صورت، اتفاقات مهمی در دنیا رخ خواهد داد؛ بسیاری از سوءتفاهمها از بین خواهد رفت؛ بسیاری از گره‌های ملتها باز خواهد شد و گستره‌ی تصمیم‌گیریهایی سیاستمداران و قدرتمندان بر اساس منافع امپراطوریهایی پولی و مالی در دنیا محدود خواهد شد. امروز سیاستمداران و قدرتمندان دنیا از ناآگاهی ملتهای خودشان استفاده می‌کنند و بسیاری از حرفها و کارها را در سطح دنیا به نام ملتها انجام می‌دهند. ممکن است اگر حقیقت را ملتها بدانند، به این کارها راضی نباشند و به این همکاریها تن ندهند و این دولتها را قبول نکنند. رسانه‌ها می‌توانند چنین نقشی داشته باشند و می‌توانند به معنای حقیقی کلمه، به خوشبختی انسانها کمک کنند.<sup>۱</sup>

من اگر یک نگاهی به وضع رسانه‌های دنیا بکنم، نگاه من به وضع کنونی رسانه در دنیا، یک نگاه خوش‌بینانه‌ای نیست؛ این را باید به شما مدیران و برنامه‌سازان بگویم. آنچه را که رئیس محترم این اتحادیه از لحاظ پیشرفت‌ها و اینها بیان کردند، اینها را من رد نمی‌کنم، وجود دارد؛ لیکن نگاه به وضع رسانه‌ای در دنیا، یک نگاه امیدوارکننده، دلگرم‌کننده و راضی‌کننده نیست. امروز جاده‌ی رسانه‌ای و ارتباطات، یک جاده‌ی دو جانبه و چندجانبه نیست؛ یک جاده‌ی یک‌طرفه است؛ یعنی باید گفت آنچه را که صاحبان قدرت رسانه‌ای و امپراطوری رسانه‌ای می‌پسندند، با استفاده از علم و فناوری پیشرفته، به زوایای دنیا منتشر و منعکس می‌کنند. آنچه آنها می‌پسندند، چیست؟ آن مفاهیمی که آنها می‌خواهند منتشر کنند، چیست؟ آیا یک مفاهیم انسانی است؟ آیا برخاسته‌ی از حس فضیلت‌طلبی است؟ آیا واقعاً در آن، عدالت انسانی وجود دارد؟ چنین چیزی را ما مطلقاً احساس نمی‌کنیم. امروز امپراطوری خبری و رسانه‌ای دنیا، تقریباً به طور کامل و نزدیک کامل، در انحصار کسانی است که آنها برای دنیا فضیلت اخلاقی، دین، ایمان، معنویت و صلح را نمی‌خواهند. همان کسانی بیشترین تسلط را بر رسانه‌های دنیا دارند که بزرگ‌ترین کارخانه‌های اسلحه‌سازی را دارا هستند؛ منهدم‌کننده‌ترین و ویران‌گرترین بمب‌های اتمی در اختیار آنهاست یا مرتبط با آنهاست؛ سیاست‌های سلطه‌جویانه جزو کارهای روزمره و دائمی آنهاست. رسانه‌ها بیشتر در اختیار اینهاست.

البته امروز با پنجاه سال و بیست سال پیش تفاوت کرده است؛ ملت‌ها و کشورهای مستقل، به رسانه‌هایی دسترسی پیدا کرده‌اند؛ تا حدودی کار خودشان را می‌کنند؛ اما همچنان بین آن چیزی که هست و آن چیزی که

باید باشد، فاصله‌ی زیادی هست؛ یعنی همان جاده‌ی دوطرفه و چندطرفه که بتواند باطن ملت‌ها و مفاهیم محترم در چشم ملت‌ها را به درستی به یکدیگر منتقل کند.<sup>۱</sup>

## ۲. رادیو و تلویزیون

در این وضعیت، رسانه‌ی ملی چه جایگاهی دارد؟ ببینید نقش رسانه‌ی ملی در چنین وضعیتی چقدر اهمیت پیدا می‌کند. آن روز بنده در آن جلسه گفتم، شماها هم خودتان بهتر از من می‌دانید؛ امروز جنگ دنیا، جنگ رسانه‌هاست. پیشرفت کارها و سیاست‌های بین‌المللی دستگاه‌های مختلف و جبهه‌های گوناگون، به‌وسیله‌ی تبلیغ، خبرسازی، مفهوم‌سازی و تبیین‌های درست و نادرست - یعنی راست و دروغ - دارد انجام می‌گیرد. تبلیغات، هم قبل از یک حرکت نظامی و اقتصادی، هم در اثنای آن، هم بعد از آن، نیاز وافر دستگاه‌هایی است که می‌خواهند در دنیا فعال باشند؛ لذا سرمایه‌گذاری هم می‌کنند، فکر هم مصرف می‌کنند و دانش هم به کار می‌برند، برای این که بتوانند این را گسترش دهند.

یکی از کارهای بسیار مهمی که امروز در دستور کار آنهاست، تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی به کشور ماست. امروز این تهاجم، اوج تهاجم فرهنگی است. البته مخصوص کشور ما نیست؛ در همه جا اینها دارند کار فرهنگی می‌کنند؛ منتها ما آماج هدف آنها هستیم. بسیاری از هدف‌های استکبار جهانی در زمینه‌های تبلیغی و فرهنگی و رسانه‌یی متوجه به ماست؛ ما باید در مقابل اینها خود را مجهز کنیم.<sup>۲</sup>

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶.

۲. در دیدار رئیس و مدیران صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.

امروز صدا و سیما نقش بسیار مهم و همچنین تکلیف بزرگی دارد... ما صدا و سیما را عمده‌ترین مرکز هدایت فکری میدانیم. اینکه امام گفتند دانشگاه بزرگ کشور است، نخواستند تعارف کنند؛ حقیقتاً همین جور است؛ یک دانشگاه بزرگ است. ما می‌خواهیم از این قله، از این سرچشمه، زلال معارف درست الهی و انسانی و سیاسی و درسهای گوناگون زندگی به سمت مردم سرازیر شود؛ این آن انتظار ماست از صدا و سیما. خوب، حالا شما ببینید در این عرصه چه کار می‌خواهید بکنید.<sup>۱</sup>

آن دستگاهی که در دستان هنرمند و با قدرت شماسست و زیر نظر مسئول و صاحب‌تان قرار دارد - یعنی دستگاه صدا و سیما - دستگاه بسیار حساسی است؛ شوخی نیست.<sup>۲</sup>

صدا و سیما نه وسیله‌ای صرفاً برای سرگرمی یا خبررسانی که مدرسه‌ی عمومی برای همه‌ی قشرها در سراسر کشور است و برنامه‌هایی که از آن پخش می‌شود چه مثبت و چه منفی، آثاری عمیق در روحیه و فکر و رفتار و فرهنگ و بینش مخاطبان خود بر جای می‌گذارد. وظیفه‌ی گردانندگان این رسانه‌ی سراسری از این رو بسیار خطیر و سنگین است. اندکی غفلت از گردش امور و بی‌توجهی به تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در، آن‌گاه آثار بی‌جبرانی بر جای می‌گذارد. پخش برنامه‌های هنری و فیلمها و گزارشهایی که جوانان و کودکان را به رفتار سالم و اندیشه‌ی درست رهنمون می‌شود و دین‌داری و تعهد و انضباط و محبت و تعاون و حضور در صحنه‌های انقلابی و سیاسی را به آنان می‌آموزد، و عشق به فرهنگ و میهن و مردم خویش را در آنان پدید می‌آورد، کاری درخشان و حسنه‌ای ماندگار است و کشور را در برابر امواج تهاجم فکری و فرهنگی و تبلیغاتی بیمه می‌کند.

۱. بیانات در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما، ۱۳۸۹/۴/۱۲.

۲. در دیدار با مسئولان صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۵/۷.

و در نقطه‌ی مقابل، پراکندن فیلمها و سریالها و برنامه‌هایی که آنان را مجذوب خواسته‌های غلط و انحرافی می‌سازد یا به بی‌بندوباری و معاشرتهای نامشروع یا خشونت‌های خونین که امروز آفت جوامع غربی بخصوص آمریکا است می‌کشاند و در رفتار و پوشش و معاشرت و آرمان‌گزینی، مقلد بیگانگان بار می‌آورد، یا حقایق گذشته و حال کشور را واژگونه می‌نماید و مخاطبان را به یأس از خود، و فریفتگی به بیگانه یا به سرگرمی‌ها و عاداتهای ناسالم و مهلک یا به اسراف سوق می‌دهد، لطمه‌یی است که به آسانی قابل جبران نیست و وزر و وبال آن گریبان‌گیر همه خواهد شد. درسهای مفید و مضر این رسانه‌ی بزرگ، بر روی میلیونها مخاطب در سراسر کشور خواسته یا ناخواسته اثر می‌گذارد و نتایج آن با همین نسبت قابل سنجش و در دیوان الهی مورد محاسبه است.<sup>۱</sup>

علت اینکه من می‌گویم آماده هستم و حوصله دارم از شماها بشنوم، این است که به نظر من تلویزیون، صدا و سیما و بخصوص بخش هنر نمایشی - بخش سریال و فیلم - امروز برای ما از همیشه مهمتر است. من به هیچ وجه یک نگاه مسامحی و گذرا و باری به هر جهتی نسبت به تلویزیون ندارم. هنرهای نمایشی خیلی مهمند؛ ابعاد تأثیرگذاری و فرهنگ‌سازی هنرهای نمایشی خیلی وسیع است و امروز ما به عنوان یک ملتی که چون زنده است، چون حرف دارد، چون احساس هویت و وجود میکند، پس دشمنهای بزرگی هم دارد، مواجهیم با دشمنی‌هایی از راه‌های مختلف، به شیوه‌های مختلف و از جمله به شیوه‌ی استفاده‌های هنری و بیش از همه، هنر نمایش. این نشان میدهد که ما به عنوان یک ملت زنده، به عنوان یک مجموعه‌ای که در دنیا

۱. حکم انتصاب مجدد آقای دکتر علی لاریجانی به ریاست سازمان صدا و سیما، ۱۳۷۸/۰۳/۰۵.

حرفی برای گفتن داریم و هدفی داریم، چقدر باید روی مسئله‌ی هنرهای نمایشی اهتمام بورزیم و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی کنیم. لذا من حقیقتاً به این موضوع اهمیت میدهم.<sup>۱</sup>

شماها که به اصطلاح این سربندهای کار صدا و سیما را در دست دارید، باید این را بدانید - و البته هم می‌دانید؛ من هم تأکید می‌کنم - که اصلاً رادیو و تلویزیون برای ساختن انسانِ باب اسلام و انقلاب است؛ غیر از این نیست. هیچ هدفی فراتر و بالاتر از این هدف وجود ندارد؛ اهداف دیگر در دل این هدف است. ما می‌خواهیم روی مخاطب خودمان اثر بگذاریم. شما در دنیا صدا و سیمایی را پیدا نمی‌کنید که چیزی را بیان کنند، فقط برای این که وقتی را پُر کرده باشند. البته در دنیا تلویزیونهای تجاری هستند که به خانه‌های مردم کانال کشی می‌کنند و فیلمهایی را نشان می‌دهند و مشتری جمع می‌کنند و پول می‌گیرند؛ اما فقط برای وقت گذراندن است؛ لیکن دستگاههای رادیو و تلویزیون دولتی، قاعدتاً هدفهایی را پشت سر برنامه‌های خودشان دارند. حتی اگر وقت را به ضایع کردن هم پُر کنند، این ضایع کردن، فلسفه‌ی دنبالش هست؛ یعنی هدفی را دنبال می‌کنند.<sup>۲</sup>

شما به سطح معارف اسلامی کنونی کشور نگاه کنید؛ رادیو باید آن عالیترین و بهترین سطح را ارائه بدهد. مثلاً فرض بفرمایید ما در عالم منبر، دیگر از آقای فلسفی منبریِ بهتری نداریم. آقای فلسفی با این که مرد هشتاد و چندساله‌یی است، اما هنوز منبریِ درجه‌ی یک ایران است. شما ببینید آقای فلسفی در هنر گویندگی چه می‌کند؛ شما باید از او بهتر باشید، یا حداقل مثل او باشید. یا فرض بفرمایید از لحاظ معارف عقلانی و فلسفی اسلامی، ما امروز چه کسی

۱. بیانات در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما، ۱۳۸۹/۴/۱۲.

۲. در دیدار با اعضای «گروه اجتماعی» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.

را داریم؟ مثلاً آقای مصباح و آقای جوادی آملی را در قم داریم. آنچه که شما ارائه می‌دهید، باید از سطح اینها کمتر نباشد. درباره‌ی زندگی ائمه - که یک بخش عمده از کار شماهاست - در جامعه‌ی ما آن سطح بالا کجاست؟ آن را پیدا کنید، عرضه کنید و سعی کنید بر آن چیزی بیفزایید.<sup>۱</sup>

رادیو یک دستگاه ویژه است؛ یعنی واقعاً در کشور، هیچ رسانه‌یی - حتی تلویزیون، روزنامه، کتاب و سینما - وجود ندارد که این برد و این گسترش و این نفوذ را حتی در صندوقخانه‌های مردم داشته باشد. من خیلی از اوقات همراه خودم رادیو می‌برم؛ مثلاً صبحها که برای قدم زدن یا ورزش کردن به گوشه‌یی از این شهر می‌روم، این رادیو هم همراهم هست؛ از هیچ چیز دیگر نمی‌شود این‌طور استفاده کرد؛ از قبیل من هزاران نفر هستند. به قول مرحوم آل‌احمد که می‌گفت آن کشاورز ما هم به شاخ گاویش یک ترانزیستور آویزان کرده است! بنابراین، رادیو خیلی حساس است؛ بخصوص که بعضی از برنامه‌های شما، برنامه‌های مستقیم است؛ یعنی برنامه‌هایی است که دیگر شما باید و هنرتان و هر کاری که بتوانید بکنید؛ این شما باید و این هم میدان؛ یا علی مدد! هر کار کردید، کرده‌اید؛ هیچ ادیتوری، هیچ تنظیم کننده‌یی، هیچ کنترل کننده‌یی هم وجود ندارد؛ شما هستید و دارید می‌گویید و در سطح میلیونی کشور و دنیا - مستقیم، کشور؛ غیرمستقیم، دنیا - پخش می‌شود؛ لذاست که بسیار بسیار حساس است.<sup>۲</sup>

اول بایستی این فهرست را شناخت؛ این پیامها را بایستی شناخت؛ باید ببینیم ما چی باید به ذهن مردم منتقل کنیم... بعد که شناخته شد، باید تولید بشود این پیامها. حالا بالاخره تولید کلام و تصویر و عرض کنم که فضا و محیطی

۱. در دیدار با اعضای «گروه ویژه» و «گروه معارف اسلامی» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳/۱۲/۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با اعضای «گروه اجتماعی» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۲۹/۱۱/۱۳۷۰.

که بشود آن پیام را القاء کرد، تولید این یکی از آن مهم‌ترین کارهایی است که امروز هنر تبلیغ و هنر پیام‌رسانی، به او متکی است؛ باید تولید کرد اینها را. اگر چنانچه در تولید، پیمان بلندگد یا بلغزد، اشتباه بکنیم یا کوتاهی بکنیم، حتماً ضربه را خورده‌ایم.<sup>۱</sup>

حالا بعد از آنیکه این پیامها تولید شد، باید اینها را مدیریت کرد. چون یک مجموعه‌ی کالای مطلوب، آن وقتی به نتیجه‌ی درست می‌رسد و به سرمنزل حقیقی و صحیح خودش که باید برسد، خواهد رسید که یک مدیریتی بالا سرش باشد؛ کجا این پیام باید داده باشد، به چه اندازه باید داده بشود، به هنگام باشد، عرض کنم که با زبان مناسب باشد، تلفیق اینها با همدیگر قابل قبول باشد، در قالبهای گوناگون. ما بارها در ملاقات با دستان صدا و سیما - شاید جمعی از شماها هم بوده‌اید قبلها - راجع به این که فضای پیامها فضای اعصاب خردکن و تشنج‌آور برای ذهن و اعصاب مردم نباشد. خب حالا یک مقداری به مسائل تفریحی یا به قول شما طنز، پرداخته‌اید و خب فکاهیات و مثلاً اینها و سرگرم کننده و فیلمهای هنری و اینها بحمدالله در این سالهای اخیر تولید شده. خب این کار درستی است؛ همینچور بایستی حرکت کرد. این، مدیریت لازم دارد؛ که ما بدانیم این پیامی که حالا تولید شده و از ما از لحاظ اصل پیام و تحکیم و شناسایی و تدوین این پیام مشکلی نداریم، حالا این را چجوری تقسیم کنیم، چجوری توزیع کنیم، چجوری عرض کنیم که پخش کنیم؛ مدیریت صحیح لازم دارد. وقتی اینها انجام گرفت، آن وقت افکار عمومی در اختیار شما قرار می‌گیرد؛ یعنی شما می‌توانید افکار عمومی را مدیریت کنید؛ وقتی این کارها انجام گرفت، افکار عمومی در اختیار شماست. دشمن می‌خواهد افکار عمومی را در اختیار بگیرد؛ افکار عمومی ملت خودتان را، یا



تا هر جایی که صدای شما می‌رسد. شما ببینید امروز حادثه‌یی مثل حادثه‌ی فلسطین که دیگر جبهه‌ی حق و باطل در آنجا خیلی قابل اشتباه نیست دیگر، معلوم است؛ یک ملتی سرزمین آباء اجدادیشان است، استخوانهای اجدادشان توی این زمین دفن شده، همه‌ی تاریخ می‌گوید که اینجا مال اینهاست. اینها را از خاک خودشان، از زندگی خودشان، از خانه‌ی خودشان محروم کردند، از حق انتخاب در کشور خودشان محروم کردند، یک عده بیگانه را از اروپا و اروپای شرقی و از روسیه و از امریکا و از جاهای دیگر جمع کرده‌اند اینجا، گفته‌اند حالا شما اینجا را اداره کنید. خب این خود همین اندازه اگر هیچ عامل دیگری هم در این بین نبود، نشان می‌داد که حق کجاست، باطل کجاست. چه برسد به این که آن گروه بیگانه‌ی متصرف اشغالگر با انواع و اقسام روشهای خشونت‌بار سبع‌وار، دارند آن جمعی را که صاحب آن سرزمین هستند نابود می‌کنند دیگر؛ یعنی می‌زنند، می‌کوبند، می‌کشند؛ کارهایی که می‌بینید دیگر. دیگر حق و باطل از این منحارتر، از این متمایزتر؟! همین را در افکار عمومی دنیا شما ببینید جماعت طرفدار حضور اسرائیل در این منطقه مثل امریکا و مثل خود صهیونیستها و مثل بعضی دولتهای دیگر چجوری عوض کرده‌اند. یعنی افکار عمومی را به جوری تغییر داده‌اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمی انجام نگیرد؛ این است. والا اگر این تبلیغات نبود، خب ملت‌های دنیا ولو هیچ رابطه‌یی هم با فلسطین نداشتند، روزی نبود که یک تظاهراتی به نفع مردم فلسطین راه نیندازند، یک اعتراضی نکنند، دولتها را زیر فشار قرار ندهند دولتهای خودشان را برای موضع‌گیری؛ اصلاً صحنه‌ی سیاست دنیا عوض می‌شد. اینها افکار عمومی را تصرف کردند، هدایت کردند، همانجوری که خودشان خواستند (به خاطر

رعایت همان ترتیب منطقی کار رسانه‌یی) این دروغ بزرگ را در ذهن مردم جا انداختند. اگر ما بتوانیم یک کار رسانه‌یی درست انجام بدهیم، می‌توانیم این صحنه‌ی باطل را تا حدودی لاقط، تبدیل کنیم به صحنه‌ی حق. یعنی واقعاً در افکار عمومی دنیا کار را به جوری پیش ببریم که به‌عکس بشود قضیه؛ یعنی مسأله این جور نباشد. ما در این زمینه بنا بر این ضعیف هستیم. «ما» که می‌گوییم، یعنی جبهه‌ی حق. حالا این در مورد افکار عمومی داخل کشور هم عیناً همین مسأله وجود دارد.

اگر ما توانستیم پیامهایی را که باید به ذهن مردم منتقل بشود، اینها را درست بشناسیم، سپس اینها را تولید کنیم، سپس با مدیریت صحیح اینها را توزیع کنیم و پخش کنیم، آن وقت [افکار عمومی در اختیار ماست؛ در اختیار آن جمعی است که این کار بزرگ را انجام می‌دهند. آنی که ما انتظار داریم و توقع داریم، این است. آن وقت با این دید که نگاه می‌کنیم، همه‌ی بخشهای صدا و سیما اعضای مختلفی هستند که کارهای گوناگونی انجام می‌دهند، اما همه به این هدف منتهی می‌شود. یعنی دیگر رادیو، با تلویزیون، با بخش فنی، با بخش تحقیقاتی، با کارهای جانبی، با کار بین‌المللی، با همدیگر هیچگونه تفاوتی دیگه ندارد؛ همه دارند تلاش می‌کنند برای این که این مقصود محقق بشود؛ یعنی این پیامها تولید بشود و به شکل صحیحی توزیع بشود. رادیو کار خودش را می‌کند، یک بخشی از کار را به عهده می‌گیرد؛ بخشهای مختلف رادیو هر کدام بخشهایی از کار را به عهده می‌گیرند؛ تلویزیون بخشهایی از کار را به عهده می‌گیرد؛ برنامه‌ی طنز یک بخش از کار را به عهده می‌گیرد؛ برنامه‌ی میزگرد صرفاً علمی یک بخش از کار را به عهده می‌گیرد؛ برنامه‌ی فیلمهای خارجی حتی یک بخشی از کار را به عهده می‌گیرند؛ یعنی شما

مجموعه را جوری انتخاب می‌کنید] وقتی این مدیریت هست، مجموعه را جوری انتخاب می‌کنید که همه‌ی اجزاء این صحنه‌ی عظیم صدا و سیما، این میدان بزرگ صدا و سیما متوجه همان هدف باشند؛ یعنی برآیند همه‌ی کارها همان هدف بزرگ است، که انتقال این پیامهای صحیح به ذهن مردم بوده.<sup>۱</sup>

تبلیغات دشمن، بسیار مهم است. نگاه نکنید که ملت ایران، عکس هرچه دشمنان می‌گویند، عمل می‌کند. در دنیا این‌طور نیست. مردم عادی ملت‌ها، تحت تأثیر حرفهای رادیوها قرار می‌گیرند. اینها معتقدند که می‌شود یک نظام را با رادیو سرنگون کرد و یک نظام را با رادیو بر سر کار آورد! معتقدند با رادیو و با تبلیغات می‌شود کاری کرد که آحاد ملتی بر سر یک آدم خوب بریزند و تکه‌تکه‌اش کنند و می‌شود یک انسان ناشایسته را بر سر کار آورد! تبلیغاتچیهای دنیا چنین اعتقادی به تبلیغات و زبان و رادیو و تلویزیون دارند. البته اینها درست فهمیده‌اند؛ جایی که ایمان و آگاهی نباشد، همین‌طور است. اینها در دنیا به وسیله‌ی رادیو و تلویزیون، بسیار کارها کرده‌اند، ولی در ایران نتوانسته‌اند هیچ غلطی بکنند؛ به خاطر این که مردم، مؤمن بوده‌اند.<sup>۲</sup>

از طرفی یک شبکه‌ی جنگ روانی علیه ایران و نظام اسلامی در سطح تبلیغات جهانی به وجود آوردند، غیر از رادیوهای معمولی که علیه نظام اسلامی دائماً حرف می‌زدند - مثل رادیوی امریکا، رادیوی صهیونیستی، رادیوی انگلیس - یک رادیو، امریکائیها مخصوص حمله‌ی به نظام اسلامی درست کردند؛ اسمش را هم گذاشتند: «رادیوی آزادی»! بودجه‌ی کلانی هم، بودجه‌ی کلانی هم برای این رادیو کنار گذاشتند، اعلان کردند. صد میلیون دلار، یا

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد (ع) و در آستانه‌ی میلاد با برکت حضرت علی، ۱۳۷۳/۹/۲۳.

چیزی در این حدود برای این رادیو، بخصوص، گذاشتند کنار. زحمات زیادی هم کشیدند؛ با آن کشور اروپایی که قبول نمی‌کرد که این رادیو در آنجا مستقر باشد کلنجار رفتند، فشار آوردند، تا وادار کردند که این رادیو در اروپا یک مرکز فرستنده‌یی داشته باشد. بعد هم صریحاً گفتند - این دیگر تحلیل نیست - گفتند که این رادیو هدفش برخورد با خط فلانی است در ایران، ما می‌خواهیم با این خط مبارزه کنیم؛ این را آن کسانی که گردانندگان رادیو بودند این را گفتند، به زبان آوردند و ثبت شد؛ بنده خودم هم این را شنیدم. خب، یک شبکه‌ی جنگ روانی، شما ببینید، یکی از چیزهایی که یک ملت را، یک کشور را، یک آدم را، یک فامیل را همیشه مورد آزار می‌تواند قرار بدهد شایعه پراکنی است. خب، قدیم شایعه پراکنی را چه جوری می‌کردند؟ یک نفر، پنج نفر، ده نفر می‌افتادند توی مردم، شایعه پخش می‌کردند. حال شایعه پراکنی به وسیله‌ی رادیو انجام می‌گیرد. یک رادیویی یک خبری را جعل می‌کند، یک خبری را تحریف می‌کند، یک چیز کوچک را بزرگ می‌کند، یک امر مهم را پنهان می‌کند، این می‌شود شایعه پراکنی؛ شروع کردند به یک شایعه پراکنی بسیار پر حجمی علیه نظام اسلامی، از حدود یک سال، یک سال و نیم قبل؛ بیش از آن چه که در گذشته بود. در گذشته هم بود البته، در طول این بیست سال همیشه بوده است، اما آن چه که در این مدت بود خیلی پر حجم تر بود؛ این از یک طرف<sup>۱</sup>.

### ۳. ماهواره

عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می‌کنند، نوار بد درست می‌کنند، حرفهای بد درست می‌کنند، شعر بد می‌گویند، داستان بد می‌نویسند و این

۱. خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۵/۸.

همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادی پخش و منتشر می‌کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می‌دهند. این مورد اخیر - ماهواره - واقعا گنداب فسادی است که تیره‌های زهرآگین خود را به سمت ملتها و کشورها هدفگیری می‌کند.<sup>۱</sup>

البته مسأله‌ی ماهواره جزو مسائل اصلی کشور نیست؛ بلکه یک مسأله‌ی موسمی، اما مؤثر و حساس است. گاهی بعضی از مسائل، خیلی بنیانی‌اند؛ هرچند در زندگی مردم بروز و ظهور و تأثیر عاجلی ندارند. اما بعضی مسائل، آن قدر هم بنیانی نیستند؛ بلکه مسائل سطحی‌اند. مسأله‌ی ماهواره، مسأله‌ای سطحی است؛ اما تأثیرات زیاد و مخربی دارد.<sup>۲</sup>

امروز سلطه‌گران در همه جای دنیا - هر جایی به تناسب - در فکر سلطه‌ی فرهنگیند؛ یک نمونه‌اش هم همین ماهواره است که حالا باز هم می‌بینم بحث ماهواره را مطرح کرده‌اند. این منطق درست نیست که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فنآوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از حالا جلوییش را باز کنیم! این منطق، منطق صحیحی نیست. آن کسی که این منطق را مطرح می‌کند، باید بگوید برای جلوگیری از آن، چه کار تازه‌ای باید کرد. این منطق و استدلال، این گونه باید نتیجه بدهد. البته دشمن فنآوری را پیشرفته می‌کند. در مقابل، شما باید فکر کنید که با تطور و پیشرفت فنآوری ماهواره، چه کارهایی را می‌توانید انجام دهید تا از نفوذ ماهواره جلوگیری کنید. اما این استدلال، که چون دشمن پیشرفت می‌کند، پس ما بیاییم هر مانعی را از جلو راهش برداریم، منطقی نیست. این مانع، علی‌العجاله مانع است. مثل این است که

۱. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی «ماه محرم»، ۱۳۷۵/۲/۲۶.

۲. بیانات در دیدار «نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی»، ۱۳۷۴/۳/۸.

دشمن تا مرزهای ما پیش آمده، آن وقت بگوییم، ما که نمی‌توانیم بیشتر از دو ساعت مقاومت کنیم، پس برویم! نه آقا! این دو ساعت را مقاومت کنید، شاید پیروز شدید. این چه حرفی است؟! قانون ممنوعیت ماهواره - که مجلس شورای اسلامی، چند سال قبل از این، آن را تصویب کرد - یک قانون کاملا درست و بجا بود. حداقلش این است شما توانسته‌اید چند سال این نفوذ را به عقب بیندازید و ان شاء الله باز هم خواهید توانست.<sup>۱</sup>

همین صهیونیستها، با پولهای گزاف و با میلیاردها دلار در سال، از طریق رادیو و تلویزیون به آموزش فساد می‌پردازند. رادیو تلویزیون در کشورهای وابسته که حکام فاسد استعماری در رأس آنها قرار دارند، در حال آموزش غفلت و بی‌خیالی و شهوترانی و عیاشی و میگساری به مردم است. اگر اینها را به مردمشان آموزش ندهند و مردم با همان فرهنگ بومی و اسلامی و دینی خود - هر دینی - رشد کنند، قدرتها و استعمارگران و حکام مستبد، به آسانی نمی‌توانند بر آنها حکومت بکنند. شما اگر برنامه‌ی هر یک از رادیوهای بیگانه را برای مخاطبان بومی‌شان بشنوید، چیزی جز فساد و غفلت و ناهوشیاری و بی‌توجهی به امور زندگی و جامعه نیست. البته در کنار آن، گاه دو کلمه از یک مقوله‌ی علمی هم یاد می‌دهند؛ ولی اصل قضیه این نیست.<sup>۲</sup>

#### ۴. اینترنت

در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریعتر و همه‌گیرتر و همه‌جایی‌تر بود. انواع و اقسام کارها را کردند؛ چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبانی اسلامی و مبانی شیعی، که فکر می‌کردند در پدید آمدن این

۱. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه‌ی امام خمینی، ۱۳۷۸/۰۲/۲۸.

۲. در دیدار با افسار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸/۹/۱۵.

انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند - که امروز آن را به رایانه و اینترنت هم کشانده‌اند - و همه‌ی کارهایی را که می‌توانستند، انجام دادند؛ برای این که جلو این سخن نو را - یعنی این که باید قدرت سیاسی در کشور در دست انسانهای پرهیزگار و عادل باشد و شرط این اقتدار سیاسی، پرهیزگاری و عدالت باشد - بگیرند.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خیرگان رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۷.

## خلاصه

قالبهای تبلیغی و ترویجی: برای حرکت دادن یک جامعه‌ی مسلمان، بهترین ابزار، استفاده از آیات قرآن است؛ زیرا مشکلات هر جامعه‌ای با قرآن و معارف قرآنی، حل می‌شود. برای این کار باید انس با قرآن، فهم مفاهیم قرآنی و تدبر در قرآن را در جامعه عمومی کرد. همچنین تبلیغ چهره به چهره و منبرهای وعظ، مراسم دعا و توسل، بیان روایات اهل بیت (علیهم السلام) و برپایی جلسات پاسخگویی به شبهات، ابزارهایی کاربردی و مؤثر برای فرهنگ‌سازی در جامعه است.

قالبهای مکتوب: کتاب، مجموعه‌ای از محصولات یک فکر، یک اندیشه، یک ذوق، یک هنر؛ مجموعه‌ای است از یافته‌های یک یا چند انسان. ما خیلی باید مغتنم بشمریم که از محصول فکر آحاد گوناگون بشر استفاده کنیم. مطبوعات ما باید در تأمین ارزشها، اصالتها، آرمانهای مردم تلاش کنند، مطبوعات می‌توانند با ایجاد حرکت‌هایی معرفت‌آمیز، هم مردم را متوجه مسئولیت خود کنند و هم مسئولان را متوجه مسئولیت‌های سنگین خود کنند.

قالبهای تفریحی: همه‌ی آحاد مردم باید ورزش را جدی بگیرند. همه باید برای سلامتی خودشان، ورزش را یک ضرورت و کار لازم به حساب آورند. برگزاری اردوهای زیارتی و جهادی، برکات زیادی برای فرد و جامعه دارد. قالبهای نوپدید: امروز مهمترین ابزار جنگ بین قدرتها در دنیا رسانه است و امروز حتی قدرتهای بزرگ هم با رسانه‌ها دارند کار می‌کنند. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیونها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی، اینترنتی و ماهواره‌ای از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است.



**سئوالات**

قالبهای کار فرهنگی را نام ببرید.

زیرشاخه‌های قالبهای تبلیغی و ترویجی چیست؟

نظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) درباره‌ی ورزش قهرمانی چیست؟



## بخش دوم

### بسترها و موقعیتهای ویژه برای کار فرهنگی



## مقدمه

در این بخش به بسترها و موقعیتهای ویژه برای کار فرهنگی پرداخته می‌شود. در فصل اول به بسترهای مکانی کار فرهنگی اشاره می‌شود که عبارتند از: خانواده، مسجد، پایگاههای بسیج، مجالس ذکر اهل بیت (علیه‌السلام) و مدرسه. در فصل دوم نیز بسترهای زمانی کار فرهنگی توضیح داده می‌شود که عبارتند از: محرم و صفر، ماه مبارک رمضان، دهه فجر، روز قدس، تابستان و اوقات فراغت، ایام حج، عید فطر و ماه رجب.



## فصل اول: بسترهای مکانی (بایگاه‌ها و مراکز فرهنگی)

### ۱. خانواده

#### ۱-۱. اهمیت خانواده

از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید.<sup>۱</sup> وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفسد در این جامعه نهادینه میشود.<sup>۲</sup>

اگر ما توانستیم در زمینه‌ی زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده‌ی این کشور تضمین شده است.<sup>۳</sup>

یک مسئله، مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده است. برای خانه باید شأن قائل شد؛ انسان بدون خانه - که مسکن و مأوایی ندارد - قابل تصوّر نیست.

۱. بیانات در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج، ۱۳۷۰/۴/۲۰

۲. ???

۳. ???

هر انسان احتیاج دارد به خانه و محیط خانه. روح محیط خانه عبارت است از خانواده؛ باید به این اهمیت داد، باید در این تأمل و تدبّر کرد.<sup>۱</sup>

مسأله‌ی «خانواده» که امروز یک مشکل اساسی در دنیاست، از کجا ناشی می‌شود؟ از نحوه‌ی نگرش به مسأله‌ی زن، یا از نگرش به ارتباط زن و مرد ناشی می‌شود. چرا خانواده که یک نهاد طبیعی و اساسی وجود بشری است، الان در دنیا این قدر دچار بحران است؛ به طوری که اگر کسی در دنیای به اصطلاح متمدن غربی امروز، یک پیام ولو خیلی رقیقی درباره‌ی استحکام بنیان خانواده داشته باشد، از او استقبال می‌کنند؛ هم زنان استقبال می‌کنند، هم مردان استقبال می‌کنند، هم کودکان استقبال می‌کنند؟ اگر این یک قلم مسأله‌ی خانواده را شما در دنیا بررسی کنید و این بحرانی را که در مسأله‌ی «خانواده» وجود دارد، درست مورد توجه و کاوش قرار بدهید، می‌بینید که این ناشی از آن است که مسائل مربوط به ارتباطات دو جنس و همزیستی دو جنس و روابط دو جنس حل نشده، یا به تعبیر دیگری، نگرش، نگرش غلطی است. حالا ما که در مجموعه‌ی افکاری که مردان آنها را درست کرده‌اند، قرار می‌گیریم، می‌گوییم نگرش به مسأله‌ی زن درست نیست؛ می‌توان گفت نگرش به مسأله‌ی مرد درست نیست - تفاوتی نمی‌کند - یا نگرش به کیفیت دو جنس، یعنی هندسه‌ی قرار گرفتن دو جنس، نگرش غلطی است.<sup>۲</sup>

؟؟؟ ۱

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، (۳۳۱) جمعی از زنان پزشک متخصص، و مسؤولان اولین کنگره‌ی حجاب اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا، ۱۳۷۰/۱۰/۴.



## ۲-۱. ثمرات خانواده سالم

### ۱-۲-۱. پیشرفت جامعه اسلامی

این اسلام است؛ متین‌ترین، منطقی‌ترین، عملی‌ترین قوانین و حدود و مرزهایی که ممکن است انسان در زمینه‌ی مسئله‌ی جنسیت فرض کند. باید دنبال این راه رفت؛ یکی از اساسی‌ترینش تشکیل خانواده است، یکی از اساسی‌ترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است؛ که این به عهده‌ی کدبانوی خانه است.<sup>۱</sup>

#### ۲-۲-۱. حل بسیار از مشکلات زنان

به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عادت‌ی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الذی علیهن» در خانواده رعایت شود - این چیزهایی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات

خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه‌ی اجتماع هم خواهد توانست.<sup>۱</sup>

## ۲. مسجد

حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگ جنبه‌های معنوی و انقلابی و تعلیمی و تبلیغی آن، نیازمند سلامت و امنیت محیط آن و دور ماندن از منازعات و مناقشات داخلی در آن است.<sup>۲</sup>

مراجعات متعدد از سوی مرتبطين با مساجد تهران، من جمله ائمه‌ی جماعات، گروه‌های بسیج، متولیان و متصدیان و غیرهم حاکی از فقدان مرکز و مرجع مقبول و آگاه و نافذالکلمه‌یی در امر مساجد یعنی اصلیتین پایگاه دین و معنویت و اخلاق است. شک نیست که حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگ جنبه‌های معنوی و انقلابی و تعلیمی و تبلیغی آن، نیازمند سلامت و امنیت محیط آن و دور ماندن از منازعات و مناقشات داخلی در آن است.<sup>۳</sup> یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته‌ی رژیم طاغوت شد. در دوره‌ی مشروطیت هم همین‌طور بوده است؛ در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسأله، به حداعلی رسید.<sup>۴</sup>

۱. ???

۲. حکم انتصاب آیه‌الله مهدوی کنی به سمت مسؤؤل مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۶۸/۰۷/۱۷.

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

در دانشگاهها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غمگساری و راهنمایی و همدلی را در کنار اقامه‌ی نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند. مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی در آن صورت، جذابترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعالیت جوانان خواهد شد.<sup>۱</sup>

امامان محترم جماعت اگر خود بر اثر کهولت و غیره نمی توانند وظیفه‌ی رابطه و انس و راهنمایی را برای نمازگزاران بویژه جوانان فراهم کنند، در کنار خود فضایی جوان و پرنشاط را به کار گیرند و آنان را در کار با خود شریک سازند.<sup>۲</sup>

### ۳. پایگاه‌های بسیج

#### ۳-۱. تعریف فرهنگ بسیجی

یک سیاستمدار بسیجی، یک نظامی بسیجی، یک دانشجوی بسیجی، یک روحانی بسیجی، یک کشاورز بسیجی، یک کارگر بسیجی، یک محقق و دانشمند بسیجی، یک استاد بسیجی، از همه‌ی قشرها یک بسیجی، آن کسی است که مقدرات و امکان خود را در راه هدف‌های عظیم این ملت به میدان می‌آورد؛ خود را سهمیم می‌کند؛ خود را مسؤول می‌داند و مایل نیست کنار بنشیند، تا دیگران تلاش کنند، او هم نگاه کند؛ یا آن جایی که سودمند است، سودش را ببرد؛ و یا تا یک گوشه‌اش ساییده شد، بنا کند به ایراد گرفتن و

۱. پیام به اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۰/۶/۱۵.

۲. همان.

اعتراض کردن؛ این جور انسان هم در جامعه داریم؛ بسیجی آن کسی است که این گونه نیست. آن جایی که نیازمند رفتن به عرصه‌ی نظامی است، او پیشاهنگ است؛ جوان و پیر هم نمی‌شناسد؛ دور و نزدیک هم نمی‌شناسد؛ آن جایی که جای حضور در عرصه‌ی سیاسی و میدان سیاست است، او فعال و پُرنشاط است؛ آن جایی که در عرصه‌های بین‌المللی باید حضور پیدا کرد - عرصه‌های گوناگون بین‌المللی؛ عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی ورزشی - او در آن جا، مظهر عزت ملت و کشور خود است. با این روحیه، با این احساس، در آن جا حاضر می‌شود؛ آن جایی که جای علم است، جای تحقیق است، جای صبر کردن بر مشکلاتِ نوآوری علمی است، از جان و ذهن خودش مایه می‌گذارد؛ آن جایی که جای پول خرج کردن است، اگر پولی دارد، پول خرج می‌کند. این، بسیجی است.<sup>۱</sup>

بسیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی. درست است که بعضی‌ها اصرار دارند بسیجی را در محیط دانشگاه و بیرون دانشگاه بد معنا کنند؛ اما از کسانی که حرفهای بوقهای تبلیغاتی دشمنان این ملت را تکرار می‌کنند، انتظار زیادی نیست. مسأله این است که خود ما بفهمیم بسیجی یعنی چه.

### ۲-۳. شاخصهای بسیجیان

عزیزان من! بسیجی شدید، مبارک است؛ اما بسیجی بمانید. ایستادگی در راه، مهم است. بسیجی ماندن متوقف به این است که دائم خودمان را مراقبت کنیم، مواظبت کنیم و از راه بیرون نرویم... «و لینصرنّ الله من ینصره». خدای

۱. بیانات در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۱۳۸۴/۹/۷.

متعال به تحقیق و بدون تردید نصرت را برای کسانی قرار داده است که به طرف حق حرکت میکنند و دعوت میکنند؛ و ما این را تجربه کرده‌ایم. سی سال است که دشمنان علیه ملت ایران دارند تلاش میکنند، کار میکنند؛ اما ملت ایران به برکت ایستادگی خود، به برکت ایمان خود، روز به روز قوی‌تر شده است؛ دشمن هم روز به روز ضعیف‌تر شده است. امروز قدرت ایستادگی ما از بیست سال پیش بیشتر است، از سی سال پیش بیشتر است؛ این تجربه‌ی ماست. پس نهایت این مبارزه، پیروزی اسلام و مسلمین است. اما باید توجه داشته باشید که درگیری و چالش وجود دارد؛ باید خودتان را آماده نگه دارید، خودتان را به‌روز نگه دارید، بصیرتتان را به‌روز نگه دارید، اخلاصتان را به‌روز نگه دارید، به‌روز بسیجی باشید و بسیجی بمانید؛ این رمز موفقیت ملت ایران و جامعه‌ی عظیم ایرانی است.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۱. خودسازی

یکی از خصوصیات، خودسازی است. ما باید خودمان را تربیت کنیم. من مسنِ پیرمرد هم احتیاج دارم خودم را تربیت کنم، خودم را مهار کنم، خودم را حفظ کنم. حرکت در جوان سریع‌تر، تصمیم‌گیری سریع‌تر، اقدام سریع‌تر است؛ بنابراین مراقبت و محافظت و خودسازی هم بسیار حساس‌تر است. وقتی این‌چوَر شد، توانائی روحی شما بیشتر میشود؛ هم استقامت شما، ایستادگی شما، صبر شما، توکل شما، هم ابتکار و جوشش درونی شما؛ اینها همه با هم است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴.

۲. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

یک مسئله هم در بسیج، مسئله‌ی ایثار است... این خصوصیت در قله‌های بسیج وجود داشته است. و من به شما جوانهای عزیز عرض کنم؛ سعی کنید این خصوصیت را در خودتان تقویت کنید.<sup>۱</sup>

ما افراد بشر، دائم در کنار لغزشگاه داریم حرکت میکنیم. جاذبه‌ها ما را به خود فرامیخواند. دنبال منافع شخصی حرکت میکنیم. منافع شخصی، ما را جذب میکند. گاهی به خاطر منافع خودمان، حاضریم حق دیگران را هم پامال کنیم. باید مراقب خودمان باشیم. خودسازی بسیجی، یکی از خصوصیاتش همین است که بتواند این روحیه را در خود تقویت کند و پرورش دهد که ایثار کند.<sup>۲</sup> سعی کنیم از منافع شخصی به نفع منافع عمومی، به نفع اسلام، به نفع اهداف والا، صرف نظر کنیم. این معنایش این نیست که به دنیا پشت کنیم؛ نه دنیا جای تلاش و فعالیت است؛ هم برای زندگی شخصی، هم برای زندگی عمومی، هم برای مادیات، هم برای معنویات؛ اما آنجائی که می‌بینیم رسیدن به یک حق شخصی معنایش این است که از حقوق دیگران عبور کنیم، از قانون عبور کنیم، از انصاف عبور کنیم، اینجا مهار و زمام نفس خود را به دست بگیریم؛ آنچه را که میتوانیم به دست بیاوریم، به نفع دیگران از آن صرف نظر کنیم؛ این میشود ایثار.<sup>۳</sup>

فرهنگ بسیجی نشأت گرفته از روحیه‌ی ایمان و ایثار توأم با تلاش انقلابی عزیزان بسیجی می‌باشد.<sup>۴</sup>

خودسازی باید بکنید. مساجد را رها نکنید. نیروی مقاومت بسیج، بهترین جایی که دارد، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگه دارید. با امام

۱. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. حکم انتصاب سر تیپ سیدمحمد حسین‌زاده حجازی به فرماندهی نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۶/۱۲/۲۱.

جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید - که بحمدالله هستید - و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت، پشت سر پیشنماز هر مسجدی که در آن هستید، بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. شما و امام جماعت آن مسجد - هر کس که هست - مشترکاً مسجد را حفظ کنید. برای مسجد، جاذبه درست کنید تا بچه‌ها، جوانان و زن و مرد محله، مجذوب مسجدی شوند که شما در آن هستید و بیایند. مسجد، پایگاه بسیار مهمی است.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۲. حضور در صحنه (عمل به هنگام)

عنصر سوم، عمل بهنگام و به اندازه است. لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند.<sup>۲</sup>

یکی از خصوصیات خصلت بسیجی و جریان بسیجی، حضور است؛ غایب نبودن در آنجایی که باید در آنجا حاضر باشیم. این یکی از اولی‌ترین خصوصیات بسیجی است.<sup>۳</sup>

بسیج یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن. چه میدانی؟ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی. میدان‌ها و چالش‌های اساسی زندگی چیست؟ فقط آن وقتی است که به کشوری حمله شود و مردم آن کشور به صحنه بیایند تا از مرزهای

۱. بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور، ۱۳۷۱/۸/۲۷.

۲. بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲.

۳. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۴/۲.

خودشان دفاع کنند؟ البته که نه؛ این فقط یکی از موارد به میدان آمدن است. آن وقتی هم که هویت ملی و سیاسی یک ملت مورد مناقشه قرار می‌گیرد، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که به فرهنگ و اعتقادات و باورهای ریشه‌دار یک ملت اهانت می‌شود و آن را تحقیر می‌کنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که نسل برگزیده‌ی یک ملت احساس می‌کنند از غافله‌ی دانش عقب مانده‌اند و باید علاجه‌ی بکنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که احساس بشود پایه‌های یک زندگی مطلوب و عادلانه در کشور احتیاج به تلاش دارد تا ترمیم و یا استوار شود، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که جبهه‌های فکری و فرهنگی دنیا برای تسخیر ملتها با ابزارهای فوق مدرن می‌آیند تا ملتی را از سابقه و فرهنگ و ریشه‌ی خود جدا کنند و براحتی آن را زیر دامن خودشان بگیرند، جای به میدان آمدن است. همه‌ی اینها انسانهایی را می‌طلبد که نیاز را احساس کنند؛ آدمهای گیج و غافل و سرگرم نیازهای حقیر اصلاً این نیازها را احساس نمی‌کنند. آن روزی هم که مرزهای ما به وسیله‌ی هزاران چکمه‌پوش نظامی تهدید می‌شد، در کشور ما کسانی بودند که اگر به آنها گفته می‌شد خاک و وطن و ملت و حیثیت و غیرت ما را دارند لگدکوب می‌کنند، تو هم بیا کاری بکن، می‌گفت برو بابا، دلت خوش است! حواس‌اش به این نیاز نبود و حس نمی‌کرد که چنین نیازی وجود دارد. پس اول، احساس نیاز است.

بعد از احساس نیاز، آمادگی است. همه آماده نیستند از راحتی و حضور پای بخاری گرم در زمستان یا کولر خنک در تابستان صرف‌نظر کنند؛ همه حاضر نیستند برای خودشان دشمن بتراشند؛ همه حاضر نیستند در یک راه دشوار



عرق بریزند و سنگلاخ‌ها را بنوردند؛ انسانی با همت و با اراده می‌خواهد. پس عزم و اراده‌ی کار کردن و گذشت از راحتی و آسایش هم یک شرط است.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۳. داشتن بصیرت

البته یکی از مسائل مهم، مسئله‌ی بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه‌ی دورانها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه میکنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش میکنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است.<sup>۲</sup>

آنچه که راه را مشخص میکند، بصیرت است... بسیجیان در قبال پیچیدگی اوضاع توانسته‌اند در ذهن خود و فکر خود و شخصیت خود پیچیدگی ایجاد کنند و بشناسند؛ قضایای سال ۸۸ این را نشان داد. ممکن بود خیلی‌ها اشتباه کنند و خیلی‌ها هم اشتباه کردند؛ اگرچه اکثر آن کسانی که اشتباه کرده بودند، به فاصله‌ی کمی اشتباه را تصحیح کردند؛ اما حرکت عظیم بسیج، این شاخص بصیرت و این پرچم بصیرت را برای خود حفظ کرد؛ اشتباه نکرد؛ همان طور که امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) فرموده بود: «لا يعرف الحق بالرجال»؛ با چهره‌ها نمیشود حق را تشخیص داد. یک چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمیتواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه میکنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم

۱. ۴۴۴.

۲. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. جماعت جوان مؤمنِ گردآمده‌ی در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند؛ نشان دادند بابصیرتند. بصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همین جور باشد. قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام - کسی که پدر همه‌ی این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (رضوان الله علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس بصیرت، عنصر اول است. بصیرت را نباید فراموش کرد.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۴. نمونه و پیشرو بودن در تمام عرصه‌ها

شما بسیجیها باید به گونه‌ی رفتار کنید که احترام و محبت مردم جلب شود. شما باید نمونه‌ی اخلاق و تواضع و مهربانی و رعایت مقررات باشید. این فکر غلط باید از ذهنهای دیگران بیرون رود که بسیجی کسی است که مقررات را رعایت نمی‌کند؛ برعکس، آن کسی بسیجی‌تر است که مقررات را بیشتر رعایت می‌کند؛ به خاطر آن که این فرد بیشتر از همه برای نظام دل می‌سوزاند و مقررات، لوازم قطعی اداره‌ی درست نظام است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲.

#### ۴. هیئت و مجالس ذکر اهل بیت (علیهم السلام)

##### ۴-۱. اصول برگزاری مجالس عزاداری

##### ۴-۱-۱. آموزنده و رشددهنده بودن محتوای ارائه شده

در مجالس عزاداری ماه محرم، این سه ویژگی باید وجود داشته باشد:

۱. عاطفه را نسبت به حسین بن علی و خاندان پیغمبر، علیهم صلوٰه الله، بیشتر کند. (علقه و رابطه و پیوند عاطفی را باید مستحکم تر سازد).
۲. نسبت به حادثه‌ی عاشورا، باید دید روشن و واضحی به مستمع بدهد.
۳. نسبت به معارف دین، هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان - ولو به نحو کمی - کند. نمی‌گوییم همه‌ی منبرها باید برخوردار از همه‌ی این خصوصیات باشند و به همه‌ی موضوعات بپردازند؛ نه. شما اگر یک حدیث صحیح از کتابی معتبر را نقل و همان را معنا کنید، کفایت می‌کند.<sup>۱</sup>

در مجلس روضه‌خوانی و سینه‌زنی ... وقتی شعر خوانده می‌شود، باید با معنا، با مضمون، جهتدار و همراه با درس باشد. وقتی در آن جا سخنرانی می‌شود، باید در جهت تعمیق فکر و اندیشه باشد.<sup>۲</sup>

یک بُعد، مبارزه‌ی حق در مقابل باطل مقتدر است که امام حسین (علیه السلام) و حرکت انقلابی و اصلاحی او چنین کرد. یک بعد دیگر، تجسم معنویت و اخلاق در نهضت حسین بن علی است. در این نهضت عرصه‌ی مبارزه‌ای وجود دارد که غیر از جنبه‌ی اجتماعی و سیاسی و حرکت انقلابی و مبارزه‌ی علنی

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع روحانیون، ۱۳۷۳/۳/۱۷.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵.

حق و باطل است و آن، نفس و باطن انسانهاست. آن جایی که ضعفها، طمعها، حقارتها، شهوتها و هواهای نفسانی در وجود انسان، او را از برداشتن گامهای بلند باز می‌دارد، یک صحنه‌ی جنگ است؛ آن هم جنگی بسیار دشوارتر. آن جایی که مردان و زنان مؤمن و فداکار پشت سر حسین بن علی (علیه السلام) راه می‌افتند؛ دنیا و مافیها، لذتها و زیباییهای دنیا، در مقابل احساس وظیفه از چشم آنها می‌افتد؛ انسانهایی که معنویت مجسم و متبلور در باطنشان، بر جنود شیطنی - همان جنود عقل و جنود جهلی که در روایات ما هست - غلبه پیدا کرد و به عنوان یک عده انسان نمونه، والا و بزرگ، در تاریخ ماندگار شدند. بعد سوم که بیشتر در بین مردم رایج است، فجایع، مصیبتها، غصه‌ها، غمها و خون‌دل‌های عاشوراست؛ لیکن در همین صحنه‌ی سوم، باز هم عزت و افتخار هست. کسانی که اهل نظر و فکر و تأملند، باید هر سه بعد را دنبال کنند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲. ارکان مجالس ذکر اهل بیت (علیهم السلام)

##### ۴-۳-۱. منبر و سخنرانی

نشئهٔ روحانی و ملکوتی عزای حسینی را با آموزشهای ژرف مکتبی در هم آمیزید و از این راه، ملت حزب الله را در مقابل تبلیغات دشمنان مسلح و مجهز کنید...<sup>۲</sup>

امروز مردم چه چیزی را بیشتر احتیاج دارند؟ آن را پیدا کنید. امروز مردم به اخلاق و عمق تفکر انقلابی احتیاج دارند. این انقلابی که به وجود آمد، بر پایه‌ی چه مبانی‌یی استوار است؟ این را مردم احتیاج دارند. باید روی این،

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع دهه‌هازار نفر از راهبان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه، ۱۳۸۱/۱/۹.

۲. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۴۳؛ دیدار با روحانیون و مبلغان، ۱۳۶۱/۷/۲۰.

فکر کنید. بهترین مرجع هم، کلمات و فرمایشهای امام (رضوان الله تعالی علیه) و بعضی از نوشته‌ها و گفته‌های قیّمی است که در طول این یازده سال، بحمدالله ما بزرگانی داشته‌ایم که آنها بیان کرده‌اند. البته برای اهل تحقیق، مراجعه‌ی به قرآن و حدیث در باب حاکمیت و جامعیت اسلام و این که اسلام دین زندگی است، پس به آن نیاز است، ضروری می‌باشد.<sup>۱</sup>

باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق دهید. البته این عبودیت، در زمینه‌ی اخلاق، در زمینه‌ی عمل فردی و در زمینه‌ی عمل اجتماعی کاربرد دارد، که وقتی بحث عمل اجتماعی پیش آمد، آن وقت بحثهای سیاسی، تحلیل‌های سیاسی - تبیین سیاسی - هم در حوزه‌ی کار شما قرار می‌گیرد.

اشتباه کسانی که در گذشته مسائل سیاسی را از تبلیغ کنار می‌گذاشتند، در این بود که عبودیت را به منطقه‌ی فردی منحصر می‌کردند. آنها این جا را غلط می‌فهمیدند و غلط عمل می‌کردند. بله؛ هدف، کشاندن مردم به عبودیت است؛ منتها عبودیت منطقه‌ی وسیعی در زندگی انسان دارد و آن منطقه به عمل شخصی منحصر نیست. وقتی که عمل جامعه، عمل یک مجموعه‌ی عظیم انسانی و مردم یک کشور، عمل اقتصادی، عمل سیاسی و موضع‌گیریهای سیاسی مشمول بحث عبودیت شد، آن وقت دعوت شما هم می‌تواند شامل این مسائل باشد و باید هم باشد؛ چاره‌ای ندارید.<sup>۲</sup>

یک نکته‌ی اساسی دیگر این است که امروز علاوه بر این که باید به مسائل اعتقادی اسلام پرداخت و اعتقاد به اسلام را در ذهنها و دلها راسخ نمود، باید اعتقاد به حاکمیت اسلام را هم راسخ کرد. این مطلب واضح است. این امری

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد، ۱۳۶۹/۱/۴.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار با علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۶/۱۰/۳.

است که مسلمانان عالم در طول قرنهای متمادی و بخصوص متفکرین بزرگ در قرن اخیر - از سید جمال اسدآبادی تا اقبال لاهوری، تا بزرگان فکر و اندیشه، تا علمای بزرگی در داخل کشور خود ما - دنبال آن بوده‌اند که دین خدا را حاکم کنند و این ادامه‌ی راه پیغمبران بوده است. امروز دستها، زبانها، نوشته‌ها و امواج تبلیغاتی، در این امر واضح ایجاد خدشه و درباره‌ی آن، سؤال ایجاد می‌کنند. بایستی این را در ذهنها مستحکم کنید. باید بدانند که حاکمیت اسلام، یعنی حاکمیت عدل و علم و انصاف بر مجموعه‌ی انسانها. حاکمیتی که می‌تواند هم جسم انسانها، هم دل انسانها، هم عواطف، اخلاق و زندگی واقعی و زندگی معنوی آنها و هم دنیا و آخرتشان را آباد کند. حاکمیت دین یعنی این.

حاکمیت دین، در مقابل حاکمیت طاغوت است؛ که «إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»<sup>۱</sup>. حاکمیت طاغوت، حاکمیت فساد و حاکمیت ضایع کردن دین و دنیاست - نه فقط دین - کمالین که در گذشته‌ی کشور خودمان از نزدیک شاهد بودیم و کسانی که آن دوره را درک کردند، همه آن را حس نمودند. حاکمیت خدا، یعنی نجات و سعادت انسانها. حاکمیت دین خدا، یعنی پاسخگویی به نیازهای اساسی انسانها. هر نیازی که انسانها دارند - نیازهای معنوی، نیازهای مادی، فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و همه و همه - در ظل حاکمیت دین خدا تأمین می‌شود. بایستی اینها را برای مردم، بخصوص برای جوانان تبیین کنید.<sup>۲</sup>

خود انقلاب اساساً مردم را بیدار کرده، اما سؤال در ذهنها هست. مگر می‌شود

۱. و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد. (بقره، ۲۰۵).

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۷/۲/۲.

در آن منبری که ما می‌رویم، به این سؤالها پاسخ داده نشود؟<sup>۱</sup> باید روی محتواها کار کرد؛ ما باید استفهامهای ذهن جوان را بشناسیم تا پاسخ، بهجا واقع شود؛ والا ممکن است شبهاتی در ذهنش باشد؛ ولی شما روی منبر، چیز دیگری بگویید.<sup>۲</sup>

مبلغان دینی، علمای دینی، متفکران دینی، عشاق گسترش اسلام، علاقه‌مندان به اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام باید توجه کنند که اسلام و قرآن، با استدلال و منطق همراه است. مکتب اهل بیت، با منطق و استدلال همراه است. اگر استدلال را از آن جدا کردند و به جای استدلال، خدای نکرده چیزی را وارد کردند که از منطق دور است و جنبه‌ی خرافی دارد، این درست ضد استدلال عمل خواهد کرد.<sup>۳</sup>

#### ۴-۳-۲. مداحی و مجالس ذکر اهل بیت (علیهم‌السلام)

ماجرای مدح‌خوانی و ستایشگری مداحان ما از این باب است؛ استخدام هنر برای انتقال مفاهیم والا و بارزش که تا اعماق جان مخاطب نفوذ کند. این یک وسیله است، این یک ابزار بسیار بارزش است. ابزار است، اما آنقدر این ابزار وزن پیدا میکند که گاهی به قدر خود محتوا اهمیت پیدا میکند؛ چون اگر نباشد، محتوا قابل انتقال به دلها نیست. مداحی شما از این قبیل است. هر چه هنرمندانه‌تر باشد، از ابزار هنر، از صوت خوش، حنجره‌ی خوب برخوردار باشد، بهتر است و هر چه محتوا - آنچه که می‌خوانیم - آموزنده‌تر باشد،

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴.

۲. دبیرخانه‌ی شورای عالی حوزه‌های علمیه، حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، ص ۳۷۴؛ دیدار با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۵.

۳. رهبر معظم انقلاب، دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۸/۱۷.

برای مخاطب قابل فهم‌تر باشد، درس آموزتر باشد، از جهت مدیریت فکری مخاطبتان تازه‌تر و با طراوت‌تر باشد، ارزشش بیشتر است. البته با توجه به همان مطلبی که اول عرض کردیم، یعنی در چهارچوب تعالیم و معارف اهل‌بیت. لذا بازی کردن با مسئله‌ی مداحی سزاوار نیست...

وقتی شما این هنر را - هنر صوت و لحن و آهنگ و شعر را که کار شما مجموعه‌ای از چندین هنر است - در خدمت این معانی قرار دهید که یا اثبات حقانیت اهل‌بیت را میکند، یا فضائل و مناقب اهل‌بیت را میگوید که دل شنونده را روشن میکند، یا معارف اهل‌بیت را تفهیم میکند و راه زندگی را برای مخاطب شما روشن میکند، آن‌وقت این بالاترین ارزش را پیدا میکند؛ آن‌وقت یک برنامه‌ی مداحی شما به قدر چند ساعت سخنرانی و درس استدلالی ارزش پیدا میکند.<sup>۱</sup>

مداحی را به صورت یک کار صرفاً سطحی، شکلی، ظاهری در آوردن، آن را عبارت اُخرای تقلید از یک کار مبتذل غربی قرار دادن، هیچ جازز نیست. این را توجه بکنند، بخصوص جوانها که توی این صراط وارد میشوند. هیچ اشکالی ندارد که از شعری با زبان مردم استفاده شود، لیکن با مضمون درست، با مضمون صحیح. اگر چنانچه مداح و خواننده ما و ستایش‌گر اهل بیت (علیهم‌السلام) از کسانی که خودشان غرق در حیرت و بدبختی‌اند - وادی هنری غرب، بخصوص هنر موسیقی‌شان که به ابتذال کشانده شده - و در وادی حیرت و سردرگمی شیطانی و نه حیرت رحمانی هستند، این کار شریف و پاکیزه و مقدس را الگوگیری کرد، این کار ناسزاوار است؛ کار ناشایستی است.<sup>۲</sup>

و نکته‌ی دیگری که این را هم ما دائماً تذکر داده‌ایم، باز هم عرض میکنیم،

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار جمعی از مداحان و ستایشگران اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۷/۴/۴.

۲. همان.



این است که محتواها را محتوایی قرار بدهید که مخاطب شما استفاده کند؛ یا یک منقبت قابل فهمی، یا یک فضیلت برانگیزاننده‌ای از اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد که اعتقاد و ایمان انسان را محکم کند. شما ببینید مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) در دوران حیات معصومین (علیهم‌السلام) بر روی چه چیزهائی تکیه میکردند. شعر دعبل، شعر کمیت، شعر فرزددق - این شعرهائی که ائمه (علیهم‌السلام) اینها را تشویق کردند - بر روی چه چیزهائی تکیه میکردند. شما نگاه کنید ببینید محتوای این اشعار یا عبارات است از اثبات حقانیت اهل بیت با دلیل، با استدلال - استدلالی که در کسوت زیبا و لطیف شعر خودش را نشان میدهد. شعر دعبل را نگاه کنید - یا بیان فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام).<sup>۱</sup>

شما ببینید امروز نسل جوان شما - چه دخترهاتان، چه پسرهاتان - و جامعه‌ی شما از خلأ کدام معرفت رنج می‌برند و آسیب می‌بینند؛ از کمبود کدام عنصر سازنده‌ی اخلاقی رنج می‌برند، آن عنصر اخلاقی را در وجود فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) و در فضایل آن بزرگوار و این وجودهای مقدس پیدا کنید و به زبان شعر - که زبان هنر هست - آن را القا و بیان کنید. ببینید ما در زندگی سیاسی و اجتماعی مان به کدام درس اهل بیت احتیاج داریم، آن را از زندگی این بزرگواران و این بزرگوار بخصوص استخراج کنید و با زبان شعر بیان کنید؛ اینها لازم و مهم است.<sup>۲</sup>

۱. همان

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، ۱۷/۵/۱۳۸۳.

### ۳-۴. آفات و انحرافات عزاداری

من واقعاً می‌ترسم از این که خدای ناکرده، در این دوران که دوران ظهور اسلام، بروز اسلام، تجلی اسلام و تجلی فکر اهل بیت (علیهم‌الصلاة والسلام) است، نتوانیم وظیفه‌مان را انجام دهیم. برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به خدا و دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها، همین عزاداریهای سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود. این که امام فرمودند «عزاداری سنتی بکنید» به خاطر همین تقریب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواكب عزا و دسته‌های عزاداری به‌راه‌انداختن، از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پر جوش می‌کند و بسیار خوب است.<sup>۱</sup>

### ۴-۳-۱. آفات فکری مجالس هیئت

ایمنی از مجازات الهی به دلیل حبّ اهل بیت (علیهم‌السلام)

شعری که الان برادرمان خواندند، مضمون درستی نیست که ما بگوییم چون شیعه و محب هستیم، اگر گناه هم کردیم، خدای متعال ما را مجازات نمی‌کند؛ نه، این‌طور نیست: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ»<sup>۲</sup>؛ ولی آنها باید خدا را اطاعت کند؛ چون خود این بزرگواران با اطاعت خدا به این مقام و رتبه رسیدند. امتحان اینها، قبل از وجود و آمدنشان به این دنیا صورت گرفته است: «يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»<sup>۳</sup>. دستگاه خدا بی حساب و کتاب نیست. در روایتی پیغمبر اکرم به

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۳/۱۷.

۲. هر که مطیع خدا است، دوست ما است. (اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴).

۳. امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: «اگر بر سر قبر جدات فاطمه (علیها‌السلام) رفتی بگو: ای امتحان شده‌ای که خداوند قبل از آنکه تورا بیافریند امتحان کرد و تو را برای آنچه امتحان کرد صابر دید.» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰)

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) با این مقام و رتبه فرمود: «یا فاطمَةُ إِنِّي لَنْ أَعْنَى عَنكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً»<sup>۱</sup> یعنی پیش خدا، نسبتِ با من و ارتباطِ با من به درد تو نمی‌خورد. مگر در میان فرزندان پیغمبر و ائمه‌ کسانى نبودند که با خدا رابطه‌ای نداشتند و نتوانستند از آن گوهر نورانی و ارزش معنوی برخوردار شوند؟ آنچه اولیای دین را بر قلّه‌ی شرافت بشری قرار داده، از خود شخص شخیص نبی‌اکرم و امیرالمؤمنین و بقیه‌ی این خاندان پاک گرفته - که اینها در عالم وجود نمونه‌های بی‌مانندند و شبیه اینها دیگر نیست - تا دیگران، اطاعت و عبودیت و بندگی آنها برای خداست. لذا وقتی شما می‌خواهید در تشهّد نمازتان نام پیغمبر خدا را بیاورید و از او تجلیل کنید، می‌گویید «وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ». اول عبودیت را ذکر می‌کنید، بعد می‌گویید «وَ رَسُولُهُ». عبودیت بالاتر از رسالت است. اساس و جوهر کار، عبودیت است. من و شما هم باید از همین جاده برویم. البته این قلّه‌ها خیلی بالاست. اگر چشم ما بتواند این قلّه‌ها را ببیند، خیلی باید خدا را شکرگزار باشیم؛ چه برسد که به آن جاها برسیم؛ لیکن باید برویم؛ راه این است. این دامنه‌ها را باید به قدر قدرت و توانمان طی کنیم؛ که اگر این‌طور شد، به قدر ظرفیتمان بهره خواهیم برد.<sup>۲</sup>

### تحریف چهره واقعی امام حسین (علیه‌السلام)

عزیزان من؛ مؤمنین به حسین‌بن‌علی (علیه‌السلام) ! امروز حسین‌بن‌علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به شرط آن که با تحریف، چهره‌ی او را مغشوش نکنند. نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشمها و دلها را از

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۳۴؛ نیز: ابوالفتح کراچی، التعجب، ص ۹۴.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار مداحان اهل بیت به مناسبت میلاد حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، ۱۳۸۲/۵/۲۸.

چهره‌ی مبارک و منور سیدالشهدا (علیه‌الصلاة والسلام)، منحرف کند. با تحریف مقابله کنید.<sup>۱</sup>

### افراط و تفریط در طرح مسائل سیاسی در مجالس عزاداری

از دو طرف نباید لطمه بخوریم: نه ما باید مسائل سیاسی را بکلی از حیطه‌ی حرف و گفت و تلاش و مجاهدت تبلیغی خودمان خارج کنیم؛ آن‌چنان که دشمنان روی آن ده‌ها سال سرمایه‌گذاری کردند، ولی نهضت اسلامی آمد و این سرمایه‌گذاری را آتش زد و از بین برد و گفتار و اندیشه‌ی سیاسی را وارد متن فعالیت‌های دینی کرد، و نه از این طرف باید بیفتیم که تصور کنیم همه‌ی منبر، همه‌ی تبلیغ، همه‌ی مخاطبه‌ی با مردم و با مؤمنین، یعنی این‌که بنشینیم مسائل امریکا و اسرائیل و مسائل سیاسی را تحلیل کنیم؛ نخیر، یک کار واجب‌تر اگر نباشد، واجب دیگری وجود دارد و آن، دل مخاطب شماسست. دل و جان و فکر او را بایستی تعمیر و آباد و سیراب کنیم.<sup>۲</sup>

### ۲-۳-۴. انحرافات عملی عزاداری

بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه، چهار سال اخیر، برخی کارها در ارتباط با مراسم عزاداری ماه محرم دیده شده است که دستهایی به غلط، آن را در جامعه‌ی ما ترویج کرده‌اند. کارهایی را باب می‌کنند و رواج می‌دهند که هر کس ناظر آن باشد، برایش سؤال به‌وجود می‌آید.<sup>۳</sup>

### قفل زدن به بدن

در قدیم‌الایام بین طبقه‌ی عوام‌الناس معمول بود که در روزهای عزاداری، به بدن خودشان قفل می‌زدند! البته، پس از مدتی، بزرگان و علما آن را منع

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار روحانیون و وعاظ در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۳/۳.

۲. رهبر معظم انقلاب، دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه ماه محرم، ۱۳۸۴/۱۱/۵.

۳. رهبر معظم انقلاب، در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۳/۳/۱۷.

کردند و این رسم غلط برافتاد. اما باز مجددا شروع به ترویج این رسم کرده‌اند و شنیدم که بعضی افراد، در گوشه و کنار این کشور، به بدن خودشان قفل می‌زنند! این چه کار غلطی است که بعضی افراد انجام می‌دهند؟!<sup>۱</sup>

### قمه زنی

عرایض این جانب به مردم متدین و عاشق خاندان نبوت و ولایت (علیهم‌السلام) از روی دلسوزی است، این جانب می‌بینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) مورد جفا در قضاوت‌های جهانی واقع می‌شود، چگونه درک روشن بینانه‌ی آنان در اعتقاد به مقام والای اهل بیت (علیهم‌السلام)، به خاطر بعضی اعمال جاهلانه، حمل بر اموری می‌شود که از ساحت شیعه و ائمه‌ی بزرگوارشان بسی دور است. می‌بینم که چگونه عزاداری بر جگر گوشگان زهرا‌ی اطهر (علیهم‌السلام) مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغات‌چی‌های شیطان استعمار قرار می‌گیرد. می‌بینم که بعضی اعمالی که هیچ ریشه‌ی دینی هم ندارد، بهانه به دست دشمن مغرض می‌دهد که بدان وسیله هم اسلام و تشیع را العیاذبالله به عنوان آئین خرافه معرفی کنند و هم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند. شیعه‌ی محب و مخلص‌ی که در روز عاشورا با قمه سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند، آیا راضی است که با این عمل خود در روزگاری که هزاران چشم عیب‌جو و هزاران زبان بدگو، در پی بد معرفی کردن اسلام و تشیع است، عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟ آیا راضی است که با تظاهر به این عمل، خون دهها هزار جوان بسیجی صفتِ عاشق را که برای آبرو دادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است، ضایع سازد؟

آنچه از قول مراجع سلف (رحمة الله عليهم) نقل شده است بیش از این نیست که اگر این کار ضرر معتنی به ندارد جایز است؟ آیا سبک کردن شیعه در افکار جهانیان ضرر معتنی به نیست؟ آیا مخدوش کردن محبت و عشق شیعیان به خاندان مظلوم پیامبر (صلی الله علیه و اله) و بخصوص شیفتگی بی حد و حصر آنان به سالار شهیدان (علیه السلام) را بد جلوه دادن، ضرر نیست؟ کدام ضرر از این بالاتر است؟ اگر قمه زدن به صورت عملی انفرادی در خانه‌های در بسته انجام می‌گرفت، ضرری که ملاک حرمت است فقط ضرر جسمی بود، ولی وقتی این کار علی رؤوس الأشهاد<sup>۱</sup> و در مقابل دوربینها و چشم‌های دشمنان و بیگانگان بلکه در مقابل چشم جوانان خودمان انجام می‌گیرد، آن وقت دیگر ضرری که باید معیار حرمت باشد فقط ضرر جسمی و فردی نیست، بلکه مضرات بزرگ تبلیغی که با آبروی اسلام و شیعه سروکار دارد نیز باید مورد توجه باشد. امروز این ضرر، بسیار بزرگ و شکننده است و لذا قمه زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است، البته کسانی که در سالهای گذشته از روی عشق و اخلاص قمه زده‌اند مأجورند و به خاطر نیتشان مستوجب ثواب الهی اند ان شاء الله.<sup>۲</sup>

معنای «سفینه النجاه و مصباح الهدی» این است که ما عملی را که بلاشک شرعاً محل اشکال است و به عنوان ثانوی هم حرام مسلم و بین است،<sup>۳</sup> انجام دهیم؟!<sup>۴</sup>

۱. در منظر بینندگان.

۲. رهبر معظم انقلاب، پاسخ به نامه‌ی امام جمعه‌ی اردبیل حجة الاسلام والمسلمین آقای مروج، ۱۳۷۳/۳/۲۷.

۳. گروهی پنداشته‌اند، اعمالی مانند تیغ زنی و قمه زنی و خدش و لطم و... در عزاداری، اصالتاً حلال است و حکم اولیه آن حیثیت است و اگر بسیاری از مراجع و علما آن را تحریم کرده‌اند، صرفاً به جهت شرایط خاص سیاسی دنیای اسلام و تبلیغات منفی دشمنان است.

غافل از آنکه به دلیل اطلاق روایات دال بر ممنوعیت اضرار، خدش، لطم، بدعت و دیگر عموماً فقهی در این بحث، حکم اولی آن حرمت است و صدور حکم جواز برای این گونه اعمال به حکم ثانوی بوده، که در شرایط فعلی، به حکم اولیه - که حرمت است - برمی‌گردد. (بنگرید به: محمد تقی اکبرنژاد، از شور تا شعور حسینی، ص ۳۰۶-۲۹۴)

۴. رهبر معظم انقلاب، دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۴/۶/۱۷.

البته، دست بر سر زدن، به نوعی نشانه‌ی عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می‌آید، بر سر و سینه‌ی خود می‌کوبند. این نشانه‌ی عزاداری معمولی است. اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه‌زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است.» امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه‌ی اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه‌ی اسلامی برتر، یعنی جامعه‌ی محب اهل بیت (علیهم‌السلام) که به نام مقدس ولی عصر ارواح‌نافداه، به نام حسین بن علی (علیه‌السلام) و به نام امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام)، مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدمهای خرافی بی‌منطق معرفی شوند. من حقیقتاً هر چه فکر کردم، دیدم نمی‌توانم این مطلب - قمه‌زدن - را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنند.<sup>۱</sup>

من در دو، سه سال قبل از این، راجع به قمه‌زدن مطلبی را گفتم و مردم عزیز ما، آن مطلب را با همه‌ی وجود پذیرفتند و عمل کردند. اخیراً مطلبی را کسی به من گفت که خیلی برایم جالب و عجیب بود. برای شما هم آن مطلب را نقل می‌کنم. کسی که با مسائل کشور شوروی سابق و این بخشی که شیعه‌نشین است - جمهوری آذربایجان - آشنا بود، می‌گفت: آن زمان که کمونیستها بر منطقه‌ی آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند، همه‌ی آثار اسلامی را از آن‌جا محو کردند. مثلاً مساجد را

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه‌ی ماه محرم ۷۳/۳/۱۷

به انبار تبدیل کردند، سالنهای دینی و حسینیه‌ها را به چیزهای دیگری تبدیل کردند و هیچ نشانه‌ای از اسلام و دین و تشیع باقی نگذاشتند. فقط یک چیز را اجازه دادند و آن، قمه زدن بود! دستورالعمل رؤسای کمونیستی به زیردستان خودشان این بود که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند، نماز جماعت برگزار کنند، قرآن بخوانند، عزاداری کنند، هیچ کار دینی نباید بکنند؛ اما اجازه دارند قمه بزنند!

چرا؟ چون قمه زدن، برای آنها یک وسیله‌ی تبلیغ بر ضد دین و بر ضد تشیع بود. بنابراین، گاهی دشمن از بعضی چیزها، این گونه علیه دین استفاده می‌کند. هر جا خرافات به میان آید، دین خالص بدنام خواهد شد.<sup>۱</sup>

دین، منطقی است. اسلام، منطقی است و منطقی‌ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد؛ تفسیری قوی. متکلمین شیعه، هر یک در زمان خود، مثل خورشید تابناکی می‌درخشیدند و کسی نمی‌توانست به آنها بگوید «شما منطقتان ضعیف است...» کتابهای مرحوم «شرف‌الدین» و نیز «الغدیر» مرحوم «علامه امینی» در زمان ما، سرتاپا استدلال، بتون آرمه و مستحکم است. تشیع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد، بلکه «اشبه شیء بالخرافه» است؟! چرا اینها را وارد می‌کنند؟! این خطر بزرگی است که در عالم دین و معارف دینی، مرزداران عقیده باید متوجهش باشند. عرض کردم: عده‌ای وقتی این حرف را بشنوند، مطمئناً از روی دلسوزی خواهند گفت «خوب بود فلانی این حرف را امروز نمی‌زد.» نه؛ من بایستی این حرف را می‌زدم. من باید این حرف را بزنم. بنده مسؤولیتم بیشتر از دیگران است. البته آقایان هم باید این حرف را بزنند. شما آقایان هم باید بگویید. امام بزرگوار، خط‌شکنی بود که هر جا انحرافی در نکته‌ای مشاهده می‌کرد، با کمال

۱. رهبر معظم انقلاب، در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) مشهد مقدس رضوی، ۱۳۷۶/۱/۱.



قدرت و بدون هیچ ملاحظه‌ای، بیان می‌فرمود. اگر این بدعتها و خلافها در زمان آن بزرگوار می‌بود یا به این رواج می‌رسید، بلاشک می‌گفت. البته عده‌ای هم که به این مسائل دل بسته‌اند، متأدّی خواهند شد که چرا فلانی به موضوع مورد علاقه‌ی ما این‌طور بی‌محبتی کرد و با این لحن از آن یاد نمود. آنها هم البته، اغلب، مردمان مؤمن و صادق و بی‌غرضی هستند؛ اما اشتباه می‌کنند.<sup>۱</sup> شیعه‌ی محبّ و مخلصی که در روز عاشورا با قمه سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند، آیا راضی است که با این عمل خود در روزگاری که هزاران چشم عیب‌جو و هزاران زبان بدگو، در پی بد معرفی کردن اسلام و تشیع است، عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟ آیا راضی است که با تظاهر به این عمل، خون ده‌ها هزار جوان بسیجی صفت عاشق را که برای آبرو دادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است، ضایع سازد؟<sup>۲</sup>

### انجام حرکات وهن آمیز در زیارت

اخیراً یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوس دیگر هم در باب زیارت درست کرده‌اند! بدین ترتیب که وقتی می‌خواهند قبور مطهر ائمه (علیهم‌السلام) را زیارت کنند، از درِ صحن که وارد می‌شوند، روی زمین می‌خوابند و سینه‌خیز خود را به حرم می‌رسانند! شما می‌دانید که قبر مطهر پیغمبر (صلو‌الله‌علیه) و قبور مطهر امام حسین، امام صادق، موسی بن جعفر، امام رضا و بقیه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) را همه‌ی مردم، ایضاً علما و فقهای بزرگ، در مدینه و عراق و ایران، زیارت می‌کردند. آیا هرگز شنیده‌اید که یک نفر از ائمه (علیهم‌السلام) و یا علما، وقتی می‌خواستند زیارت کنند، خود را از درِ صحن، به طور سینه‌خیز

۱. رهبر معظم انقلاب، در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۳/۳/۱۷.

۲. همان

به حرم برسانند؟! اگر این کار، مستحسن و مستحب بود و مقبول و خوب می‌نمود، بزرگان ما به انجامش مبادرت می‌کردند؛ اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه‌بوسی را با این که شاید مستحب باشد، منع می‌کرد. احتمالاً استحبابِ بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست. به ذهنم این است که برای عتبه بوسی، روایت هم وجود دارد. با این که این کار مستحب است، ایشان می‌گفتند «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می‌کنیم؛ و علیه شیعه، تشنیهی درست نکنند.» اما امروز، وقتی عده‌ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه‌الصلاة والسلام) می‌شوند، خود را به زمین می‌اندازند و دویست متر راه را به‌طور سینه‌خیز می‌پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کار درستی است؟ نه؛ این کار، غلط است. اصلاً اهانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت‌هایی را بین مردم رواج می‌دهد؟ نکند این هم کار دشمن باشد؟! اینها را به مردم بگویید و ذهنها را روشن کنید.<sup>۱</sup>

## ۵. مدرسه

در مدارس، همت باید بر این باشد که بچه‌های ما از لحاظ دینی - هم در قلمرو اعتقاد، هم در قلمرو تربیت و اخلاق، هم در قلمرو تعبد عملی - انسانهای مسلمان بار بیابند؛ این، علاج و اساس کار ماست. البته روحیه‌ی دانش دوستی، جزو تربیتهای اسلامی است؛ یعنی اگر ما بخواهیم اخلاق اسلامی را گسترش بدهیم، این هم در آن هست. پیشرفت مراتب علم هم جزو اساس کار شماست

که بایستی به آن توجه بشود. تقسیم علوم و پیدا کردن اولویتها و این که امروز در این مقطع، در این پنج سال، در این ده سال بایستی خیل دانش آموزان به چه علمی بیشتر گرایش و توجه داده بشوند، اینها مسائل کاری و فنی شماسست که به آن واقفتر هستید. این علاج کار ماست؛ یعنی بایستی با وجدان اسلامی، بچه‌ها تربیت بشوند؛ و این امروز واضح است.<sup>۱</sup>

در حقیقت، سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و قلدری شیاطین سیاسی عالم، همین سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است. دانش آموزان نونهالی که در اختیار دستگاه فرهنگی کشور قرار دارند، عزیزترین و سرشارترین سرمایه و ذخیره‌ی آینده‌ی این ملتند. قدر تعلیم و تربیت و معلمی و سنگر فرهنگی را بدانید. جوانها و نوجوانها، قدر درس و بحث و فراگیری و خودسازی را بدانند.<sup>۲</sup>

مسئله‌ی تعلیم و تربیت، مسئله‌ی زندگی بخشیدن و ولادت بخشیدن به یک مخاطب و یک انسان است. اسلام با این چشم نگاه میکند. شما تلاش کنید، سعی کنید یک بخشی از زمینی را که خشک به نظر میرسد، بکاوید و از آنجا چشمه‌ای جاری شود؛ شما یک بذری را که خیلی ناچیز به نظر میرسد، در زمین مستعدی بکارید و آن را آبیاری کنید، تا نهال سرسبزی از آن متولد شود؛ مسئله این است.<sup>۳</sup>

صرف این که کلاسی تشکیل می‌شود و معلمی به آن جا می‌رود و از جان و دل خود مایه می‌گذارد و با حله‌ی تنیده زدل و بافته زجان، شاگرد را تربیت می‌کند و کلمه به کلمه روح او را با معارف و معلومات آغشته می‌نماید، کافی

۱. بیانات در دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و جمعی از دانش آموزان استان تهران، ۱۳۶۸/۰۳/۲۶.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲.

نیست که ارزش درست کند. باید دید آن ماده‌ای که آموزش داده می‌شود، چیست، هدف و جهت چیست و این تعلیم و تربیت به چه سمت و سویی انجام می‌گیرد. عزیزان من! این مهم است.<sup>۱</sup>

در مدارس، همت باید بر این باشد که بچه‌های ما از لحاظ دینی - هم در قلمرو اعتقاد، هم در قلمرو تربیت و اخلاق، هم در قلمرو تعبد عملی - انسانهای مسلمان بار بیایند، این، علاج و اساس کار ماست.<sup>۲</sup>

---

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از کارگران، معلمان و فرهنگیان کشور، ۱۲/۰۲/۱۳۷۵.

۲. دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش، ۲۵/۱۰/۱۳۷۰.

## فصل دوم: بسترهای زمانی (مناسبت‌ها و موقعیت‌های ویژه برای کار فرهنگی)

### ۱. محرم و صفر

در طول سال، دشمنان اسلام و قرآن و دشمنان خاندان پیغمبر، تلاش بسیاری می‌کنند تا فضای جامعه را به فضایی غیردینی تبدیل کنند؛ اما وقتی دهه محرم و ایام عاشورا می‌شود، راه افتادن موکبهای حسینی در خیابانها و کوچه‌ها و محیط زندگی مردم، مثل بارانی است که پلیدیها و کثافتها را می‌شوید، فضا را پاک می‌کند، محیط جامعه را شستشو می‌دهد و همه آن تلقینات فاسد را که در محیط و فضا به دست دشمن به وجود آمده است، از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

در ایام محرم و صفر، ملت عزیز ما باید روح حماسه را، روح عاشورایی را، روح نترسیدن از دشمن را، روح توکل به خدا را، روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را، در خودشان تقویت کنند و از امام حسین مدد بگیرند.<sup>۲</sup>

هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هیأت‌های مذهبی استان تهران، ۱۳۷۳/۵/۱۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم، ۱۳۷۱/۴/۱۰.

قطعاً اسلام، زنده‌ی به عاشورا و به حسین بن علی (علیه السلام) است. همان طور که فرمود: «و انا من حسین»؛ بنا بر این معنا، یعنی دین من، ادامه‌ی راه من، به وسیله‌ی حسین (علیه السلام) است. اگر حادثه‌ی عاشورا نبود، اگر این فداکاری عظیم در تاریخ اسلام پیش نمی‌آمد، این تجربه، این درس عملی، به امت اسلامی داده نمی‌شد و یقیناً اسلام دچار انحرافی میشد از قبیل آنچه که ادیان قبل از اسلام دچار آن شدند و چیزی از حقیقت اسلام، از نورانیت اسلام باقی نمی‌ماند. عظمت عاشورا به این است.<sup>۱</sup>

## ۲. ماه مبارک رمضان

بحمدالله فضای جامعه‌ی ما فضای معنوی است و این فضای معنوی در ماه رمضان در جهت معنویت اشتداد پیدا میکند؛ عادات خوب بتدریج در بین مردم رواج پیدا میکند؛ این کمک‌هائی که به مستمندان میشود - هفته‌ی احسان و نیکوکاری - یا این افطاری‌هائی که در شهرهای مختلف انسان میشنود که افراد خیر در مساجد، در معابر عمومی جمع میشوند، افطاری فراهم میکنند، مردم افطار میکنند، کارهای بسیار خوبی است؛ مایه‌ی صفا و صمیمیت و نزدیکی و در واقع حق ماه رمضان را ادا کردن است، که یکی از حقوق ماه رمضان، همین نیکی به برادران، همراهی با نزدیکان، با برادران مسلمان و کمک به یکدیگر است. اینها چیزهای بسیار خوبی است، از سابق هم معمول و مرسوم بود، امروز بیشتر است؛ مجالس موعظه، مجالس دعا، مجالس قرآن، عادات خوبی است؛ روز به روز بایستی اینها را ترویج کرد و عمق داد؛ مغز داد. صورت جلسه کافی نیست، بایستی از جلسه‌ی دعا، از جلسه‌ی موعظه، از جلسه‌ی قرآن بهره‌برداری کرد؛ هر کدام از ما سعی کنیم سهمی بگیریم.<sup>۲</sup>

؟؟؟ ۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز هجدهم رمضان ۱۴۲۹، ۱۳۸۷/۰۶/۳۰.

این ماه، ماه روزه است؛ ماه نزول قرآن و انس با قرآن است؛ ماه عبادت و دعا و مناجات است - که دعا مغز و روح عبادت است - ماه استغفار و توبه و بازگشت از راههای ناپسند نزد خدای متعال و رعایت تقوای الهی است؛ ماه جهاد است - که در این ماه مبارک، غزوه‌ی بدر در سال دوم هجرت، و فتح مکه در سال هشتم هجرت، و شروع غزوه‌ی حنین در همان سال اتفاق افتاده است - ماه جهاد با نفس و جهاد با شیطان و جهاد با دشمنان خداست؛ ماه آمادگی و ماه ذخیره‌ی تقواست؛ ماه صلّه‌ی رحم، صدق و بر با برادران دینی، آشنایی با معارف، آشنایی و تدبر در قرآن، و خلاصه ذخیره کردن سرمایه‌ی حرکت الهی در طول یک سال است.<sup>۱</sup>

ماه رمضان را مغتنم بشمارید. این روزها را با روزه‌داری، و این شبها را با ذکر و دعا به سر ببرید. فصل دعا هم، همین ماه مبارک است. اگرچه همیشه انسان باید با رشته‌ی دعا به خدا متصل باشد، اما آیه‌ی «و اذا سألك عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان» در سوره‌ی بقره، در خلال همین آیات مبارکه‌ی مربوط به روزه و ماه رمضان است. در وسط آیات روزه و ماه رمضان، این آیه‌ی «و اذا سألك عبادی عنی فانی قریب» آمده، که همه‌ی انسانها و همه‌ی بندگان را به دعا و توجه سوق می‌دهد و دعوت می‌کند.<sup>۲</sup>

به قول آن عارف معروف که می‌گوید: «آب که از برکات الهی است، همه‌ی پلیدیها و ناپاکیها را از بین می‌برد؛ هر جسمی که با آب تماس می‌گیرد، پاک می‌شود؛ ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاکیها و ناپاکیها، به تصفیه احتیاج پیدا می‌کند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می‌کند؛ به آسمان می‌برد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین

۱ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۰/۰۱/۱۶.

۲ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۹/۰۱/۱۰.

برمی گرداند، پلیدیها را از آن جدا می کند، آن را تصفیه می کند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می دهد.»

گوینده ی این سخن حکمت آمیز می گوید: «این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکیها را از انسانها می زداید؛ اما خود این ماء طهور بتدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می کند و تزکیه و تصفیه ی آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویات - که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد - ممکن نمی شود.» با ذکر، با توجه، با توسل، با مناجات، با نافله، با تضرع در مقابل خداوند، با تفکر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می آورد؛ آماده می شود تا باز هم با پلیدیها مواجه گردد و آنها را از جسم و جان بشر و عالم بزداید. بنابراین، ماه رمضان فرصت این عروج معنوی است.<sup>۱</sup>

... در این نشئه ی هستی در عالم دنیا، افراد بشر مثل کسانی هستند که برای گذراندن دوره ای، به اردوگاهی برده می شوند ... برای ما در این اردوگاه، برنامه هایی قرار داده شده است که با آن می توانیم خود را بالاتر ببریم و بسازیم و آماده ی ورود به سر منزل نهایی و حقیقی آفرینش انسان کنیم که همان لقاءالله است. ادیان، این برنامه ها را در طول زندگی، برای مردم معین کرده اند که چند گونه هم می باشد:

بعضی از این برنامه ها، از لحاظ معنوی و روحی و قلبی، رابطه ی انسان با خدای متعال را برقرار می دارد؛ مثل نماز و ذکر و توجه و تضرع و توسل به پروردگار و مثل بسیاری از عبادات دیگر.

بعضی از برنامه ها، اخلاقیات و ملکات انسان را تصحیح و عیوب را از روح انسان بر طرف می کند؛ مثل دستورهای اخلاقی که کبر و حسد و دنائت و لئامت و

۱ بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۶/۱۰/۰۳.



پستی و دروغگویی و خیانت را از ما دور می‌کند و انسان را کریم و با معرفت و با سماحت و با محبت و آمیخته‌ی به خصال عالی انسانی می‌سازد.

بعضی از برنامه‌ها، روابط فردی و اجتماعی ما را با انسانهایی که در این جهان و اردوگاه بزرگ هستند، تنظیم می‌کند. حتی رابطه‌ی ما با اشیاء و حیوانات را هم تعلیم داده‌اند و بعضی از تعالیم و برنامه‌ها، این رابطه را برای ما تنظیم می‌کند.

بعضی از این برنامه‌ها، فضای زندگی را قابل زیست می‌سازد؛ مثل برنامه‌ی حکومت، تشکیل دولت، امر به معروف و نهی از منکر، دشمنی با ستمگران، خوبی و نیکی با مردمان صالح و مؤمن، کمک به اصلاح امور عمومی جهان و جامعه، کمک به از بین بردن فقر و دیگر برنامه‌هایی که مربوط به سطح جهان و محیط زندگی و جوامع است. مجموع این برنامه‌ها، در این اردوگاه بزرگ و در این دوران زندگی، برای من و شما گذاشته شده است.

علاوه بر اینها، در این محیط اردوگاه آموزشی تربیتی عظیمی که اسمش دنیاست، وسایل راحتی بشر هم گذاشته شده و به لذات جسمانی و جنسی او نیز توجه شده است؛ لذاتی که چشم و گوش و شامه و روح و عقل او را نوازش می‌دهد و او را خشنود می‌کند. اگر از این لذات، به شکل درستی استفاده شود، زندگی در این اردوگاه، شیرین هم می‌شود؛ یعنی هم رشد و ترقی می‌کنیم و هم خود را به کمال نزدیک می‌سازیم و هم آماده‌ی ورود به سر منزل نهایی آفرینش می‌شویم و هم در این دنیا از لذایذ مباح خدا داده‌ی زندگی، استفاده می‌کنیم که فرمود: «قل من حرم زینه الله الّتی اخرج لعباده و الطّیبات من الرزق».

شما در ماه رمضان و در فرصتهای بزرگ عبادتی، در واقع برای آن که این مجموعه برنامه‌ها را درست انجام دهید، خود را آماده می‌کنید. کسی که این برنامه‌ها را درست انجام دهد و آنچه را بر او لازم است، بجا آورد و زندگی و

رفتار خود را تصحیح کند، از هنگام بیرون رفتن از اردوگاه هم نمی ترسد؛ چون دست او پُر است.<sup>۱</sup>

### ۳. ایام دهه فجر و پیروزی انقلاب

البته دهه‌ی فجر، جزو رشحات اسلام است. خیال نکنید که دهه‌ی فجر منهای اسلام، چیزی است. دهه‌ی فجر منهای اسلام، یک پول هم ارزش ندارد. دهه‌ی فجر، آن آیینیه‌ی است که خورشید اسلام در آن درخشید و به ما منعکس شد.<sup>۲</sup>

بیست و دوم بهمن، برای ملت ما در حکم عید فطری است که ملت در آن، از یک دوران روزه‌ی سخت خارج شد؛ دورانی که محرومیت از تغذیه‌ی معنوی و مادی را بر ملت ما تحمیل کرده بودند.<sup>۳</sup>

بیست و دوم بهمن، در حکم عید قربان است؛ زیرا در آن روز و به آن مناسبت بود که ملت ما اسماعیل‌های خودش را قربانی کرد.<sup>۴</sup>

بیست و دوم بهمن، در حکم عید غدیر است؛ زیرا در آن روز بود که نعمت ولایت، اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت.<sup>۵</sup>

در این مراسم [دهه فجر] مردم را با هیجانهای عاطفی صحیح، تر و تازه و زنده کنید. یک سال، دوران تفکر و اندیشیدن و درس خواندن و درس گرفتن

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۴/۱۲/۰۱.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسؤولان ستاد برگزاری دهه‌ی فجر، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱.

۳. در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم و جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۱/۰۴.

۴. همان.

۵. همان.

است. در این مراسم، بایستی انرژی آن یک سال درس خواندن تأمین بشود. این منظور، دیگر با درس خواندن تأمین نمی‌شود؛ بلکه با احساسات فراهم می‌گردد.<sup>۱</sup> جلساتی که برپا می‌شود، باید شاد باشد. شیرینی بی‌دهند، شربت بی‌دهند، مداحی شعر بخواند، شعرا شعر بخوانند و یک نفر هم صحبت مختصری بکند، اشکالی ندارد. همین قدر مردم بدانند که به مناسبت دهه‌ی فجر، شب یک چراغ در این جا روشن است و دسته دسته بیایند و بروند. اگر این کار را بتوانید ان شاءالله انجام بدهید، حایز اهمیت است. البته از قشرهای مختلف - مخصوصاً از علما - خیلی باید کمک بگیرید.<sup>۲</sup>

#### ۴. روز قدس

روز قدس را گرمی بدارید و آن را بزرگ بشمارید. البته تبلیغات جهانی منعکس نمی‌کنند؛ نکنند. آن کسانی که در زندانهای فلسطینی هستند، به ما گفته‌اند که از شعار شما و حضور شما و مشت گره کرده‌ی شما که حاکی از نیت و عزم صادقانه‌ی شماست احساس قوّت و قدرت می‌کنند و ایستادگی می‌نمایند. آن کسی که در پشت دیوارهای زندان فلسطینی است، باید احساس تنهایی نکند، تا بایستد. آن زن و مردی که در کوچه‌ها و خیابانهای بیت المقدس و نوار غزه و شهرهای دیگر فلسطین اشغالی مورد تهاجم اراذل و اوباش صهیونیست است، باید احساس کند که شما پشت سرش هستید، تا بتواند مقاومت کند. البته دولتها هم تکالیفی دارند. دولت جمهوری اسلامی هم وظایفی دارد و به این وظایف عمل می‌کند؛ باز هم خواهد کرد. مسأله‌ی ملی و عمومی و مردمی نقش خاص خودش را دارد، که باید در جای خود انجام بدهد.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسؤولان ستاد برگزاری دهه‌ی فجر، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱.

۲. همان.

۳. رهبر معظم انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۰/۱/۱۶.

خودتان را برای راه‌پیمایی روز قدس آماده کنید. آن هم صحنه‌ی عظیمی است، برای اینکه همه بدانند که ملت ایران در صحنه است، بیدار است، پابرجاست و از هیچ قدرتی و از هیچ قلدری در سطح عالم، باک ندارد.<sup>۱</sup>

روز قدس پشتوانه‌ی امنیت کشور ما هم هست. این را همه‌ی آحاد مردم عزیز ما بدانند؛ هر یک نفری که روز قدس توی خیابان می‌آید، به سهم خود دارد به امنیت کشور و امنیت ملت و حفظ دستاوردهای انقلابش کمک میکند. روز قدس روز بزرگی است، روز مهمی است.<sup>۲</sup>

روز قدس، یک روز به معنای حقیقی کلمه، بین‌المللی اسلامی است؛ روزی است که ملت ایران میتواند با کمک ملت‌های مشتاق دیگر، که امروز خوشبختانه تعدادشان هم متعدد و زیاد شده، یک حرف حقی را فریاد کند که برای پنهان کردن آن حرف حق و خاموش کردن آن فریاد، شصت سال است که دستگاه استکبار دارد سرمایه‌گذاری میکند - البته حداقل شصت سال است، یعنی از زمان تشکیل دولت غاصب؛ و الا از مقدماتش شاید صد سال هم بیشتر است - شصت سال است که دارند سعی میکنند فلسطین را از نقشه‌ی جغرافیای جهانی حذف کنند. البته تا حدود زیادی هم موفق شده بودند. انقلاب اسلامی زد توی دهن اینها. ایجاد نظام جمهوری اسلامی و اعلان روز قدس و تبدیل سفارت رژیم غاصب به سفارت فلسطین در تهران، حرکت هشدار دهنده و متوقف کننده و مهاجمی بود که در مقابل این نقشه‌ی استکباری ایستاد. امروز خوشبختانه این حرکت، روز به روز توسعه پیدا کرده.<sup>۳</sup>

## ۵. تابستان و اوقات فراغت

۱. رهبر معظم انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۱/۱۲/۷.

۲. ???

۳. ???

در فصل تابستان، بسیاری از جوانان خوب ما اوقات فراغتشان را یا در بسیج سازندگی و یا در بسیج نیروی مقاومت می‌گذرانند و یا به بالا بردن علم و سواد دیگران کمک می‌کنند. عده‌ای به تن خودشان زحمت می‌دهند و برای دیگران کار می‌کنند. عده‌ای با برنامه‌های خوب و منظم، به کتابخوانی و ارتقای سطح فکر خودشان می‌پردازند. فراغت جوانان مؤمن، این‌گونه می‌گذرد. من گزارشهای متعددی داشته‌ام از جوانانی که در تابستان، تعطیلات دانشگاهی یا دبیرستانی خود را در نقاط دوردست گذرانده‌اند و برای روستاییان مسجد، درمانگاه، راه، حسینیه، جاده و پل ساخته‌اند. عکسهای این فعالیتها را برای من آورده‌اند و من آن‌ها را دیده‌ام. پیغمبر طبق روایتی فرمود: «انما سیاحه ائمتی الجهاد فی سبیل الله». جوانان ما سیاحتشان را هم از این راه تأمین می‌کنند؛ سیاحتشان در ضمن کار برای مردم است. این ارزش دارد. جوانی خود را قدر بدانید. تربیت معنوی و دینی و تحصیلات اسلامی و معرفتی و دانستن تاریخ و پیشرفت علمی را - که بحمد الله جوانان ما امروز در خط آن هستند - قدر بدانید و در این راه‌ها بکوشید و بدانید دشمن می‌خواهد شما ترقی نکنید و کشور خود را آباد نسازید؛ اما شما علی‌رغم دشمن باید از لحاظ علمی، جسمی، معرفتی، ایمانی و اخلاقی ترقی کنید.<sup>۱</sup>

## ۶. ایام حج

### ۶-۱. اهمیت و جایگاه حج

در میان فرایض دینی، حج، بزرگترین فریضه‌ی است که در آن هر دو جنبه‌ی فردی و اجتماعی به شکلی نمایان، گنجانیده شده است. در جنبه‌ی فردی،

۱. رهبر معظم انقلاب، دیدار جوانان اهواز، ۱۳۸۲/۵/۸.

هدف، تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی‌ارزش مادی و فراغت با خویشتن معنوی و انس با خدای متعال و ذکر و تضرع و توسل به حضرت حق است، تا آدمی به عبودیت - که صراط مستقیم الهی به سوی کمال است - راه یابد و در آن گام بردارد... در جنبه‌ی اجتماعی، حج در میان همه‌ی فرایض اسلامی بی‌همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه‌ی دیگری بدین‌سان به آحاد مسلمان، درباره‌ی مسائل امت اسلامی و جهان اسلام، درس و عبرت نمی‌آموزد و آنان را در روحیه و واقعیت، به قدرت و عزت و وحدت نزدیک نمی‌کند. تعطیل این بخش از حج، بستن سرچشمه‌یی از خیرات به روی مسلمین است که از هیچ رهگذر دیگری نمی‌توانند بدان دست یابند.<sup>۱</sup>

آن‌جا که تعینات مادی و تشخیص به مال و مقام و نژاد و عنوان و زیور و لباس، رنگ می‌بازد و آدمی جدا از آن مایه‌های تمایز، در کنار صدها هزار انسان دیگر به طواف و سعی و نماز و افاضه و وقوف می‌رود، و فقیر و غنی، و حاکم و محکوم، و تحصیلکرده و امی، و سیاه و سفید، همه با یک لباس و در یک جایگاه، رو به سوی خدا می‌کنند و دست نیاز به سوی او می‌گشایند و خود را در برابر مرکز جمال و عظمت و قدرت و رحمت می‌یابند، هر انسان با تدبری می‌تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا، و علو و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا، بخوبی بشناسد، توهم باطل و غرور انگیز درباره‌ی هستی ضعیف خود را به دور افکند، و شیشه‌ی کبر و خودپسندی را که مایه‌ی زشت‌ترین خلقیات و رفتارهای او است، به خاک بکوبد، و از سوی دیگر حلاوت ارتباط با معدن عظمت و به او پیوستن و از بتهای درونی خویش

۱. پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج، ۱۳۷۶/۰۱/۲۱.

گسستن را بیازماید و بجشد. شناخت خود به مثابه‌ی جزئی از این واقعیت عظیم، حج‌گزار را با پیوندی عاطفی و واقعی با برادران و خویشاوندانش متصل می‌کند؛ و افسون جدایی را که سالهاست دستهای استعمار دیروز و استکبار امروز، به نام نژاد و زبان و مذهب و ملی‌گرایی می‌دمند، باطل می‌سازد.<sup>۱</sup>

ادب حج، خضوع و ذکر و توجه است. ادب حج، احساس حضور در مقابل پروردگار در همه‌ی آنات است. ادب حج، پناه بردن به ساحه‌ی امن الهی است که برای مؤمنین و متمسکین به ذیل توسل به ذات مقدس پروردگار، آن را فراهم کرده است. باید این بهشت را شناخت و وارد آن شد؛ حج را این‌طور باید فهمید. ادب حج، مسالمت و مداراست. خشونت کردن با مؤمنین، دعوا کردن با برادران و فسوق و جدال در حج ممنوع است. ادب حج، فرو رفتن در حقیقت معنای حج و بهره‌برداری کردن و توشه گرفتن از آن برای همه‌ی دوران زندگی است. ادب حج، برادری و ایجاد محبت و وحدت است. فرصت ایجاد وحدت بین ملت‌های اسلامی و شعوب اسلامی، فقط در حج فراهم می‌شود. این همه انسان از اقصا نقاط عالم، همه به عشق کعبه، به عشق مرقد پیغمبر، به عشق ذکر الهی، به عشق طواف و سعی، خود را به آن جا رسانده‌اند؛ این فرصت برادری مغتنم است.<sup>۲</sup>

حج یک دستگاه عجیب دگرگون‌ساز است. هر موسم حجی، یک حرکتی در کل جامعه به وجود می‌آید؛ یعنی یک حرکت جمعی است، بحث تک‌تکی نیست. در این موسم، محبتها به خدای متعال افزایش پیدا می‌کند. دلی که گنجینه‌ی محبت الهی باشد، خیلی باارزش و ذی‌قیمت است. دلی که جای محبت خداست، به گناه کمتر میل می‌کند یا میل نمی‌کند؛ به کار خیر متمایل

۱. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، ۱۳۷۷/۰۱/۱۲.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۰۸/۱۶.

میشود. این محبت را باید ایجاد کرد. ایجاد این محبت، با ذکر، با توجه، با اخلاص، با تضرع حاصل میشود.<sup>۱</sup>

از اول مراسم حج، از همان احرامی که شما برای عمره در میقات میبندید، تا آخرین وظائف و فرائضی که در حج وجود دارد، ذکر خدا موج میزند؛ این را باید به یاد داشته باشیم. ذکر خدای متعال ما را پاکیزه میکند، ما را تطهیر میکند، زنگها را از دل ما پاک میکند، غفلتها را از ما میزداید، عشق به دنیا و چنگ زدن به زخارف مادی و پول و مقام و شهوات جنسی و غیر جنسی و اینها را در ما تضعیف میکند. ما امروز و همیشه به این احتیاج داریم. انسان برای اینکه بتواند راه را درست طی کند، از صراط مستقیم حق منحرف نشود، احتیاج دارد به این که همیشه یاد خدا را در دل بپروراند؛ و در این جهت، حج یکی از بهترین فرصتهاست؛ از جهاتی بی نظیر است. من خواهش میکنم در هر کدام از اعمال و فرائض و مناسکی که انجام میدهید، در لبیکی که اول کار میگوئید، توجه داشته باشید چه کار دارید میکنید؛ با کی دارید حرف میزنید. در طواف، در سعی، در میقات، در مراکز وقوف، در هر عملی از اعمال حج، بدانیم که داریم با چه کسی حرف میزنیم، با چه کسی معامله میکنیم، برای چه کسی داریم تلاش میکنیم. این یاد راه، این ذکر راه، این خشوع راه، این تضرع را لحظه‌ای از خودمان جدا نکنیم؛ این یکی از کارهای مهم است. روحانیون محترم بخصوص، مسئولان کاروانها، مرتب‌ترین با افراد، به این نکته توجه کنند.<sup>۲</sup>

حج مهم است. حج در قله‌ی اهتمام شارع مقدس است. امروز بخصوص وقتی شما مشاهده میکنید، می‌بینید کأنه حج از همیشه مهمتر است، لازمتر است

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۱/۷/۳.



و بیشتر مورد احتیاج است. از هر دو نظر، حج مهم است؛ هم برای درون خود ما، درون امت اسلامی، و هم از لحاظ بین‌المللی. امت اسلامی را در طول قرن‌ها، در طول سال‌های متمادی زمینگیر کردند، دلیل کردند، خفیف کردند، بی‌همت کردند، ناامید کردند و با ابزارهای جدید خواستند معنویت را، روحانیت را، توجه و تضرع را در او تضعیف کنند. حج همه‌ی این گرفتاری‌ها را ترمیم میکند، به آحاد امت اسلامی عزت میدهد، احساس اقتدار میدهد، امید میبخشد؛ حج درست اینجور است... دشمن را تضعیف میکند، روحیه‌ی دشمن را در هم می‌شکند، عظمت اسلام را به رخ دشمن میکشد، وحدت امت اسلامی را در مقابل دشمن آشکار میسازد. ما به این احتیاج داریم.

امروز جبهه‌ی عظیمی در مقابل اسلام گسترده شده است؛ چرا نبینیم؟ چرا بعضی این جبهه‌ی عظیم را نمی‌بینند؟ مثل جنگ احزاب است. فرق مختلف ضد اسلامی، ضد معنویت، ضد حقیقت، در مقابل اسلام دست به دست هم دادند؛ موشکافی میکنند تا نقطه‌ضعفها را پیدا کنند، از آن نقطه‌ضعفها استفاده کنند؛ نقاط نفوذ را پیدا کنند، از آن نقاط نفوذ به ما ضربه بزنند. حج میتواند جلوی اینها را بگیرد.<sup>۱</sup>

## ۶-۲. مراسم برائت از مشرکان

اینجاست که «برائت از مشرکین» در حج معنا پیدا میکند. حج جائی است که مسلمانها از همه‌ی دنیای اسلام در آنجا جمع میشوند. فرهنگهای مختلف، نژادهای مختلف، زبانهای مختلف، صنوف لغات و لحنها و لهجه‌های گوناگون - به تعبیر امام حسین (علیه‌السلام) در دعای مبارک عرفه - همه در آنجا

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۷/۱۷.

مجتمع‌مند، متفقد. این وحدت که شکل جسمانی و مادی آن در اجتماعات بزرگ حج دیده می‌شود، باید عمق پیدا کند؛ همه احساس کنند که در مقابل یک خطر قرار دارند، در مقابل یک دشمن قرار دارند؛ همه از عمق وجود، نسبت به این دشمن برائت بجویند. معنای برائت از مشرکین در حج، اینجا ظاهر می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۶-۳. وظایف در قبال حج

حج را باید درست برگزار کرد. امروز نسبت به سی سال قبل، حرکت حج ما از زمین تا آسمان تفاوت کرده است؛ اما کافی نیست و باید از این هم پیشتر برویم، از این هم بهتر حرکت کنیم. رفتار حاجی ایرانی باید نشان‌دهنده‌ی همه‌ی خصوصیات باشد که در حج وظیفه‌ی مسلمانهاست و بر دوش مسلمانها تکلیف است. از جهت معنوی: تضرع، توسل، توجه، انس با قرآن، ذکرالله، دلها را نزدیک کردن به خدا، خود را معنوی کردن و نورانی کردن و با دستاورد معنوی به خانه برگشتن. از جهت اجتماعی، از جهت سیاسی: همکاری با دنیای اسلام.<sup>۲</sup>

مهم این است که هر شخصی، هر مسئولی، هر فرد حج‌گزاری، خود را در مقابل این حرکت عظیم دسته‌جمعی دنیای اسلام و امت اسلامی مسئول بشناسد. اگر این حرکت عظیم یکپارچه‌ی امت اسلامی، سالم، کامل و بی‌عیب تحقق پیدا کند، آثار و برکات آن در هر سالی، همه‌ی دنیای اسلام را - بلکه به یک معنا، همه‌ی بشریت را - منتفع و متنعم خواهد کرد؛ «لشهدوا منافع لهم».<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۱/۷/۳.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۷/۱۷.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۷/۱۷.

من با سوغاتی خریدن مخالف نیستم، اما با این بازارگردی‌ها چرا؛ خیلی بد است. یک عده‌ای عطش بازارگردی دارند؛ اینها ملت شما را، مردم شما را سبک میکند؛ حیف است. می‌روند یک جنس‌هایی را می‌خرند، غالباً هم جنس‌های بی کیفیت از کشورهای دوردستِ سودجو که با همان کمپانی‌های داخل آن کشور میزبان بندوبست دارند. برای حجاج جنس بدلی و بی کیفیت درست میکنند می‌آورند توی این بازارها میریزند، شما هم می‌روید این ارز خودتان را و عرض خودتان را میریزید برای اینکه این کالاهای بی کیفیت را خریداری کنید.<sup>۱</sup>

#### ۴-۶. لزوم برقراری ارتباط و تحکیم وحدت با مسلمانان در

##### ایام حج

فرصت ... [حج]، فرصت برای امت اسلامی است؛ برای اینکه امت اسلامی با تکثر قومیت‌ها و نژادها، مناطق عالم و فرهنگ‌ها و عادت‌ها و سلیقه‌ها، به طور طبیعی در معرض شکاف‌ها و جدائی‌هایی هست. چون خداوند متعال اسلام را برای یک نژاد خاص، برای یک فرهنگ خاص، برای یک منطقه‌ی خاص از دنیا که نیاورد، برای همه‌ی بشریت آورد. همه‌ی بشریت از لحاظ رنگ، از لحاظ زبان، از لحاظ عادات، از لحاظ سلاطین، از لحاظ محیط‌های تاریخی و جغرافیائی با هم متفاوتند. پس زمینه‌ی اختلاف در امت اسلامی وجود دارد. این اختلاف بایستی بروز نکند، بایستی تحقق و فعلیت پیدا نکند. حج آن فرصت بزرگی است برای امت اسلامی که التیام خود را پس از جدائی‌های طبیعی و احیاناً جدائی‌های مصنوعی و تحمیلی، بار دیگر برای خودش تأمین کند.<sup>۲</sup>

ارتباط برقرار کنید، حرف بزنید، خبر بدهید، خبر بگیرید، روحیه بدهید،

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۰۸/۱۶.

روحیه بگیرید؛ حقایقی را که درباره‌ی استکبار، مستکبرین، معاندین، مخالفین میدانید - شماسی سال تجربه دارید - برای آن برادرانی که تازه وارد این میدان شده‌اند، تشریح کنید. آنهایی هم که توانائی تبیین و بیان و این چیزها ندارند، با رفتارِ خودشان مردم را دعوت کنند؛ «کونوا دعاة النَّاسِ بغير السننکم» (۳) مردم را با زبان هم میشود دعوت کرد، اما دعوت قوی‌تر و بهتر، با عمل است. ادبتان، احترامتان، دلبستگی نشان دادنتان به حقایق حج، اینها رفتارهای جمعی و عمومی است برای بهتر برگزار کردن این واقعه‌ی بین‌الملل اسلامی.<sup>۱</sup>

دشمنان دین، مستکبران و اداره‌کنندگان جبهه‌ی ضد اسلام بدانند که امت اسلامی در مقابل آنها متحد و متفق است؛ گمان ایجاد اختلاف را از خودشان دور کنند؛ مایوس بشوند از اینکه بتوانند بین ما اختلاف ایجاد کنند. مبلغین ما، آحاد مردم ما، مدیران ما، پیروان گوناگون مذاهب ما، سنی ما، شیعه‌ی ما، همه باید حواسمان به این باشد؛ مراقبت کنیم، نگذاریم دشمن با ایجاد اختلاف بین ما - که ما خشمهای خودمان، غضبهای خودمان را علیه خودمان و در درون خودمان به کار ببریم - خودش را از مقابله‌ی با خشم امت اسلامی نجات بدهد؛ این خطای بزرگی خواهد بود. این یک نکته است در باب حج.<sup>۲</sup>

ارتباطات با برادران مسلمان در دنیای اسلام باید در این مرکز مهم احیاء شود. ارتباطات، ارتباطات دولتها نیست. ارتباطات دولتها، ارتباطات رسمی است، ارتباطات زبانی است، برای مسائل دیگری است. ارتباط بین آحاد امت اسلامی، ارتباط قلبی است؛ این با ارتباط آحاد ملتها با یکدیگر حاصل میشود. در دیدار با برادران مسلمانی که از کشورهای دیگر آمده‌اند، آنهایی که اهل زبانند، میتوانند حرف بزنند، با زبان اظهار محبت کنند، اظهار تعارف کنند، بر

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۱/۰۷/۰۳.

روی نقاط مشترک تکیه کنند؛ آنهایی که اهل حرف زدن نیستند، با عمل: جا بدهید، مهربانی کنید، محبت کنید، بعضی از سختی‌ها و خشونت‌ها را تحمل کنید؛ یکی ممکن است تنه بزند، شما در مقابلش لبخند بزنید. در عمل سعی کنید این ارتباط به وجود بیاید؛ نه فقط برای اینکه آبرو و عزت ایران و ملت ایران را حفظ کنید - که البته این در جای خودش خیلی مهم است؛ چقدر خوب است که یک ملت بتواند کرامت خود، ارزش خود، پابندی خود به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی را نشان بدهد - بلکه برای اینکه این ارتباط قلبی برقرار شود. اهل هر نژادی است، اهل هر زبانی است، اهل هر مذهبی است، مسلمان است؛ او هم مثل شما به عشق کعبه آمده، به عشق پیغمبر آمده؛ او هم دارد همین راه را می‌رود، او هم با خدای متعال دارد حرف می‌زند. هر چه می‌توانید، این وجه مشترک را به رخ یکدیگر بکشید؛ بفهمند که این وجه مشترک وجود دارد. وقتی مسلمان در اقصی نقاط عالم احساس کرد که در کشورهای دیگر، در ملت‌های دیگر برادرانی دارد، قوت روحی پیدا میکند، اعتماد به نفس پیدا میکند؛ از ضعفی که دست‌های خبیث مستکبر بر مسلمانها تحمیل کرده‌اند، خودش را نجات می‌دهد. این حالت باید تقویت شود.<sup>۱</sup>

مسئله‌ی وحدت را خیلی جدی بگیرید. امروز در کانون‌های فکر و اندیشه و توطئه برنامه‌ریزی دقیق میشود، برای اینکه دنیای اسلام را به جان هم بیندازند؛ دولت‌ها را یک جور، ملت‌ها را یک جور. هر وقت بین دولت‌های اسلامی یک زمزمه‌ای پیش می‌آید، یک حرفی پیش می‌آید که نشانه‌ی نزدیک شدن است، ناگهان می‌بینیم یک عامل خارجی، یک عامل صهیونیستی، یک عامل آمریکائی وارد قضیه میشود و مانع میشود از نزدیکی. وقتی که دولت‌های

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۱/۰۷/۰۳.

اسلامی با هم خوبند، به هم نزدیکند، آنجا را هم مشغول تفتین میشوند. در میان ملت‌ها هم همین‌طور. ملت‌ها علیه هم انگیزه‌ای ندارند؛ لذا انگیزه‌ی مذهب را، انگیزه‌ی قومیت را، تعصبات ملی‌گرائی را وارد میدان میکنند تا اینها را به جان هم بیندازند. اینها چیزهائی است که اگر ما متوجه به آنها نباشیم، از دشمن ضربه میخوریم. اگر ما مراقب نباشیم، اسلام سیلی میخورد. امروز دشمنی با اسلام در دستگاه استکبار علنی شده است. اگرچه باز هم به زبان انکار میکنند، اما واضح و آشکار است که با اسلام دشمنند، با اسلام مخالفند. این، وظیفه‌ی ما را خیلی سنگین میکند.<sup>۱</sup>

حج باید مظهر اتحاد باشد، باید مظهر تفاهم باشد، باید مظهر گفتگو باشد، باید مظهر همدلی و همکاری و نزدیک شدن مسلمانان با یکدیگر باشد؛ باید حج را اینجوری پیش برد، باید اینجوری حرکت داد. حالا در حج که مرکز اتحاد و اتفاق است، یک عده‌ای شروع کنند به ایجاد اختلاف - چه در مکه، چه در مدینه - یک عده‌ای شروع کنند علیه شیعه فعالیت کردن؛ برای زیارتشان، برای کارهایشان، برای انجام وظائف و تکالیف و اعتقاداتشان، اینها را زیر فشار قرار دادن، اهانت کردن - که متأسفانه گزارشهایش میرسد - یک عده هم از این طرف به صورت عکس‌العملی کارهای خلاف دیگری بکنند. خوب، این درست عکس مصلحت حج است؛ عکس فلسفه‌ی حج است.<sup>۲</sup>

## ۷. عید فطر

همان‌طور که بعضی از بزرگان فرموده‌اند که برای سعادت امت اسلامی «کلمه‌ی توحید» و «توحید کلمه» دو اصل قطعی است - که همین‌طور

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۷/۱۷.

۲. همان.

هم هست - عید فطر و نماز و توسل ما در این روز نیز مظهر توحید کلمه و کلمه‌ی توحید است؛ زیرا هم معنویت است و هم توسل و خشوع؛ هم مستحکم کردن دل به وسیله‌ی ایمان به خداست و هم پیدا کردن حالت سکینه و آرامش و خلاصی از تلاطمهای گوناگون نفس انسانی است.<sup>۱</sup>

روز عید فطر دارای دو خصوصیت ممتاز است که خصوصیت اول آن عبارت است از این حالت طهارت و نزهت و نفاقتی که در دل و جان انسانهای مؤمن به وجود آمده است... خصوصیت دوم هم در همین نماز شما متجلی است. روز عید فطر تجسم و نمایش انسجام حقیقی و قلبی ملت است؛ وحدت ملت، اعتصام دسته جمعی به حبل‌الله، از چیزهائی است که بسیار بارزش است.<sup>۲</sup>

هر عید فطری، برای انسان مسلمان آگاه هوشیار، می‌تواند یک روز عید حقیقی باشد. روز شروع دوباره‌ی زندگی معنوی و روحی؛ مثل بهار برای گیاهان و درختان.<sup>۳</sup>

عید فطر، یکی از عظیمترین مناسبت‌های اسلامی است... خدای متعال امروز را برای امت اسلامی عید قرار داد و آنها را شایسته‌ی این عید دانست. آنچه مهم است، بخش دوم قضیه است. ما باید از این هدیه‌ی الهی استفاده کنیم؛ هم استفاده‌ی شخصی، به معنای راه دادن نور معرفت و توبه و انابه به دل‌های خودمان، که اگر از عالم معرفت و محبت الهی دریچه‌ای بر روی دل‌های خودمان باز و اندرون خود را نورانی کنیم، بسیاری از تاریکیها و گرفتاریهای دنیای بیرون هم حل خواهد شد؛ چون دل انسانهاست که سرچشمه‌ی خوبیها

۱. بیانات در دیدار مسؤولان نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۸۲/۰۹/۰۵.

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر، اول شوال ۱۴۲۹، ۱۳۸۷/۰۷/۱۰.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.

و بدیهاست - در اعمال و رفتار و مناسبات اجتماعی و بین‌المللی آنها - و هم استفاده‌ی عمومی بکنیم.<sup>۱</sup>

## ۸. ماه رجب

هر یک روز ماه رجب، یک نعمت خداست. در هر ساعتی از این ساعات، یک انسان اگر هوشمند و زرنگ و آگاه باشد، می‌تواند چیزی را به دست بیاورد که در مقابل آن، همه‌ی نعمتهای دنیا پوچ است؛ یعنی می‌تواند رضا و لطف و عنایت و توجه الهی را به دست آورد.<sup>۲</sup>

ماه رجب، فرصت مغتنمی است برای همه دل‌های مؤمن که رابطه خود را با خدا مستحکم کنند. انسان به این ارتباط معنوی و روحی نیازمند است.<sup>۳</sup> رجب، ماه صفا دادن به دل و طراوت بخشیدن به جان است؛ ماه توسل، خشوع، ذکر، توبه، خودسازی و پرداختن به زنگارهای دل و زدودن سیاهی‌ها و تلخی‌ها از جان است.<sup>۴</sup>

ماه رجب، بهار عبادت و تضرع و توسل الی الله است. این ایام عبادت را - این ماه رجب را، ماه شعبان را و بالاتر، ماه رمضان را - دست کم نباید گرفت... ماه رجب است، ماه عبادت است، ماه توسل به پروردگار است، ماه تضرع است؛ و در این راه، ماه تشبیه به امیرالمؤمنین است. با خدا ارتباطمان را قوی کنیم تا در میدانهای زندگی بتوانیم با اراده‌ی محکم، با قدم استوار و با ذهن روشن، وارد هر میدانی بشویم.<sup>۵</sup>

۱. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵.

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹.

۳. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح، ۱۳۸۰/۰۷/۰۴.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۵. دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی، ۱۳۸۷/۰۴/۲۶.



دعای ماه رجب، اعتکاف ماه رجب، نماز ماه رجب، همه وسیله‌ی است برای این که ما بتوانیم دل و جان خود را صفا و طراوتی ببخشیم؛ سیاهی‌ها، تاریکی‌ها و گرفتاری‌ها را از خود دور کنیم و خودمان را روشن سازیم. این، فرصت بزرگی است برای ما.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

## خلاصه

### بسترهای مکانی کار فرهنگی:

خانواده: خانواده از نظر اسلام، رکن بزرگی در پیشرفت اسلامی جامعه است. وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه، نهادینه می‌شود.

مسجد: مسجد می‌تواند جایگاه امن و صفا برای جامعه باشد و فضایی را برای رابطه و انس و راهنمایی نمازگزاران به‌ویژه جوانان فراهم کند. پایگاه‌های بسیج: بسیجی بودن، یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی.

مجالس عزاداری: نشئه روحانی و ملکوتی عزای حسینی را با آموزشهای ژرف مکتبی در هم آمیزید و از این راه، ملت حزب الله را در مقابل تبلیغات دشمنان، مسلح و مجهز کنید.

مدرسه: در مدارس، همت باید بر این باشد که بچه‌های ما از لحاظ دینی - هم در قلمرو اعتقاد، هم در قلمرو تربیت و اخلاق، هم در قلمرو تعبد عملی - انسانهای مسلمان بار بیایند؛ این، علاج و اساس کار ماست.

بسترهای زمانی کار فرهنگی:

هر یک از این مناسبت‌های زمانی (محرم، صفر، ماه مبارک رمضان، دهه فجر، روز قدس، تابستان و اوقات فراغت، ایام حج، عید فطر و ماه رجب) موقعیت بسیار مناسبی برای انجام کارهای فرهنگی و نهادینه کردن باورهای دینی در بین آحاد جامعه خصوصاً جوانان است.

**سئولات:**

بسترهای مکانی کار فرهنگی را نام ببرید.  
آفات و انحرافات عزاداری چیست؟  
بسترهای مکانی کار فرهنگی را نام ببرید.



# فهرست تفصیلی

بخش اول: قالبهای کار فرهنگی.....	۷
مقدمه.....	۹
فصل اول: قالبهای تبلیغی و ترویجی.....	۱۱
۱. فعالیتهای قرآنی.....	۱۱
۱-۱. ایجاد انس عمومی با قرآن.....	۱۲
۱-۱-۱. ثمرات نزدیکتر شدن به قرآن.....	۱۶
۱-۲. آشناسازی عمومی با روخوانی قرآن.....	۱۶
۱-۲-۱. هدف از تلاوت قرآن.....	۱۷
۱-۲-۱. لزوم درک معانی آیات به همراه تلاوت.....	۱۸
۱-۲-۳. قرائت کامل قرآن.....	۱۹
۱-۳. بها دادن به قرائت قرآن و قاریان موفق.....	۱۹
۱-۳-۱. توجه به معانی هنگام قرائت.....	۲۱
۱-۳-۲. تلفظ و ترجمه و حفظ قرآن.....	۲۱

- ۴-۱. ترویج فهم مفاهیم قرآنی و تدبیر در قرآن..... ۲۲
- ۱-۴-۱. تفاوت تدبیر با تفسیر..... ۲۳
- ۱-۴-۲. درک مفاهیم روز و پاسخگویی به شبهات با قرآن..... ۲۳
- ۱-۴-۳. آموزش زبان عربی با گرایش فهم و ترجمه قرآن..... ۲۴
- ۱-۴-۴. حک کردن برخی مفاهیم قرآنی در ذهن‌ها..... ۲۵
- ۱-۴-۵. بهره‌مندی از راهنمایی دانایان به معارف قرآن..... ۲۵
- ۱-۵. نزدیک کردن دلها به قرآن؛ از جنبه عاطفی و عقلانی..... ۲۶
- ۱-۶. تخلق به اخلاق قرآن..... ۲۷
- ۱-۷. مسابقات و جلسات قرآن..... ۲۸
- ۱-۸. ترویج حفظ قرآن..... ۲۹
- ۱-۸-۱. حفظ قرآن در خردسالی..... ۳۱
- ۱-۸-۲. حفظ قرآن در دوره دبستان تا دبیرستان..... ۳۲
- ۱-۸-۳. حفظ قرآن برای همه جوانان..... ۳۳
- ۱-۸-۴. حفظ قرآن برای قاریان..... ۳۳
۲. تبلیغ چهره به چهره و خطابه..... ۳۴
۳. تعظیم شعائر و برگزاری مراسمات..... ۳۶
- ۳-۱. توجه توأم به ظاهر و باطن مراسم..... ۳۸
- ۳-۲. مجالس روضه و توسل..... ۳۹
۴. ترویج احادیث ائمه اطهار..... ۴۰
۵. جلسات پرسش و پاسخ و پاسخگویی به شبهات..... ۴۰
۱. کتاب و مطالعه..... ۴۳
- ۱-۱. اهمیت و جایگاه کتاب..... ۴۳

- فصل دوم: قالب مکتوب..... ۴۳
- ۱-۲. وظایف ما در قبال کتاب و کتابخوانی..... ۴۵
- ۱-۲-۱. تولید کتب مفید و مورد نیاز جامعه..... ۴۶
- ۱-۲-۲. ترویج فرهنگ کتابخوانی..... ۴۷
- ۱-۲-۳. پرداختن به نقد و بررسی کتاب..... ۵۵
- ۱-۲-۴. برپایی نمایشگاههای کتاب ملی و استانی..... ۵۶
- ۱-۲-۵. جلوگیری از توزیع کتب فاسد..... ۵۸
۲. مطبوعات..... ۶۰
- ۱-۲. نقش و وظایف مطبوعات..... ۶۳
- ۲-۲. آسیب شناسی مطبوعات..... ۶۵
- ۲-۳. آزادی مطبوعات..... ۶۹
۱. ورزش..... ۷۳
- ۱-۱. ورزش و فرهنگ اسلامی..... ۷۳
- فصل دوم: قالبهای تفریحی..... ۷۳**
- ۱-۲. ورزش همگانی..... ۷۵
- ۱-۳. ورزش پهلوانی..... ۷۸
- ۱-۴. ورزش قهرمانی..... ۷۹
- ۱-۵. ورزش بانوان..... ۸۵
- ۱-۶. مدیریت ورزش..... ۸۵
۲. سفر و برگزاری اردوها..... ۸۸
- ۱-۲. سفرهای زیارتی (حج، عتبات، مشهد مقدس و...)..... ۸۸
- ۲-۲. اردوهای راهیان نور..... ۸۹

- ۲-۳. اردوهای جهادی ..... ۹۱
۱. جایگاه رسانه در دنیای امروز ..... ۹۵
- فصل چهارم: رسانه های نوپدید ..... ۹۵
۲. رادیو و تلویزیون ..... ۹۹
۳. ماهواره ..... ۱۰۸
۴. اینترنت ..... ۱۱۰
- خلاصه ..... ۱۱۲
- سئوالات ..... ۱۱۳
- بخش دوم: بسترها و موقعیتهای ویژه برای کار فرهنگی** ..... ۱۱۵
- مقدمه ..... ۱۱۷
- فصل اول: بسترهای مکانی (پایگاهها و مراکز فرهنگی)** ..... ۱۱۹
۱. خانواده ..... ۱۱۹
- ۱-۱. اهمیت خانواده ..... ۱۱۹
- ۱-۲. ثمرات خانواده سالم ..... ۱۲۱
- ۱-۲-۱. پیشرفت جامعه اسلامی ..... ۱۲۱
۲. مسجد ..... ۱۲۲
۳. پایگاههای بسیج ..... ۱۲۳
- ۳-۱. تعریف فرهنگ بسیجی ..... ۱۲۳
- ۳-۲. شاخصهای بسیجیان ..... ۱۲۴
- ۳-۲-۱. خودسازی ..... ۱۲۵
- ۳-۲-۲. حضور در صحنه (عمل به هنگام) ..... ۱۲۷
- ۳-۲-۳. داشتن بصیرت ..... ۱۲۹



- ۳-۲-۴. نمونه و پیشرو بودن در تمام عرصه ها ..... ۱۳۰
۴. هیئت و مجالس ذکر اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۱۳۱
- ۴-۱. اصول برگزاری مجالس عزاداری ..... ۱۳۱
- ۴-۱-۱. آموزنده و رشددهنده بودن محتوای ارائه شده ..... ۱۳۱
- ۴-۲. ارکان مجالس ذکر اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۱۳۲
- ۴-۳-۱. منبر و سخنرانی ..... ۱۳۲
- ۴-۳-۲. مداحی و مجالس ذکر اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۱۳۵
- ۴-۳. آفات و انحرافات عزاداری ..... ۱۳۸
- ۴-۳-۱. آفات فکری مجالس هیئت ..... ۱۳۸
- ۴-۳-۲. انحرافات عملی عزاداری ..... ۱۴۰
۵. مدرسه ..... ۱۴۶
- فصل دوم: بسترهای زمانی (مناسبت‌ها و موقعیت‌های ویژه برای کار فرهنگی)**
- ۱۴۹ ..... ۱۴۹
۱. محرم و صفر ..... ۱۴۹
۲. ماه مبارک رمضان ..... ۱۵۰
۳. ایام دهه فجر و پیروزی انقلاب ..... ۱۵۴
۴. روز قدس ..... ۱۵۵
۵. تابستان و اوقات فراغت ..... ۱۵۶
۶. ایام حج ..... ۱۵۷
- ۶-۱. اهمیت و جایگاه حج ..... ۱۵۷
- ۶-۲. مراسم برائت از مشرکان ..... ۱۶۱
- ۶-۳. وظایف در قبال حج ..... ۱۶۲



- ۴-۶. لزوم برقراری ارتباط و تحکیم وحدت با مسلمانان در ایام حج ..... ۱۶۳
- ۷. عید فطر ..... ۱۶۶
- ۸. ماه رجب ..... ۱۶۸
- خلاصه ..... ۱۷۰
- سئولات: ..... ۱۷۱